

## ۵ نیایشها به حضور روح القدس

روح القدس موجب ورود ما به درون زمان تقدیس شده و شراکت در آن می شود و بدین سبب نیایش به روح القدس، یا طلب نزول روح القدس، اساسی ترین قسمت در مراسم تعمید است، همان گونه که در آیین نیایش شام خداوند می باشد. در واقع بررسی دقیق مراسم مختلف تعمید سریانی آشکار خواهد ساخت که آنها چندین نیایش گوناگون را دربر دارند. مهمترین آنها، (و بعضی مواقع بیشتر از یکی) نیایشی است که ضمن تقدیس آب تعمید ادا می گردد. در بعضی از مراسم (در سریانی شرقی، مارونیت و ملکیت) علاوه بر این، یک نیایش طلب نزول روح القدس بر روغن نیز وجود دارد که در تدهین قبل از تعمید مورد استفاده قرار می گیرد. ما به علاوه در بعضی از مراسم یک نیایش طلب نزول روح القدس بر کاندیداهای تعمید نیز می یابیم، این در واقع نیایشی است که توسط کشیش برای خودش ادا می گردد. به تمام این نکات به نوبت توجه خواهیم کرد

### (۱) نیایش بر آب

#### الف) تکامل تاریخی

اگر نیایشهای معمول امروزه را در مورد تقدیس<sup>۱</sup> آب به دقت بخوانیم متوجه خواهیم شد که کلمات نیایش طلب نزول روح القدس، یکی از اشکال مختلف آن را تشکیل می دهد: در اکثر مراسم سریانی غربی مخاطب خدای پدر است، و از اوست که درخواست نزول روح القدس می شود در حالی که در سنت مارونیت و سریانی شرقی این نیایش بدین گونه شکل می گیرد: «باشد که روح القدس بیاید...» که نمایانگر فرم قدیمی تر این دو جمله است. مضافاً تفاوتهایی در توصیف آنچه که روح القدس موجب می شود را نیز می یابیم: از روح القدس استدعا می شود که آبها را «برکت» دهد، «تقدیس» کند، یا به «کمال» رساند، و یا این که بر فراز آنها «قرار گیرد و ساکن شود»، و یا این که آنها را به آب رود اردن، یا به آبی که از پهلوی مسیح جاری گشت «تبدیل» نماید (یو ۳۴:۱۹).

در مراسم ارتدکس سریانی و ملکیت موضوع حتی از این هم پیچیده تر می شود، زیرا نیایشهای آنها برای تقدیس (هر دو به متن اصلی یونانی به عقب برمی گردند، زیرا اکثر آنها هنوز هم در رسم بیزانتینی و حبشی حفظ گردیده است) حاوی چندین نیایش متناوب

طلب نزول روح القدس است که در طی زمان جمع آوری گردیده اند. آشکارا، در پس این سخاوتمندی بسیار در انواع مختلف نیایشهای طلب نزول روح القدس، تاریخچه ای طولانی وجود دارد اما ما در این جا فقط می توانیم حد و مرز آن را ترسیم کنیم. قبل از انجام این کار، مفید خواهد بود اگر متون نیایشهای مختلف را پیش رو داشته باشیم.

**سریانی شرقی:** ... روح القدس که نزول فرمود و بر نجات دهنده ما قرار گرفت، (بنابراین) نوع این تعمید مقدس را ترسیم نمود: باشد که همین روح القدس بیاید، ای خداوند و بر فراز این آب قرار گیرد تا قدرت یافته به آنهایی که در آن تعمید می یابند یاری نمایند و آنها را نجات بخشد.

**یعقوب مارونی:** ... خداوندا باشد که روح القدس بیاید، و بر این آب قرار گیرد، قدرت خصم را از آن دور سازد و آن را با قدرت نامرئی خود برانگیزد، برکت داده تقدیس نماید، به شباهت آن آبی که از پهلوی آن تنها مولود بر روی صلیب جاری گشت...

**سوروس، ارتدکس سریانی:** (مقایسه متون نیایش تقدیس طولانی معمول سوروس، ملکیت بازیل و رسم یونانی کلیسای روم شرقی نشان دهنده حضور تعدادی نیایشهای طلب نزول روح القدس در این رسوم مختلف می باشند: در متون مختلف سوروس، سه نیایش اضافی طلب نزول روح القدس در نقاط مختلف به متن نیایشهای تقدیس گنجانیده شده است (کلمات اضافه شده با حروف برجسته مشخص می باشند).

**الف)** اما، تو ای خداوند همه چیز، روح القدس خود را بفرست، این آب را تقدیس کن و به عنوان آب استراحت تعیین بفرما...

**ب)** بر ما ترحم فرما، ای خدای پدر قادر مطلق، و ... ای شفیع و میانجی، روح القدس خود را... بر این آب که اینک تقدیس می شود بفرست...

**ج)** ظاهرشو، ای خداوند بر این آب، و آن را با سایه روح القدس خود تقدیس بفرما و اجازه ده آنهایی که در آن تعمید می یابند عوض شوند...

#### تیموتی، ارتدکس سریانی:

**الف)** بله، ای پدر رحمتها و خدای تمام آسایشها، ما به تو التماس می کنیم که روح القدس زنده خود را بفرستی و این آب را تقدیس نمائی. باشد که این رحمت روح القدس شود که از سر نو تولدی دوباره به بشریت می دهد که در آن تعمید

می یابند...

ب) باشد که روح القدس زنده‌تو فرارسد، ای خداوند، و بر فراز این آب قرار گیرد و آن را تقدیس نموده همانند آبی سازد که از پهلوی تنها-مولود تو بر روی صلیب جاری گشت...

ارتدکس سریانی، مراسم کوتاه سوروس: بله، خداوندا، روح القدس خود را بفرست تا بر این آب قرار گرفته، تبرک داده و تقدیس گرداند، به گونه‌ای که برای کسی که در آن تعمید می‌یابد آب نجات و آب شادمانی باشد...

ارتدکس سریانی، مراسم کوتاه فیلوکسنوس: متجلی شو ای خداوند، بر این آب، باشد که روح القدس تو قدرت توانایی‌اش را در آن به جنبش درآورد، و تو نیز با آن مخلوط شوی. باشد که تثلیث اقدس پرستایش نیز با آن مخلوط گردد...

ملکیت بازیل: (قسمت مشابه نیایش در سوروس، نیایش استدعا برای کاندیدهاست، کلمات اضافه شده در نیایش طلب نزول روح القدس بر آب در بازیل با خط برجسته نمایش داده شده است). تو اینک، ای خداوند خدا، توسط این روغن تقدیس شده تدهین، کبوتر خود را که فوق از زمان است، یعنی روح القدس زنده خود را بر این آب بفرست. و این آب و آنانی که در آن تعمید یافته‌اند را برکت ده، و تقدیس فرما و به کمال برسان، و آنها را همکاران مسیح خود بگردان...

ملکیت، مراسم کوتاه: باشد که روح زنده و مقدس تو فرستاده شود، باشد که او بیاید و ساکن گردد، استراحت نماید و در این آب قرار گیرد، آن را تقدیس نماید و مشابه آبی گرداند که از پهلوی تو بر روی صلیب جاری گشت.

برای این که بتوانیم سازندگی‌هایی اساسی را که در پشت این گشاده دستی قرار دارد به تصویر بکشیم، بهترین راه این است که نگاهی کوتاه به پیچیده‌ترین وضعیت در همه اینها یعنی نیایش تقدیس در ارتدکس سریانی سوروس و ملکیت بازیل بیندازیم. جزوات و نسخه‌های چاپی سوروس در نقاط مختلف آن نیایشی به روح القدس به ما ارائه می‌دهد. و این به تنهایی برای نشان دادن این که اینها نسخه‌های بعدی هستند کفایت دارد. متن همدیف یونانی و آن که به بازیل مربوط است چیزی در این باره نمی‌گوید، اما در عوض نیایشهای طلب نزول روح القدس خود را اضافه می‌کند که در نقاط دیگری در نیایش قرار دارند. به طور معمول این نیایشهای بعدی به صورت جملات اضافه شده می‌باشند اما در بعضی متون نیز به شکل نیایش کامل یافت می‌شوند. بنابراین نیایش در ذیل آمده که در برخی مراسم سریانی ارتدکس یافت می‌شود، در واقع منشأ خود را در آیین نیایش شام

خداوند دارد و از نیایش بزرگداشت یا آنافورای مرقس قدیس به عاریت گرفته شده است:

ای خدای پدر قادر مطلق، بر ما ترحم فرما، از مسکن خود که آماده شده است، از بطن بی نهایت خود، آن شفیع و میانجی، روح القدس خود را بر ما و بر این آب که اینک تقدیس می شود بفرست، آن برپا دارنده، خداوند و بخشنده حیات را که در شریعت صحبت کرده و در پیامبران و رسولان نیز، او که همه جا در دسترس است، همه چیز را مملو می سازد و با قدرتمند مقتدارانه عمل می کند، نه همانند یک روحانی با آنهایی که او تمایل دارد، توسط خواسته نیکوی تو، که ذاتاً ساده است و در عمل جنبه های بسیار دارد، سرمنشأ عطایای الهی، که با تو هم ذات است، که از تو صادر می شود، و در تخت پادشاهی که متعلق به تو و تنها پسر مولودت، خداوند ما و خدای ما و نجات دهنده ما عیسی مسیح می باشد هم پایه و برابر است.

از این نیایش را در هنگام طلب نزول روح القدس در مراسم تقدیس میرون نیز استفاده می کنند.

اگر برای لحظاتی نیایشهای ثانویه را در سوروس به کناری بگذاریم، باز هم می بینیم که نیایش اصلی (یونانی) تقدیس حاوی سه نوع مختلف نیایش است.

**(I)** بنگر، خداوندا، بر این مخلوق خود، این آب، و فیض فدیة و برکت رود اردن را به آن عطا فرما...

**(II)** ای خداوند همگان، این آب را (به عنوان) آب استراحت انتخاب فرما... (رجوع به مز ۲۳).

**(III)** ای خداوند بر این آب حضور یاب و عطا کن که آنانی که در آن تعمید می یابند تغییر یابند و بتوانند از آدم کهنه جدا شوند ...

نیایش طولانی تقدیس در فرم فعلی در متون ما خطاب به پدر است، و به نظر عجیب خواهد آمد که در این سه رد پا از نیایش هیچ اشاره ای به روح القدس نیست. البته چندین نشانه وجود دارد که روشن می سازد فرم اصلی نیایش تقدیس آب خطاب به پدر نبوده، بلکه به مسیح بوده است<sup>۲</sup>. به کلامی دیگر از مسیح و یا از روح قدوس مسیح درخواست می شده که بیاید و آب رود اردن را «بار دیگر فعال» سازد به صورت آب تعمید در حوضچه مخصوص آن: روح قدوس مسیح موجب می شود که در زمان تقدیس شده، آب در حوضچه مخصوص به شباهت آب رود اردن که یک بار و برای همیشه در تعمید خود مسیح تقدیس شد، برسد.

این خطابه که مستقیماً به مسیح می‌شود، یا به روح قدوس مسیح، با عملکرد کلیسای اولیه مطابقت دارد، جایی که ما جمله نیایشی «مارا ناتا» (بیا، ای خداوند) را می‌یابیم، که هم در عهدجدید (۱- قرن ۱۶:۲۲؛ مکا ۲۲:۲۰) و هم در دیداکه (۶:۱۰) تکرار شده است. دقیقاً چنین نیایش طلب نزول روح القدس خطاب به مسیح و درخواست از او برای «آمدن»، در موضوع تعمید در کتاب اعمال توماس وجود دارد.

بله، خداوندا، بیا و در این روغن ساکن شو، همان طوری که بر روی درخت ساکن شدی و آنهایی که تو را مصلوب کردند قدرت تحمل سخنان تو را نداشتند... در نیایشهای باستانی تعمید در جایی دیگر که در کتاب اعمال توماس می‌یابیم، این «قدرت مسیح» است که از آن درخواست می‌شود که بیاید:

... بیا، ای قدرت فیض ...

یا

باشد که قدرت تو بیاید و بر این روغن تعمید قرار گیرد...

در عهد جدید «قدرت» و «روح» هر دو گاهی کم و بیش مترادف هستند، و تبدیل واقعی آن به نیایش طلب نزول روح القدس خطاب به روح نیز در کتاب اعمال توماس یافت می‌شود.

بیا، ای روح قدوسیت، و پاک بساز عنان و قلبهای آنان را ...

به عنوان نتیجه این سفر علمی به درون ما قبل تاریخ نیایشهای طلب نزول<sup>8</sup> روح القدس، می‌توانیم ببینیم که از دو شکل اساسی نیایشی «روح خود را بفرست» و «باشد که روح تو بیاید»، دومی قدیمی‌تر می‌باشد، و به دلیل دیگری نیز واضح است که زمانی در تمام منطقه سریانی برتری داشته است، هم در تعمید و هم در آیین نیایش شام خداوند. جالب توجه است که این نوع از نیایش طلب نزول روح القدس در کلیسای اولیه به طور گسترده‌ای شناخته شده بوده، به عنوان متن جایگزین برای پاراگراف دوم در نیایش خداوند، به جای «ملکوت تو بیاید»، کلمات «باشد روح القدس تو بر ما بیاید و ما را طاهر سازد» رواج داشته است.

قبل از پایان این دیباچه تاریخی، شایسته است نگاهی اجمالی به نوع دیگری از نیایش طلب روح القدس بیندازیم، «روح خود را بفرست» که در مراسم سریانی غربی شاخص‌تر بوده است، البته به استثنای مارونیت. این کلمات نیایشهای طلب نزول روح القدس در آیین نیایش شام خداوند یونانی است، جدا از آن در نیایش بزرگداشت بازیل قدیس، و به همین شکل در اکثر نیایشهای بزرگداشت ارتدکس سریانی (گرچه حداقل در پانزده

نیایش از پنجاه نیایشی که من بررسی کرده‌ام از واژه «بیا» استفاده شده است).  
 یک بررسی نیایشهای مختلف طلب نزول روح القدس، خطاب به پدر، که از فعل امری «بفرست» بهره می‌جوید، نکته شاخص دیگری را روشن می‌نماید: در بعضی از این نیایشها (که در تمام آن «بفرست»ها که در مراسم تعمید ما یافت می‌شوند به کار می‌روند)، فعل امری «روح خود را بفرست» به دنبال خود فعل امری دیگری («و تقدیس بفرما») را دارد. به سخنی دیگر اقدام، ارتباط نزدیکی با پدر دارد، گرچه توسط روح انجام می‌شود. در طرح دوم، ما «روح خود را بفرست و بگذار که او تقدیس کند» را داریم، که برای روح نقش بسیار بیشتری قایل می‌باشد.

زمینه آن نوع نیایش طلب نزول روح القدس که از پدر می‌خواهد تا روح را «بفرستد» به نظر می‌رسد که متعلق به آیین نیایش شام خداوند باشد و نه به تعمید، راز نیایش و پیشینه واژه پردازی انجیلی به ما پیشنهاد می‌کند که موضوع اصلی آن تقبل یک قربانی بوده است: روح القدس تحت سمبل آتش فرستاده می‌شود تا قربانی را ببلعد<sup>۳</sup>. این درخواست از مسیح، یا از روح القدس، که بیاید و آب رودخانه اردن را بار دیگر فعال سازد به نظر می‌رسد که متعلق به قدیمی‌ترین مراحل سنت سریانی باشد.

یک نکته نهایی نیز قابل توجه است. علامت ویژه‌ای که در تمام مراسم تعمید سریانی یافت می‌شود ریختن روغن مقدس یا میرون به روی آب است، که اندکی بعد از نیایش طلب نزول روح القدس خطاب به روح القدس انجام می‌گردد. میرون البته، در سنت ارتدکس سریانی در مناسبتهای دیگر و توسط پاتریارک تقدیس شده است، اما چیزی در هیچ کدام از مراسم تعمید، جدا از ملکیت بازیل، وجود ندارد که به طور خاص فعالیت تقدیس کننده روح القدس را با ریختن میرون مرتبط سازد. مراسم ملکیت درست در پایان نیایش طولانی تقدیس و طلب نزول روح القدس معمول خود به رسم ارتدکس سریانی و قسطنطنیه ای ملحق می‌شود، الحاق ملکیت در نقطه ای مناسب رخ می‌دهد زیرا، همراه با مراسم قسطنطنیه ای (اما نه با ارتدکس سریانی) اشاره دارد به کبوتری که شاخه زیتونی به منقار داشته به کشتی نوح می‌آید:

دهنده تمام روشناییها به نفسها و جسمها، آفریننده تمام موجودات، که به آنهایی که از سیل در کشتی نوح محافظت شدند کبوتر را فرستادی که در منقار خود شاخه زیتون را که نشانه ای است از آشتی و نجات از سیل، حمل می نمود و توسط آنان برای ما این نوع فیض پنهان را معین کردی و به طور پنهانی این راز تدهین جسم را در تنها- مولود مقدست به کمال رساندی، و به آنانی که به تو ایمان دارند، توسط آب و روح القدس

پاکی غیرقابل رؤیت بخشیدی و جریان رود اردن را تقدیس نمودی. اینک نیز خداوند خدا، توسط این روغن تقدیس شده تدهین حقیقی را، کبوتر خود را که ورای تمام زمانهاست بر روی این آب بفرست. یعنی روح قدوس و زنده خود را، و برکت ده، تقدیس کن و به کمال رسان این آب و آنهایی را که در آن تعمید یافته اند، و آنها را همکاران مسیح خود در این حوضچه نجات بگردان...

نزدیکترین ایده به این برداشت از میرون به عنوان وسیله ای جهت تقدیس آب، خارج از این نیایش، که انسان می تواند داشته باشد، در نظریه Moshe bar Kepha، ارتدکس سریانی یافت می شود در این مورد که میرون نشان دهنده حضور روح القدس بر فراز آب است.

### ب) منظره آب تعمید

در پشت بسیاری از نیایشهای طلب نزول روح القدس بر روی آب تعمید تنوع غنی از تجسمات مختلف یافت می شود که بر جنبه های خاص راز تعمید تمرکز دارند، و از آیه های مختلف انجیلی مایه می گیرند تا آنها را بیان نمایند. حداقل هشت گروه مرجع را می توان در نیایشهای گوناگون طلب نزول روح القدس برگزید:

- ۱- آبهای رود اردن به عنوان مجدداً فعال شده در حوضچه تعمید دیده می شوند.
  - ۲- آب تعمید «آب راحت» است (مز ۲۳: ۲).
  - ۳- تعمید نشانگر مرگ و رستاخیز مسیح است (روم ۵: ۶).
  - ۴- تعمید نوعی از رستاخیز خود ماست.
  - ۵- آب تعمید نشانگر آبهای اولیه است (پید ۱: ۲).
  - ۶- آب تعمید نشانگر رحم روحانی است (برداشت از یو ۳: ۴).
  - ۷- آب تعمید نمونه مشابهی است از آبی که در حوضچه بیت صیدا می باشد (یو ۴: ۵).
  - ۸- آب تعمید آبی است که از پهلو مسیح بر روی صلیب جاری گشت (یو ۱۹: ۳۴).
- بیاید بر هر کدام از این نکات جداگانه تعمق نماییم.

۱- آبهای رود اردن در حوضچه تعمید مجدداً فعال می شوند  
در یکی از آثار نیایشی در ارتدکس سریانی ملکیت، سوروس و بازیل از مسیح درخواست می شود تا «برکت آب رود اردن»، یعنی همان تقدسی که رود اردن به هنگام

فرو رفتن مسیح دریافت کرد را به آب تعمید نیز بدهد. آب رود اردن و آب تقدیس شده در حوضچه آب تعمید، با وجودی که در زمان تاریخی از هم جدا هستند، در زمان تقدیس شده در هر مراسم تعمید که صورت می پذیرد به طرز مؤثری به کنار یکدیگر آورده می شوند، «عزیزان من، شما همانند فرشتگان از رودخانه اردن بالا برده شده اید»، این سخنی است خطاب به تازه تعمید یافتگان، و در سرودهای تجلی خداوند که به اپرم نسبت می دهند آمده است (۲:۱۳). سوروس در موعظه ای از تولد نوین صحبت می کند که در «چشمه اسرارآمیز رود اردن» داده می شود. در سنت سریانی شرق در واقع حوضچه آب تعمید را «اردن» می نامند.

زیربنای این طرز تفکر، ادراکی است شناخته شده برای تمام نویسندگان سریانی، که مسیح در تعمید خود آبهای رود اردن را پاک کرده تقدیس نمود- و بالفعل تمام آبهای تعمید را- اولین نویسنده ای که این ایده را بیان نموده ایگناتیوس قدیس اهل انطاکیه است که در نامه خود خطاب به افسسیان (۲:۱۸) اظهار می دارد که «مسیح تعمید یافت تا توسط این تجربه بتواند آب را پاک سازد». نویسندگان بعدی اغلب از واژه های «تقدیس کردن- وقف کردن» در کنار «تطهیر کردن» استفاده می کردند. کافی است که در این جا به منظور بهتر نشان دادن این دیدگاه گسترده به چند نقل قول اشاره می نمایم.

اپرم خطاب به رود اردن می نویسد:

متبارک باد جریان تو که پاک گردید

توسط فرو رفتن آن تنها قدوس

که برگشته و خود را در تو شست.

توسط فرو رفتنش در تعمید خود

او راه تعمید را برای بخشایش گناهان گشود. (سرودهای بکارت ۳:۱۵)

و در سرود ۵:۳۲، ۷ از همان مجموعه می خوانیم:

رودی که او را پذیرا شد تقدیس گردید.

یعقوب سروق در memra خود درباره تعمید خداوندمان، خطاب به مسیح می گوید:

با قرار گرفتن تو بر فراز آب، ذات آب به جنبش درآمد<sup>۴</sup>،

زیرا با تعمیدت آن را شایسته گردانیدی تا همه را تطهیر کند.

سوروس در یک سرود تجلی خداوند اظهار می دارد که مسیح تعمید یافت «تا بتواند

توسط تعمید خود آب را تطهیر و تقدیس نماید».

در خود مراسم تعمید نیز ما همین ایده را می یابیم که در جاهای مختلف همانند آنچه



در ذیل آمده بیان گردیده است

(مسیح تعمید یافت، نه به این دلیل که نیازمند طاهر شدن بود)، بلکه برای منفعت ما که به گناه آلوده هستیم. او آمد تا توسط تعمید خود آب را تقدیس نماید، تا آنهایی که با ایمان در آن تعمید می‌یابند بتوانند با قدرت پنهانی و اسلحه روح القدس آراسته گردند...

یا:

ای خداوند، که بر شرایط تعمید به روی زمین تأثیرگذاری و روح القدس خود را به صورت یک کبوتر بر فراز تنها پسر مولودت، خدای کلمه، و کسی که جریان رود اردن را تقدیس نمود فرستادی، اینک نیز با رضایت روح القدس خود را بر این خادمین خود که در شرف تعمید یافتن می‌باشند قرار ده...

و یا بار دیگر در دو نیایش زیبا در یعقوب مارونی:

ستایش بر تو، ای خداوند ما، که شبانی شد و ما را جمع‌آوری نمود، تو تعمید یافتی و ما را تطهیر نمودی، تو استاد بودی و ما را تعلیم دادی، تو را نیازمند خواندند و باوجود این ما را غنی ساختی، و ما را به دست راست پدر خود نشانیدی. شفقت تو به پایین متوجه شد، ای خداوند، مهربانی تو تو را وادار ساخت که جسم ما را بپوشی و در آب رودخانه اردن توسط یحیی تعمید یابی و آن آب را برای ما مقدیس گردانی، توسط تعمید خود، این آب تعمید مقدس را...

و

ای خدا که در شکوهت ستایش می‌شوی، که در ثروت وجود خود مخفی، در معجزات خود آشکار و در هیبت اعمال ترسناک هستی، ما در این لحظه، نیایش و استدعای خود را به تو تقدیم می‌داریم، زیرا تو توبه‌کار را می‌پذیری و با قدرتت اعجاب می‌آفرینی، تو با خود - کوچک کردن خودت در نظر ما موجب می‌شوی که ضعیف به تو نزدیک شود. عظمت تو، ای خداوند، مایل بود توسط محبت بی دریغت ما را نجات دهد، و تو برای نجات ما تنها پسر مولود و فرزند ابدی خود را که از تو زاییده شد، مسکن مخفی خود را ترک نمود، نزول کرد و در رحم باکره قرار گرفت تا توسط زایش جسمانی به دنیا بیاید را فرستادی. او کاملاً با تو ماند، و او کاملاً به نزد ما آمد، و باوجودی که چیزی نمی‌خواست و چیزی کم نداشت، در آب رودخانه اردن تعمید یافت و رحم آب را تقدیس نمود تا برای ما، رحمی باشد پر از سلامتی و قدرت.

روح القدس موجب می‌شود تا در طی نیایش تقدیس در آب تعمید و آب رودخانه

اردن، در زمان مقدس به کنار یکدیگر بیاییم. اما در تعمید خود مسیح روح القدس نزول می کند، هنگامی که مسیح از آب رودخانه اردن بیرون می آید. قبلاً هم تأکید شده که توالی تعمید مسیح و به دنبال آن نزول روح القدس به عنوان مدلی در طرز فکری دیگر به کار رفته و درک بعضی از نویسندگان را جهت فهم بیشتر تدهین بعد از تعمید تحت تأثیر قرار داده. در این جا و آن جا وضعیت برعکسی را می توان مشاهده کرد. زیرا در مراسم تعمید این روح القدس است که باعث تقدیس آب می شود، به این روح گاه همان نقشی داده می شود که در تعمید خود مسیح توصیف شد. بنابراین در یکی از سرودهای تجلی خداوند که به اperm نسبت داده شده، می خوانیم:

روح القدس از بالا نزول کرد

و با حضورش آب را تقدیس نمود (سرودهای ظهور ۱:۶)

در حالی که آب مشخصاً رود اردن و همچنین آب تعمید است. در تعدادی از جملات این موضوع به گونه ای کاملاً آشکار در Fenqitho دیده می شود همانند آنچه در ذیل آمده<sup>۵</sup>:

بیایید روح القدس را که بر فراز پسر در تعمید او به صورت کبوتر ظاهر گشت و برای ما آب تعمید را تقدیس نمود تا در آن گناهان و خطایای ما بخشوده شوند، سپاس گوئیم.

در بعضی از گروههای بدعت گذار در کلیسای اولیه ادعا می شد که عیسی شخصاً در تعمید خود فرزندخواندگی خدا را دریافت کرد و به مسیح، یا فرد مسح شده تبدیل گردید. در نظریه ای دیگر بر علیه آن در عبارتی دیگر در Fenqitho گفته می شود:

چه کسی جرأت دارد بگوید که خداوند ما هنگامی که در آب رودخانه اردن تعمید یافت روح القدس را دریافت نمود؟

احتمالاً در نتیجه چنین نظریات ناروایی در مورد نقش روح القدس در تعمید مسیح بود که ما می بینیم اغلب نویسندگان تأکید دارند که روح القدس در آن جا ظاهر شد تا نه مسیح یا آب را تقدیس کند، بلکه فقط به این دلیل که شهادت دهد، و به عنوان اثبات این واقعیت که روح القدس فقط پس از بیرون آمدن مسیح از آب ظاهر گردید.

روح القدس حرکت نموده بر تنها مولود نازل شد

تا پدر و روح شاهد تعمید باشند.

روح القدس نزول نکرد تا آب را برای تعمید پسر قدوس تقدیس نماید.

زیرا تقدیس از او صادر می شود.

پس از این که مسیح خود را در آب شست و از آن بیرون آمد، روح القدس نزول کرد تا

نشان دهد که او کیست، نه این که او را تقدیس نماید.  
 اپرم نیز در تقدی بر مجموع چهار انجیل به همین نکته اشاره می کند:  
 روحی که در هنگام تعمیدش بر او قرار گرفت شهادت داد بر این که او شبان است.  
 زیرا که او از طریق یحیی پیامبری و کهانان را دریافت نمود.  
 همین نکته را در یعقوب مارونی می یابیم، در جایی که این خادم اظهار می دارد:  
 روح القدس از اعلیٰ علیین (بر مسیح هنگام تعمید) نزول کرد، نه به این خاطر که او را  
 تقدیس نماید، بلکه تا دربارۀ او شهادت دهد.

ما نقل قولهایی از عبارات مختلفی از مراسم تعمید آوردیم که در آنها این درک اصولی که  
 تعمید مسیح، آب را برای تعمید مسیحیان تقدیس می کند به صراحت بیان شده است.  
 چون، به هر حال، در نیایشهای حقیقی تقدیس این طرز فکر اهمیت خود را از دست داده  
 و تمایل به حفظ آن بیشتر به صورت متون شعرگونه است (معمولاً قدیمی تر)، که از میان  
 آنها آنچه در ذیل آمده ممکن است بیشتر ذکر شود. در مراسم سریانی شرقی خادم اعلام  
 می کند.

این پاکی مسلم مسیح نبود که احتیاج به تعمید در آب داشت بلکه، برای تقدیس  
 کردن، در تعمید مقدس خود، آبهایی برای ما که توسط گناه ناپاک و لکه دار هستیم.  
 به همین گونه در یعقوب مارونی آمده است:

تو (مسیح) از پدر درخشیدی و راه تعمید را باز کردی. متعال شده، خود را خوار  
 نمودی و آب را در تعمیدت تقدیس کردی.

در ارتدکس سریانی سوروس، درست قبل از تقدیس آب، متنی خوانده می شود که در  
 Fenqitho در تجلی خداوند نیز می آید:

یحیی آب تعمید را مخلوط کرد، اما مسیح آن را تقدیس نمود هنگامی که در آن فرو  
 رفت و تعمید یافت. در لحظه ای که از آب بیرون آمد زمین و آسمان به او سجده  
 کردند، انوار خورشید خم شدند، ستارگان او را پرستش نمودند، او را که تمام  
 رودخانه ها و چشمه ها را تقدیس نموده بود.

۲- آب تعمید تبدیل به «آبهای راحت» می شود (مز ۲۳: ۲).

به مزمور ۲۳ «خداوند شبان من است...»، اغلب تفسیری تعمیدی توسط پدران اولیه  
 از اورینجن به بعد داده شده: در آیه ۴ «سایه مرگ» مطابقت دارد به آب تعمید که  
 به صورت قبر دیده می شود (به (۳) و (۴) در ذیل مراجعه کنید)، درحالی که «سفره

گسترانیدن» و «روغن» در آیه ۵ نشان دهنده راز نان و جام است که مراسم تعمید را به اوج خود می‌رساند، و نیز تدهین تعمیدی. به احتمال بسیار قوی توصیف نامزدان تعمید به عنوان «گوسفند» که در تمام سنتهای سریانی مرسوم است حداقل تا حدودی تحت تأثیر این مزمور بوده است.<sup>۷</sup>

۳- تعمید نمایانگر مرگ و رستاخیز مسیح است.

سومین نیایش باستانی طلب نزول روح القدس در سوروس توسط کنایه هایی به «مرد پیر» و «در شباهت مرگ مسیح غرس شدن» که از (روم ۵:۶، ۶) گرفته شده است دنبال می‌شود. در آیه قبلی پولس اظهار می‌دارد که «ما توسط تعمید در مرگ، در مسیح مدفون شده ایم. باشد که همان‌گونه که مسیح توسط شکوه پدر از مرگ برخاست، ما نیز در تازگی حیات راه رویم».

عجیب این که، در سنت سریانی تأکید کمی بر این تعلیمات پولس داده می‌شود، حداقل تا زمانی نسبتاً دیر. در خود مراسم، آب هرگز به عنوان «قبر» توصیف نشده و از تعمید نیز به عنوان «مدفون شدن» صحبتی نمی‌شود، شاید به دلیل برتری تجسم حوضچه آب تعمید به عنوان رحم. همچنین نویسندگان اولیه سریانی، اپرم و آفراهات، توجه اندکی به این جنبه تعمید می‌نمایند. آفراهات در واقع روم ۴:۶ نقل می‌کند، اما در رابطه با سنتی، کاملاً گسترده در کلیسای اولیه سریانی، که مسیح تعمید را با شستن پاهای شاگردان، قبل از شام آخر، بر پا داشت. برای نویسندگان قرن چهارم تعمید باید تحت دیدگاه یوحنایی دیده شود، که تولد نوین است (یو ۳:۳)، و نه به عنوان مرگی که به دنبال آن رستاخیز است (روم ۶). چنین دیدگاهی دارای مشابهی در استفاده از منظره «ردای جلال» است: در حالی که نویسندگان یونانی علاقه به حدس و گمان داشتند در این مورد که کدام قسمت از جامه اول کننده می‌شود، سریانیها تقریباً انحصاراً به ردا که پوشیده می‌شود توجه دارند.

در مقایسه با این عدم توجه سریانیهای بومی به تعلیمات پولس، ثئودور در موعظه های تعلیمی خود تأکید بسیاری بر روم ۶ می‌گذارد، با وجود این که توجه اصلی او بر رستاخیز آینده مسیح به عنوان تضمین بر رستاخیز خود ماست، نظریه ای که ما در فصل بعد با آن مواجه خواهیم شد.

اما یعقوب سروق و نارسای از «قبر آب» صحبت می‌کنند. نارسای می‌گوید: «کشیش تمام پیکر انسان را دفن می‌کند» و «توسط قدرت نجات بخشی که در کلمات وی نهفته است او را برمی‌خیزاند» (منظور دستورالعمل تعمید است) یعقوبوب نیز در

موعظه خود درباره تعمید خداوندان عبارتی مشابه دارد:  
 (مسیح صحبت می کند) من انسانها را به درون قبر آب می برم تا آنها را در  
 رستاخیزشان ابدی سازم.  
 نویسندگان بعدی سه بار فرو رفتن در آب به هنگام تعمید را در رابطه با سه روزی  
 می دانند که مسیح در قبر سپری کرد. سوروس به جماعت مؤمنین می گوید:  
 شما مرد پیر را در آب تعمید دفن می کنید، ما بدین دلیل به وسیله سه بار فرو رفتن در  
 آب آن سه روز دفن شدگی و رستاخیز در پی آن را نشان می دهیم.  
 این نکته ای است که در کتاب اقتدار عالی کلیسا دیونسیوس کاذب و مفسرین سریانی  
 بعدی اکثراً آن را پذیرفته اند.

۴- تعمید به عنوان نمونه ای برای رستاخیز خودمان  
 به نظر می رسد که این بسط معنی مورد علاقه خاص تئودور باشد هنگامی که از (روم  
 ۳:۶، ۴) نقل می کند:<sup>۱۰</sup>  
 زیرا می دانیم که مرگ هم اینک توسط خداوند ما عیسی مسیح از میان برداشته شده  
 است. بنابراین با این ایمان، نزدیک آمده تعمید را دریافت می کنیم، زیرا از این به  
 بعد آرزومندیم که در مرگ او سهیم باشیم، با این امید که به همان وسیله بتوانیم در  
 رستاخیز او از مرگ شریک شویم، رستاخیزی که در آن او نیز برخاست.  
 دقیقاً همین ایده در نیایش تقدیس در مراسم سریانی شرقی به نمایش درمی آید، با  
 حرکتی به عقب، از مرگ مسیح به تعمید او:  
 ... خداوند ما عیسی مسیح که، با نوع تعمیدش، رستاخیز از مردگان را تداعی نمود، و  
 به ما فرمان داد تا در راز تعمید او ما باید تولدی نوین و روحانی بسازیم برای آنانی که  
 ایمان دارند.

دو عبارت اولیه در مراسم نیز همین علاقه را نشان می دهند، در ابتدا نگرانی درباره بحث  
 مرگ و آخرت کاملاً روشن است.  
 ... مسیح به وساطت یحیی ندا دهنده به تعمید در رودخانه اردن نزدیک شد. او نشان  
 داد و اعلام کرد، گویی در رؤیایی، که توسط تعمید مقدس او رستاخیز حقیقی و تازگی  
 واقعی در پایان دنیا به ما داده می شود.  
 همین نظریه نیز در یونیتا (Unitha) ابراز شده.

تعمید تو با آب، ای مسیح، روح ما را تقدیس نموده و رستاخیز ما را اعلام داشته

است.

در آثار مفسرین بعدی برخاستن از حوضچهٔ آب تعمید به عنوان سمبل رستاخیز مسیح و مسیحی دیده شده، همان گونه که دیونیسوس بارصلیبی عنوان می‌کند: برخاستن از حوضچهٔ آب تعمید به سه مطلب اشاره دارد: اول، برخاستن و رستاخیز مسیح از درون قبر، دوم این که ما هم در روز آخر برخاستن از قبر و رستاخیزی را خواهیم داشت، و سوم این که مانیز چنانچه تعمیدمان را بی عیب حفظ کنیم صعودی خواهیم داشت به ورای آسمانها.

۵- آب تعمید نشان دهندهٔ آبهای اولیه است.

در نیایش تقدیس در مراسم مارونیت، فعالیت روح القدس بر آب تعمید مشابه است با فعالیت «روح خدا» بر فراز آبهای اولیه در پید ۱:۲. همان گونه که روح القدس در برقراری خلقت بر فراز آبها به پرواز درآمد، باشد که روح قدوس تو، ای خداوند، بر فراز این آب تعمید که رحم روحانی است قرار بگیرد، و باشد که بر فراز آن ساکن شده آن را تقدیس نماید و با آدم آسمانی پر ثمر سازد، به جای آدم دنیوی...

همین شباهت در یکی از سرودهای تجلی خداوند که به اپرم نسبت داده می‌شود وجود دارد:

در آفرینش، روح القدس بر فراز آبها قرار گرفت.  
 آنها باردار شده و خزندگان، ماهیها و پرندگان را زاییدند.  
 روح القدس بر فراز آب تعمید قرار گرفت  
 و تولد بخشید به عقابهای سمبلیک - باکره‌ها و رهبران،  
 و به ماهیهای سمبلیک - پاکدامنان و شفیعان.  
 به خزندگان سمبلیک،  
 - مکاری که همچون کبوتر ساده گشت (تفسیر مت ۱۰:۱۶)،

(سرودهای تجلی ۸:۱۵)

آفراهاات نیز همین ایده را در ذهن دارد:

در لحظه ای که کشیش روح القدس را درخواست می‌کند، او آسمان را می‌گشاید نزول می‌نماید و فراز آب قرار می‌گیرد، و آنهایی که تعمید می‌یابند او را دربر می‌کنند. محققین امروزی به آنهایی که ruah elohim در پید ۱:۲ را به عنوان «روح الهی» درک

می‌کنند و آنهایی که ترجیح می‌دهند آن را به «طوفانی قدرتمند» ترجمه کرده و یک معنی کاملاً عالی به **elohim** بدهند تقسیم شده‌اند. عجیب این که دقیقاً همین انشقاق نظر را می‌توان در پدران سریانی یافت، بعضی از آنها ruah یا ruha را روح القدس می‌دانند، درحالی که بعضی دیگر به سادگی آن را فقط باد دانسته‌اند. عقیده اول را بسیاری از نویسندگان سریانی ارتدکس پذیرفته‌اند درحالی که نظریه آخر به سنت تفسیری متون مذهبی سریانی شرقی تبدیل شده است، که بر پایه احتمالاً نقدی بر کتاب پیدایش نوشته تئودور اهل موپسوستیا می‌باشد (گرچه همین نظریه را می‌توان در کتاب نقدی بر کتاب پیدایش اپرم نیز مشاهده نمود)<sup>۹</sup>.

جالب توجه است که نیایش صحیح طلب نزول روح القدس در مراسم مارونیت در واقع اشاره به شباهتها را حذف می‌کند و به جای آن طرح جریان آب و خون از پهلوئ مسیح را می‌پذیرد. شاید بتوان گفت که شباهت نمونه ای با پید ۱:۲ که زمانی آشکارا محبوبیت داشته، تعمداً در برخی جوامع به دلیل برتری تفسیر متون مذهبی انطاکیه ای از این عبارت حذف شده و نتیجتاً این ایده فقط در این جا و آن جا در متون راجع به تعمید باقی مانده. وضعیت در نقد نارسای درباره مراسم تعمید در این رابطه گمراه کننده است، زیرا او در دو موقعیت به آبهای اولیه اشاره کرده و آنها را مشابه آب تعمید دانسته اما تمام اشارات به روح القدس را مشخصاً حذف نموده است.

کشیش شیوه او را که جهان را به هستی آورد تقلید می‌کند و صدایی را به گوش همگان می‌رساند که به فریاد او که در ابتدا در جهان طنین انداخت شباهت دارد. همانند خالق، او نیز به آب معمولی فرمان می‌دهد، و به جای نور از آن قدرت حیات می‌درخشد... کلمه خالق را آبهای اولیه شنیدند و چیزهای خزنده به وجود آوردند، این را آبهای تعمید از دهان کشیش می‌شنوند و انسانها را به وجود می‌آورند. از آن جا که نارسای نیایش طلب نزول روح القدس را در هنگام تقدیس آب تعمید می‌داند، غیبت اشارات به روح القدس در این جا قابل توجه است و نشان می‌دهد که او از قسمتی از تعالیم مذهبی سنتی که در اصل نقش روح القدس را در آفرینش نمایان می‌ساخت استفاده می‌کرده، اما این اشارات را تحت تأثیر تعالیم مذهبی تئودور فرو نشانده است.

حتی در جاهایی که تعالیم مذهبی تئودور پذیرفته شده، اغلب آثار دیگری از تفسیرهای قدیمی تر در واژه نگاری به جای مانده که در مورد فعالیت روح القدس به کار می‌رفته است. در پید ۱:۲ روح «شناور (mrahha) است بر فراز آب» و در نتیجه این عبارت،

فعل rahhef از همان ابتدا به واژه ای تکنیکی جهت توصیف فعالیت روح القدس تبدیل گشت، بنابراین اِپرم با وجودی که در تفسیری بر (پید ۱:۲) روح را به عنوان روح القدس فرض نکرده بود، در «سرودهایی بر بکارت» (و جاهای دیگر) این طور صحبت می کند: روح القدس بر فراز رودها شناور است (بر آب تعمید). (سرودهای بکارت ۲.۸/۷)

همچنین یعقوب سروق که در مدرسه ادسا درس خوانده بود، از تعالیم مذهبی تئودور درباره (پید ۱:۲) پیروی نموده و در memre خود درباره آفرینش و در نیز آثار دیگرش اغلب از واژه rahhef و مشتقات آن در رابطه با تعمید استفاده می کند.

بدون شک به دلیل استفاده از rahhef به عنوان یک واژه تکنیکی در مورد فعالیت روح القدس، نویسندگان سریانی شرقی منجمله نارسای فعل مجهول «برده شد» را که از تئودور اقتباس نمودند در «ترجمه هفتادتنان» در (پید ۱:۲) ترجیح می دهند.

در مراسم تعمید واژه rahhef مشخصاً فقط در مراسم تعمید سریانی غربی یافت می شود. بنابراین در بعضی متون سوروس در نیایش طلب نزول روح القدس، خادم می گوید:

چه مهیب است این ساعت... که روح زنده و قدوس از اعلی علین نزول نماید و بر فراز این آب قرار گرفته در آن ساکن می گردد و، آن را تقدیس می نماید، همان گونه که آبهای رود اردن تقدیس شدند.

در تیموتی نیایش پس از مشارکت با این کلمات شروع می شود:

قدرت خدا که بر شما سایه افکنده است، و روح القدس که بر فراز پیکرهای شما شناور است، با شما باشد...

اهمیت یادآوری کلمات اعلام مزده (لو ۱:۳۵) بعداً بررسی خواهد شد (فصل هفتم) به هر حال، در مراسم مارونیت ما واژه rahhef را می یابیم که بسیار آزادانه از آن استفاده شده، زیرا جدا از نیایش تقدیس که نقل قول گردید در دو عبارت دیگر نیز در رابطه با بیرون راندن ارواح شریر ذکر گردیده است:

در میان نویسندگان بعدی که به صراحت تشبیهی مابین پید ۱:۲ و آب تعمید ترسیم نموده اند، می توانیم از John of Dara نام ببریم، که می گوید:

«روح قدوس خدا بر فراز سطح آب شناور است»: بنابراین باز هم این اوست که بر حوضچه مقدس آب تعمید نزول می کند، و توسط وی همه کسانی که تعمید یافته اند حیات دارند.

به عنوان حاصل جنبی این تشابه مابین روح قدوس در پید ۱:۲ و روح القدس در



تعمید، می باید به رابطه آب تعمید با آبهای عمیق اولیه، یا thoma، که در ابتدای نیایش طولانی تقدیس در سوروس و بازیل آمده است اشاره شود.<sup>۱</sup>

ای خداوند خدای قادر مطلق، آفریننده تمام آفرینش، هم پیدا و هم ناپیدا، که آسمان و زمین را آفریدی، آبها و همه چیزهایی که در آنهاست، که آب را به یک توده بزرگ جمع کردی تا خشکی پدیدار گردید، که اعماق (thoma) را محصور کردی و آنها را محدود ساختی، که آبی که در بالای آسمان است جدا نمودی، تو با قدرت خود دریا را به وجود آوردی. از تو باید ترسید. چه کسی می تواند در برابر تو بایستد؟ آیا بر این خلقت خود نظر می افکنی، بر این آب، و فیض نجات خود را به آن می دهی، برکت رودخانه اردن را، قدوسیت روح را...

در این جملات، مانند جاهای دیگر در مراسم، درک از تعمید به عنوان خلقتی نوین تلقی شده است: تعمید یافته مخلوقی جدید است. به سادگی می توان دید که چگونه این منظره به گونه ای بسیار شاخص در کنایه به «ردای جلال» و جاهای دیگر با نمونه آدم ادغام شده. یک رابطه دیگر نیز مابین آفرینش نوین تعمید و آفرینش آدم وجود دارد، که در پید ۷:۲ به ما داده شده: «خداوند خدا به بینی او دم حیات (mappuhita) دمید». اشاره به این عبارت در کلمات یعقوب سروق که در ذیل آمده یافت می شود.

به جای یک نفس، به تازه تعمید یافته روح القدس دمیده (metnafha) می شود. از این فعل همچنین در یو ۲۰:۲۲ که مرجع اصلی برای نیایشی در ارتدکس سریانی سوروس به شمار می آید استفاده شده.

ای خداوند، عطا فرما، دم (mappuhita) قدوس خود را  
که تنها پسر مولودت به رسولانش دمید...

#### ۶- آب تعمید نمایانگر رحم روحانی است

یکی از دو نیایش طلب نزول روح القدس بر آب تعمید در نیایشهای تیموتی: پدر بخشاینده و خدای همه راحتیها، از تو می طلبیم، که روح قدوس و زنده خود را بفرستی تا این آب را تقدیس کند، باشد که به رحم روحانی تبدیل گردد، و به بشریت که در آن تعمید می یابد حیات جدید ببخشد.

منشأ این طرح بسیار محبوب را می توان در یوحنا (۴:۳) یافت، در جایی که نیکودیموس سؤال می کند: «آیا انسان می تواند برای بار دوم وارد رحم مادر خود گردد و دوباره زاییده شود؟». تقریباً همیشه روح القدس است که این «رحم» از آب را فعال می سازد چنان که

به عنوان نمونه در نیایشی در مراسم ارتدکس سریانی و مارونیت مشاهده می شود. متبارک هستی تو، ای خداوند خدا، که توسط عطیه عظیم و غیرقابل وصفت، این آب، توسط نزول روح القدس تو تقدیس شده، تا بتواند به رحم روح قدوس که به آدم جدید از آدم کهنه تولدی نوین می بخشد تبدیل گردد.

کلمات بسیار مشابه نیز در مراسم سریانی شرقی یافت می شوند، جایی که آب واسطه ای است که از طریق آن روح القدس کار می کند.

این آب با روغن مقدس نشاندار شده تا رحمی نوین گردد که تولد روحانی می بخشد...

این در واقع یکی از جاهای نادر است که این تصویر در مراسم سریانی شرقی پدیدار می شود که ترجیح می داده، همان طوری که قبلاً ملاحظه کردیم، از سخنان پولس در روم ۶ استفاده کند. در مراسم سریانی غربی، به هر حال، این نوع واژه نگاری مرسوم است.

این تصور رحم تعمید برای اپرم کاملاً شناخته شده بوده و در شعرهای اوست که ما برای اولین بار به جمله «رحم آب» برخورد می کنیم. که بعدها در کنار «رحم حوضچه آب تعمید» رایج خواهد شد. حتی تئودور هم با تأکیدش بر روم ۶ از این تجسم در رابطه با نیایش طلب نزول روح القدس در هنگام تعمید استفاده نموده است.

(کشیش درخواست می کند) که فیض روح القدس بر این آب قرار گیرد و آن را رحمی برای تولد مقدس نوین بگرداند.

کلمات به کار رفته به طرز جالبی یادآور نیایشهای تیموتی است که در بالا نقل شد.

رحم تعمیدی گاهی نیز در تضاد با رحم حوا آورده شده است:

به جای رحم حوا که فرزندان به وجود آورد که فناپذیر و قابل فساد بودند، باشد که این رحم فرزندان به وجود آورد که آسمانی هستند، روحانی و فناپذیر.

کلمات بسیار مشابهی نیز توسط یعقوب سروق مورد استفاده قرار گرفته<sup>۱۱</sup>:

مسیح آمد و تعمید را بر صلیبش افتتاح نمود (یو ۱۹:۳۴) تا این که تعمید «مادر حیات» باشد، به جای حوا.

در کنار این اشارات به رحم حوا ما تشابهی کاملاً مستقیم نیز مابین رحم مریم و رحم رود اردن می یابیم که در نیایش یعقوب مارونی و یک مراسم گمنام ارتدکس سریانی یافت می شود در.

مسیح پایین آمد و در رحم باکره جای گرفت، تا به هنگام تولد در جسم ظاهر شود، او درحالی که کاملاً با تو مانده بود کاملاً به سوی ما آمد، و با وجودی که بی نیاز بود و

چیزی کم نداشت، در رود اردن تعمید یافت، و بدین طریق برای ما رحم آب را تقدیس نمود، تا رحمی باشد که سلامتی و قدرت می دهد.

این اشاره ضمنی به رابطه مریم را در فصل هفتم بررسی خواهیم کرد.

این نوع دیدگاه به آسانی تکامل یافت: حوضچه نقش «مادر»، یا حتی «کوره» را می گیرد. به ندرت می توان در مراسم تعمید «مادر» را یافت. در مراسم مارونیت حوضچه آب تعمید به عنوان «مادر جدید، مادر روحانی که به فرزندان روحانی که به حجله عروسی زندگی مملو از شادی وارد می شوند» توصیف شده، درحالی که در واکنش به این موضوع می توان در بعضی از متون سوروس پیدا نمود که:

ای مسیح خدا، که در این تعمید برای ما آب تعمید را تقدیس کردی، مادری که به فرزندان روحانی تولد می بخشد...

پاتریارک سوروس خود، در یکی از سرودهایش حوضچه آب تعمید را توصیف کرده می گوید «مادر نوین و روحانی که از رحم خود، به مسیحیان تولدی روحانی داد»، درحالی که در یعقوب سروق می خوانیم «مادری که هر روزه به فناپذیران تولد می دهد».

Fenqitho که به طرز حیرت آوری هیچ دیدگاه خاصی درباره رحم در تجلی خداوند ندارد، از مسیح به عنوان «تقدیس کننده حوضچه برای ما، مادری که به فرزندان روحانی ملکوت اعلی تولد می بخشد» صحبت می کند.

در نیایشی ارتدکس سریانی «رحم حوضچه آب» با ایده کوره آتش مرتبط شده است: مخلوط کن، ای خداوند، با این آب... قدرت و عمل روح القدس خودت را تا به رحم روحانی تبدیل شود و کوره ای گردد که فسادناپذیری را بیرون بریزد.

مراسم ارتدکس سریانی در واقع تنها جایی است که این تصویر را به ما عرضه می کند، اما در میان نویسندگان شرق و غرب سریانی این تصویر خارج از خود مراسم محبوبیت دارد و بدون شک طرز فکر روح القدس به عنوان آتش که موجب شعله ور شدن آبهای رود اردن می شود در به وجود آوردن آن مؤثر بوده است. در سرودهای تجلی خداوند منسوب به ابرم، «رحم از آتش» (منظور تعمید است) با کوره آتش سوزان در دان ۳: ۲۷، ۲۸، مقایسه شده و همین اشاره را می توان در Fenqitho در تجلی خداوند یافت. دیونیسیوس بارصیلی از همین تجمع تصورات در تفسیر خود درباره مراسم تعمید استفاده می جوید:

در میانه آب آتشی پنهان ساکن است که گناهان را می سوزاند در حالی که خطوط اندام را حفظ می کند - همان گونه که آهن در آتش بدون آسیب باقی می ماند درحالی که زنگار از آن زدوده می شود. تو باید از این مطمئن شوی، توسط آتش بابلیها که بدنها

را محو کرد ولی مو را به جای گذارد، به عنوان سمبل تعمید که گناهان را محو می کند ولی جسم را محفوظ می دارد. اکثراً به هر حال، منظره کوره در رابطه با زبان فنی استخراج فلزات به کار می رود، همان گونه که در نیایش توسط سوروس، در بالا نقل شد. نارسای به طور خاصی مجذوب این منظره است و آن را در دو موعظه درباره تعمید در چندین مرحله به کار می گیرد. او بار دیگر صورت ما را در تعمید در کوره ای ریخت.

یا

کوره آنها منظور نظر او را به طرز اسرارآمیزی فراهم ساخت، به جای آتش، او آن را با روح القدس گرم ساخت که قدرت اراده اوست. او عمل دست خود را به صورت صنعتگری برای آفرینش خود درآورد تا باشد که خود را از نو در کوره آب و حرارت روح القدس بریزد. روح القدس در این کوره منبع حرارت است، همان گونه که نارسای در جمله ای دیگر اشاره می کند:

او داروی روح القدس را در آب و در کوره ریخت، و تصویرانسان را از ناپاکیها تطهیر نمود. توسط حرارت روح القدس، زنگار بدن و روح را تطهیر نمود. «طرح ریزی مجدد چهره درهم ریخته» در تلخیص سریانی شرقی از تجلی خداوند نیز یافت می شود.

او که نیکوست چهره خود را دید که توسط گناه زشت شده، او آن را در کوره آب دوباره قالب گرفت و زشتی آن را پاک ساخت، شکل آن را با طلای روح القدس پوشانید.

می توانیم با عبارتی از یعقوب سروق نتیجه بگیریم که او عنصر جدید مهر زدن، یا مردن را به واژه نامه معرفی نموده، که «تصویر» را اصلاح می کند. (مسیح سخن می گوید): من با وجودی که به چیزی نیاز ندارم وارد کوره آب می شوم تا مردانی که پیر شده اند با مهر من مجدداً قالب گیری شوند. چنان که در آینده خواهیم دید، این مهر از مضمونی کاملاً متفاوت به عاریت گرفته شده، از روغن در هنگام تدهین.

۷- آب تعمید نشان دهنده آب در حوضچه بیت صیدا

حوضچه بیت صیدا، به یونانی kolymbethra به سریانی ma' muditha، به عنوان

نمونه ای برای تعمید در نوشته های نویسندگان اولیه اغلب یافت می شود، به زبان یونانی و یالائین. این دوره در پشت کلمات نیایش طلب نزول روح القدس در کوتاه ترین مراسم ارتدکس سریانی منسوب به فیلوکسنوس قرار دارد.

بدرخش ای خداوند، بر این آب، و بگذار که روح القدس تو آن را با قدرت توانایی خود حرکت دهد، و بگذار تثلیث اقدس تو، مورد پرستش همگان، با آن مخلوط گردد، تثلیث اقدس تو که به موجودات روحانی تولد می بخشد و فرزندان جدید به وجود می آورد، ای پدر، پسر و روح القدس، تا ابدالآباد. آمین.

کنایه به یو ۵:۷ توسط کلمه «حرکت» فراهم شده و در متون تعمیدی لاتین و حبشی مشابهاتی برای چنین کنایه ای در این مضمون وجود دارد.

از جمله نویسندگان سریانی که به طور خاص از یوحنا ۵ به عنوان نمونه ای برای تعمید استفاده می کنند، یعقوب سروق است که در موعظه خود درباره شفای مرد افلیج در کنار حوضچه بیت صیدا سخن گفته. عبارات ذیل ارزش نقل قول نسبتاً گسترده ای را دارد.

چون او نمی توانست از طریق شریعت حیات را به دست آورد (یا نجات را) شفقت بر او دلسوزی نمود به گونه ای که تولد او نیز تغییر یافت.

او وارد رحم مرطوب حوض (ma'mudita) گردید

و در تولد روحانی دوباره ای، پاکیزه بیرون آمد.

پسر خدا نزول کرده و آب تعمید (ma'mudita) را به حرکت درآورده است

تا بتواند هر روزه تولدی شفا بخش به هر نوع مخلوق زیبا عطا کند.

خلقتی تازه شروع شده است، که از خداوند ما سرچشمه دارد،

دنیایی جدید که فاسد نخواهد شد، آن چنان که قبلاً شد.

و قدری دیرتر:

فرزند تو موجب خواهد شد تا قدرتش بر چشمه ها سایه افکند،

و ببین، که دنیای رنجور از بیماریهای خود شفا یافته است...

آن یگانه قادر که به شیوه ای الهی از تو (پدر) مولود شد،

چشمه را به جوشش درخواهد آورد تا تمام دنیا بتواند در آن شفا یابد...

فیض، پدر را ملزم ساخت تا پسرش را بفرستد

او که نزول کرد و در راه عظیم تعمید به پیش رفت.

او موجب شد تا Shekhina او بر فراز چشمه ها و رودخانه ها قرار گیرد،

تا همه آب ها بتوانند قدرت شفا بخش را دریافت دارند.

او با تعمید خود دروازه بزرگ بخشایش را گشود. در فیلوکسنوس، آن که آبهای تعمید را به حرکت درمی آورد روح قدوس مسیح است (نیایش طلب نزول روح القدس به مسیح خطاب شده است و نه به پدر)، و در بسیاری از متون نیایشی لاتین در غرب «فرشته قدوسیت» می باشد، درحالی که برای یعقوب خود مسیح است.

۸- آب تعمید آبی است که از پهلوی مسیح جاری است.

آنچه به طور اصولی همان نیایش طلب نزول روح القدس است در چهار مراسم مختلف سریانی غربی یافت می شود، یعقوب، تیموتی و بالاخره مراسم کوتاه ملکیت، که در آن مسیح مخاطب است، درحالی که در سایر جاها مخاطب، پدر است. در مطابقت با طرح باستانی سریانی از روح القدس درخواست می گردد که «بیا، بر آب قرار گرفته، آرام بگیر، (تفسیر اش ۲:۱۱)، بر فراز آن ساکن شو و آن را به شباهت آبی درآور که از پهلوی تو (مسیح) بر روی صلیب جاری گشت» (یو ۳۴:۱۹)<sup>۱۲</sup>.

چارچوب مراجع بر یو ۳۴:۱۹ متمرکز شده و برای خاتمه دادن به این قسمت بسیار مناسب است زیرا که پهلوی نیزه زده و سوراخ شده مسیح برای نویسندگان سریانی شاید اشاره ضمنی غنی تری دارد از هر آیه منفرد دیگر در انجیل. در خدمت، هر دو منظور به عنوان نشان محک و در عین حال نقطه کانونی تفسیر نمونه ای سریانی به طور کلی، و به طور خاص، همراه با تعمید مسیح، پهلوی سوراخ شده او دومین منبع مهم آیین مذهبی تعمید را تأمین می نماید.

اگر بخواهیم ارزش این تأثیر غنی بر نیایش طلب نزول روح القدس در تعمید را درک کنیم بعضی از نکات احتیاج به توضیح دارد.

ابتدا باید بر جزئیات واژه پردازی توجه داشته باشیم. در متن اصلی انجیل این «خون و آب» است که از پهلوی مسیح «جاری می شود». چون که خون و آب به عنوان سمبلهای تعمید در راز نان و جام<sup>۱۳</sup> از زمانهای بسیار اولیه انتخاب شده بوده، نویسندگان تمایل داشتند آنها را به صورتی معکوس نقل کنند، یعنی «آب - خون» که برای تفسیر مذهبی این آیه معقولانه تر به نظر می رسیده. تغییری جزئی ولی شاخص که اکثراً در متن یافت می شود جایگزینی «جاری شد» با «بیرون آمد» است. هدف از این تغییر به وجود آوردن رابطه مابین یو ۳۴:۱۹ با یو ۳۷:۷، ۳۸ است. عبارت اخیر را نویسندگان اولیه مسیحی برحسب چگونگی تأکید بر این آیات به دو صورت مختلف معنی می کردند، روش سنتی

تفسیر این آیات بدین گونه است «اگر کسی تشنه است، بگذارید نزد من آید و بنوشد، کسی که به من ایمان دارد، همان طور که کتاب مقدس گفته از بطن او آبهای زنده جاری خواهد شد». در این جا «بطن» به ایماندار متعلق است. این نتیجه آمدن روح القدس بر اوست (تفسیر آیه ۳۹). نحوه دیگر تقسیم عبارات بدین گونه است که «بطن» را متعلق به مسیح می دانند. «اگر کسی تشنه است، بگذار همه کسانی که به من ایمان دارند نزد من بیایند و بنوشند: چنان که کتاب مقدس گفته است، «از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد گشت».

برای این که بتوان یو ۱۹:۳۴ را با این تفسیر مسیحی یو ۷:۳۷، ۳۸ (که بر تعدادی از پدران یونانی و سریانی آشکار بوده) ارتباط داد فعل «بیرون رفتن» در ۱۹:۳۴ در بسیاری از نقل قولها از این آیه تبدیل به «جاری شدن» گردیده. این مشخصه طبیعت بدون تعصب مذهبی است که اپرم و آفراهات در هر دو تفسیر از آن استفاده جسته اند: هر دوی آنها بدین سبب معتبر هستند که حاوی معنی عمیق روحانی می باشند.

تمام سمبلها و نمونه ها اشاره به مسیح و پهلوی سوراخ شده او به عنوان نقطه کانونی دارند، که محور مابین عهد عتیق و عهدجدید می باشد<sup>۱۴</sup>. در این آیه منفرد چهار نقطه شروع اصلی برای تفسیری نمونه وار وجود دارد.

۱- پهلوی

۲- خون و آب

۳- نیزه

۴- عمل سوراخ کردن

همان گونه که در کلمات به کار برده شده برای «خون و آب از آن بیرون آمد» آزادی مشخصی وجود دارد، به همین نحو هم در استفاده از کلمات «پهلوی»، «نیزه» و «سوراخ کردن»<sup>۱۵</sup> آزادی عمل قابل توجهی هست، تا روابط نمونه ای را اعتلا بخشد.

این روابط چه هستند؟ آنچه غالباً در ادبیات اولیه سریانی با آن برخورد می کنیم مقابل نمودن آن با پید ۳:۲۴ است، «او را بیرون کرد، و به طرف شرق باغ عدن کروبیان را مسکن داد و شمشیری آتشیار که به هر سو گردش می کرد برای محافظت از راهی که به درخت حیات منتهی می شد قرار داد». اپرم اشارات ضمنی نمونه ای را این گونه توضیح می دهد:

متبارک باد آن بخشاینده و رحیم که نیزه را دید

که در کنار بهشت راه را سد کرد

راه به سوی درخت حیات، و آمده برای خود  
 جسمی را که مجروح بود گرفت تا، توسط شکاف در پهلوی خود،  
 راه را به درون بهشت باز کند. (سرودهای میلاد ۸:۴)  
 «شکافتن» پهلوی مسیح با نیزه، اسلحه آتشین و چرخنده کروبیان را که انسانها را از  
 باغ عدن محروم می سازد دور می کند. آثار سقوط معکوس می شود، و بشریت می تواند بار  
 دیگر به درخت حیات نزدیک گردد (که در این جا به راز نان و جام اشاره دارد).  
 قدری متفاوت و با لحن مشخصه تعمید، به جملات نمونه وار اپرم توجه می کنیم که  
 صحبت از شکافتن پهلوی مسیح می کند:  
 از آن آب و خون بیرون آمد.

آدم شسته شد، حیات یافت، و به بهشت بازگشت. (سرودهای نصیبین ۷:۳۹)  
 این که چگونه شکافته شدن پهلوی مسیح «تعمید» را برای آدم مهیا ساخت توضیحی  
 زیرکانه و ادیبانه در کتاب «غار گنجها» اثر نویسنده ای گمنام داده شده است<sup>۱۶</sup>:  
 خون و آب از پهلوی مسیح جاری گشت و به دهان آدم فرو ریخت (که در زیر صلیب در  
 تپه جلیتا دفن شده) و اینها برای او اجزاء آب تعمید بودند، و او تعمید یافت.  
 طرح نمونه وار دیگری که نتایج بسیار گسترده و شاخص داشته تفاوتی است مابین  
 پهلوی مسیح و پهلوی آدم. آدم اولیه از پهلوی خود حوا را زایید، و توسط او گناه وارد  
 جهان گردید. آدم ثانویه، مسیح، از پهلوی خود تولدی به آیین مذهبی داد که «سند» گناه  
 را محو نمود (کول ۲:۱۴). تفاوت مابین «پهلوها»ی این دو آدم به طور خاص توسط  
 یعقوب سروق در موعظه مشهورش درباره نقاب موسی به نمایش درآمده است:  
 پهلوی داماد شکافته شد، و از آن عروس بیرون آمد،  
 نمونه ای را که آدم و حوا بودند به کمال رساند.  
 زیرا از ابتدا او می دانست  
 و آدم و حوا را به شباهت صورت تنها- مولودش نقش کرد:  
 او بر روی صلیب خوابید همان گونه که آدم در خواب عمیق استراحت کرد،  
 پهلوی او سوراخ شد و دختر نور از آن بیرون آمد-  
 آب و خون به عنوان شباهت فرزندان الهی  
 تا وارثین پدر باشند که تنها- مولودش را دوست دارد.  
 حوا طبق نبوت مادر همه زندگان است-  
 چه چیز، به جز تعمید، مادر حیات است؟



همسر آدم پیکرهای انسانی زایید که مشمول مرگ هستند، اما این باکره موجودات زنده‌ای متولد ساخت که روحانی هستند. پهلوی آدم به زنی داد تولد که فانیها را می‌زاید، درحالی که خداوند ما کلیسا را تولید نمود که به فناپذیران تولد می‌بخشد. این نمونه‌گذاری برای اپرم شناخته شده است و از آن استفاده می‌کند، به طور مثال در «تفسیری بر دیاتسارون»...

«خون و آب از آن بیرون آمد»: این است، کلیسای او، که بر «پهلوی» او بنا شده. درست مشابه مورد آدم که همسر او از پهلویش گرفته شد. همسر آدم «دنده» اوست، بنابراین «خون» خداوند ما نیز کلیسای او. از دنده آدم مرگ صادر شد، از پهلوی خداوند ما حیات. (تفسیر دیاتسرون ۱۱:۱۲)

آیینهای مذهبی نمونه‌گذاری در رابطه با آدم: حوا و مسیح: کلیسا / اجباراً مریم را نیز درگیر می‌کند، آن حوای نوین که به طرز اعجاب‌آوری به آدم ثانویه تولد می‌بخشد، تأثیر (معجزه‌گونه) تولد حوا را از آدم نخستین معکوس می‌کند. اپرم این را در دو بند برگردان در سرودهای میلاد مسیح آورده است:

آدم بر زنی که از او به وجود آمده بود درد زه را آورد، اما امروز مریم، که نجات دهنده‌ای برای او مولود ساخت، آن درد زه را از بین برده است. آدم، که خود تولدی را نمی‌شناخت، حوای مادر را متولد ساخت: چقدر بیشتر باید مریم، دختر حوا، را باور داشت که بدون کمک مردی تولدی داده است. (سرودهای میلاد ۱: ۱۴-۱۵)

یعقوب سروق نیز به همین نکته اشاره می‌کند و به طرز صریح‌تری می‌گوید:

همان‌گونه که پدر ما آدم بدون عمل جنسی مادر ما را تولید نمود، همان‌گونه نیز مریم تولدی داد، به همان شکل که آدم قبل از گناه داده بود. روح القدس بر چهره آدم دمید.

و او به حوا تولد داد: مریم هم همین روح را دریافت کرد،

و تولدی به یک پسر داد.

آدم بدون عمل جنسی به «مادر همه موجودات زنده» تولد بخشید،

به همین‌گونه تولد خداوند ما، که سرچشمه تمام حیات است به نمایش درآمد.

در این تار و پود پیچیده نمونه‌گذاریها می‌توانیم ببینیم که چگونه مریم و کلیسا نقشهای

مشابهی را ایفا می‌کنند. بنابراین یعقوب می‌تواند قدمی به جلو گذارده بگوید:

توسط مریم راه به سوی عدن، که بسته شده بود، دوباره پیموده شد،

مار گریخت و انسان توانست به سوی خدا عبور نماید. توسط مریم کروبیان شمشیر خود را به کناری نهادند تا دیگر از درخت حیات (منظور مسیح است)، که اینک خود را آماده ساخته بود تا خورده شود، محافظت نمایند. به کلامی دیگر، «تولد بخشیدن» مسیح به آیینهای مذهبی (یو ۱۹:۳۴)، که موجب ورود مجدد به بهشت می شود، در این جا توسط تولدی که مریم به مسیح می دهد انتظار می رود. تفسیر نسبتاً گستاخانه یعقوب در واقع بر درک شخصی از گفته شمعون به مریم در لو ۳۵:۲ بنا شده. متن معمولی این آیه چنین است: «شمشیری روح تو را سوراخ خواهد کرد»، اما از «تفسیری بر دیاتسارون» اپرم آشکار می شود که دیاتسارون تاتیان شمشیر را به عنوان فاعل فعل و مریم را به عنوان مفعول برداشت نموده: «تو موجب خواهی شد تا شمشیر عبور کند...». بنا بر این اپرم در تفسیر خود می نویسد: شمعون همچنین گفت: «تو موجب خواهی شد تا شمشیر عبور کند»: - شمشیری که از بهشت محافظت می نمود به دلیل عمل حوا توسط مریم برداشته شد.

(تفسیر دیاتسرون ۲:۱۷)

با بررسی تفسیر دقیق تری از تعمید که درباره یو ۳۴:۱۹ داده شده می توانیم ریشه های این بحث گسترده را به هم نزدیک تر کنیم. در یکی از سرودهای تجلی خداوند می یابیم که آب تعمید را «چشمه ای که از پهلوی پسر خدا جاری گشت» نامیده اند<sup>۱۷</sup>. به هر حال هیچ نویسنده سیرانی در احساس به چهار نیایش تعمیدی ما از یعقوب سروق نزدیک تر نیست: مسیح آمد و توسط صلیب خود تعمید را آماده کرد تا در دنیا، به جای حوا مادر حیات باشد. آب و خون برای سرشتن نوزاد روحانی از آن جاری گشت، و تعمید مادر حیات گردید. هیچ تعمید قبلی (مثلاً موسی یا یحیی) هرگز روح القدس را نداد. فقط تعمیدی که توسط پسر خدا بر روی صلیب مهیا گشت به فرزندان روحانی با «آب و خون» حیات می دهد، و به جای یک روح، روح القدس بر آنها دمیده می شود. اینک می توانیم ببینیم که تا چه اندازه نیایش طلب نزول روح القدس بستگی دارد به قسمتی که بلافاصله قبل از آن به عنوان نیایش تقدیس اجرا می گردد و در تمام این مراسم یافت می شود، البته جدا از مراسم کوتاه ملکیت. به جای رحم حوا که فرزندان فانی و فسادپذیر به وجود آورد باشد که این «رحم آب»

فرزندانی تولید کند که آسمانی، روحانی و فناپذیر باشند، و همان گونه که روح القدس به هنگام آفرینش مخلوقات بر فراز آب شناور بود، توای خداوند، در این آب تعمید، که رحم روحانی است، که به موجودات روحانی تولد می بخشد حضور داشته باش، باشد که به جای آدم که از خاک درست شده بود، آدم آسمانی بسازد. باشد که آنهایی که در آن تعمید می یابند در تو تغییراتی باقی بیابند که بی ثمر نباشند: و به جای فسادپذیری، روحانیت و به جای دیدنیها مشارکت با نادیدنیها و به جای روحی ضعیف، روح القدس تو.

با برگزاری مراسم تعمید و شام خداوند، نیزه یو ۳۴:۱۹ در ورود مجدد ما به بهشت در هنگام تعمید تأثیر می گذارد، همان گونه که اپرم اشاره می نماید. خداوند درخت، خود را به عنوان حیات به امتها داده است.

توسط نوک شمشیر

راه به سوی درخت حیات مسدود بود.

همان گونه که درختهای عدن

به آدم اول برای غذا داده شده بود،

کارنده آن برای ما خود

غذای روح شد.

هنگامی که با آدم

که مجبور بود از بهشت بیرون رود بهشت را ترک کردیم،

حالا که نیزه برداشته شده،

بیایید کمر خود را توسط نیزه ببندیم و برویم

چیزی از عمق معنی که آن آیه برای اپرم دربرداشت را می توان در جملات غزل ماندنی که از کتاب «تفسیری بر دیاتسارون» اقتباس شده ببینیم:

به سوی تمام اعضای بدن تو دویدم، و از همه آنها هر نوع هدیه ای دریافت کردم.

توسط آن پهلوی سوراخ شده با شمشیر، وارد باغی شدم که حصار آن از شمشیر بود.

بیایید از طریق آن پهلویی که سوراخ شد داخل شویم، زیرا مشاورت آن دنده که جدا

شده بود ما را عریان نمود. زیرا آتشی که در آدم شعله ور بود، او را در آن دنده اش

سوزانید. بدین دلیل پهلوی آدم ثانویه سوراخ شده و از آن آب جاری است تا آتش آدم

اول را خاموش کند. (تفسیر دیاتسرون ۱۰:۲۱)

معرفی اپرم از تصویر سوزنده در نیایشی که معمول تیموتی ارتدکس سریانی و یعقوب

مارونی می باشد تشابهی جالب است:

به سوی تو ای خداوند ابراهیم، اسحاق و اسرائیل، چشمان دل ما برافراشته شده و دستهای قلب ما دراز گشته، و همانند آهوپی که در اشتیاق چشمه آبهاست (مز ۴۲:۱)، همچنین ای خداوند، روح ما مشتاق توست، باشد که آبهای زنده و روحانی برای ما از آن چشمه از بالا جاری شود، و تشنگی ما که نتیجه سوزش گناه است توسط آن فرو نشانده شود...

ابعاد آخرتی در یو ۳۴:۱۹ به طرز بسیار جالبی در یکی از «سرودهای بکارت» گنجانیده شده. در مقایسه با آن تلخی که مصلوب کنندگان مسیح را به طور معمول می نگرند، ابرم در این جا کلمات خود مسیح را، که برای آنها بخشایش می طلبد، با این شعر ربط می دهد:

آنها تو را با نیزه سوراخ کردند و آب جاری گشت  
گویی که می خواست گناهان آنها را بشوید.  
آب بیرون ریخت، و خون نیز، تا در آنها اعجاز به وجود آورد،  
تا آنها بتوانند دستهای خود را از خون تو بشویند.  
آن کشته شده به کشندگانش آب داد،  
تا بدین گونه از طریق خون او آنها پاک شده حیات یابند.

(سرودهای بکارت ۱۰:۳۰)

## ۲- حمد و تسبیح بر روغن

الف) - مقدمه

یک نیایش طلب نزول روح القدس فقط در مراسم سریانی شرقی، ملکیت و مارونیت یافت می شود، اما این آشکارا یک ویژگی باستانی است، زیرا در کتاب اعمال توماس و مراسمی که توسط نارسای توصیف شده نیز دیده می شود. در دو شرح تعمید در کتاب اعمال توماس، یهودا توماس روغن را برداشته و نیایش ذیل را بر آن ادا می کند.

روغن مقدس برای تدهین به ما داده شد، و راز مخفی صلیب از طریق آن آشکار می گردد. تو ای خداوند ما عیسی، راست کننده اعضای کج و معوج، حیات و سلامتی و بخشایش گناهان، باشد که قدرت تو بیاید و بر این روغن قرار گیرد و قدوسیت تو در آن ساکن گردد.

ای میوه لطیف که لایق هستی با کلام قدوسیت بدرخشی، تا انسانها بتوانند تو را در برگیرند و از طریق تو بر دشمنان غالب شوند، هنگامی که از اعمال گذشته اشان

پاک شده اند. بله خداوندا، بیا و در این روغن ساکن شو، همان گونه که بر درخت ساکن گشتی و آنهایی که تو را مصلوب کردند نتوانستند سخن تو را تحمل نمایند. باشد که هدیه تو، که بر دشمنانت دمیدی و آنها بازگشته، به رو درافتادند، بیاید و در این روغن که بر آن نام تو را ادا می کنیم ساکن گردد.

در هر دو مورد درخواستها خطاب به مسیح است (اولی جناسی است از meshha «روغن» و mshiha «مسیح»)، در اولی روغن را در وحله اول به عنوان شفا دهنده می بینند و در دومی به عنوان دافع شریر، اینها مطالبی هستند که بعداً به آنها رجوع خواهیم کرد.

نارسای در حین توصیف خود از rushma اشاره ای خاص بر نیایش طلب نزول روح القدس دارد:

او سه نام (ثلیث اقدس) را بر روغن می ریزد تا ناپاکی انسان را توسط قدوسیت روغن تقدیس گرداند.

در مراسم مارونیت روغن را در نیایشی کمی قبل از تدهین در حالت سوم تقدیس می کنند:

(خداوند) قدوس و پر جلال، که از طریق تدهین سمبلیک خود برای خود انبیاء و کاهنان را مسح نمودی، تا نشانه ای (rushma) باشند برای گوسفندان گله تو. باشد که قدرت تو، ای خداوند، از اعلی علیین، جاری شود و بر این روغن قرار گیرد، تا رازهای مسیح تو در آن نقش بندد و نشانه ای برای گوسفندان گله تو، و زوفای پاک کننده، و ضمانتی بر تقدیس پیکرهای مؤمنین تو باشد. و باشد که رازهای تو در آن کامل گردد، و الوهیت تو در آن آشکار شود، تا هر که لایق تدهین با آن شناخته شود در شمار پسران آید، و گوسفندان گله تو که لایق عطیه آسمانی تو گشته اند در آن غنی گردند.

این نیایش با وجودی که در این جا خطاب به پدر است، عبارت «باشد که قدرت تو جاری شود...» کلمات نیایش طلب نزول روح القدس در کتاب اعمال توماس شماره ۱۲۱، در گوش زمزمه می کند. همین طور اشاره ویژه ای باستانی به «پیامبران و کاهنان» است.

نیایش طلب نزول روح القدس سریانی شرقی که بر روغن ادا می شود نیز از نقش آن به عنوان واگذار کننده تضمین رستاخیز به آنانی که تدهین شده اند صحبت می کند<sup>۱۸</sup>، تأکیدی که این رسم بر آب تعمید می دهد، از نمونه تئودور اهل مویسوستیا پیروی می کند.

باشد که فیض روح القدس جاری شود... و با این روغن مخلوط گردد، و باشد که

(فیض) تضمین رستاخیز پس از مرگ را به کسانی که با آن مسح شده اند عطا فرماید، زیرا که این به عنوان کامل کننده فرزندخواندگی، نجات از رنج گناه، و شادی آرامش آسمانی داده می شود... و باشد که در این روغن قرار گرفته ساکن گردد، برکت دهد، تقدیس نماید و آن را با نام پدر و پسر و روح القدس مَهر نماید... «تضمین» رستاخیز از مردگان، همچنین با «تدهین روغن مقدس» که کشیش در مراسم باستانی ارتدکس سریانی برآب می ریزد در رابطه است:

ما این روغن مقدس را بر این آب می ریزیم برای بخشایش گناهان و آمرزش خطایا، برای زدودن و محو کردن و باطل شمردن اعمال خصم، در نام پدر. هلولیا. ما این روغن را بر این آب می ریزیم برای عطیة تقبل فرزندخواندگی و حفظ بیداری ارواح و بدنهای آنانی که اینک در نام پسر تعمید می یابند، هلولیا. ما این روغن را بر این آب می ریزیم برای تضمین رستاخیز از مرگ، برای حیات جاودانی برای آنهايي که اینک تعمید می یابند، در نام روح القدس، هلولیا.

نیایشهای سریانی شرقی و مارونیت هر دو فعل «آمدن» را به کار می گیرند، درحالی که تنها مراسم دیگر، ملکیت، با نیایشی بر روغن، فعل «فرستادن» را دارد که معمولاً نه به صورت امری بلکه به صورت استمراری به کار گرفته می شود، یک بار دیگر نیایش درست قبل از تدهین در حالت دوم انجام می شود.

ما نام عظیم و ترسناک و تماماً قدوس تو را می خوانیم که روح قدوس و قدرتمندت (یا روح قدوس و ترسناکت) را بر این روغن می فرستی، و آن را کامل می گردانی تا زره ما گردد که اعمال تهمت زننده را باطل می گرداند، و قدرتهای خصم را اخراج می کند، و برای تنبیه و سوزاندن و نابودی ارواح شریر می باشد، برای اخراج دیوها، برای پاکسازی از بتها و پرستشهای شیطانی. و باشد که ای خداوند، این برای خادمین تو، برای نجات، برای حفاظت، و برای پناه بردن باشد، که در شستشوی مقدس در آن پناه جسته اند، برای استوار کردن احترام آمیخته به ترس از تو، و برای جلال و مشارکت در ایمان در تو، توسط عیسی مسیح، که همراه با او و با روح القدس تو، تو متبارک و پر جلال هستی.

در این جا به طور خلاصه می شود به اختلاف مابین این نیایشهای مختلف بر روغن توجه کرد. در نیایش ملکیت ایده محافظت کردن شاخص است، و این عنصری است که در اعمال توماس شماره ۱۵۷ نیز می یابیم. جنبه دیگر به هر حال، مالکیت است که در کتاب اعمال توماس خودنمایی می کند و در نیایش ملکیت غائب است، درحالی که در

مراسم مارونیت نیز شاخص می باشد که اشاره باستانی به «کاهنان و انبیا» در آن حفظ شده است. مراسم سریانی شرقی، از طرف دیگر، به راه خود ادامه می دهد و تمام این ارتباطات سنتی روغن را کنار می گذارد. ما اینک توجه خود را به این ارتباطات معطوف می نماییم.

### ب) سمبولیسم روغن

تأثیر روح القدس بر روغن به طرق مختلف دیده می شود. بعضی از اینها در ارتباط با ایده تیزی و نوعی از انواع بریدگی (یا شکاف) می باشند، خواه ختنه باشد یا گذاردن علامتی از مالکیت. در موارد دیگر نظریه پاک کنندگی، یا (کمتر متداول) شفا دهندگی روغن است، که به طور خاص در احیای آن «تصویر» (پید ۱: ۲۶)، که به عنوان نقاشی بسیار بد محافظت شده، دیده می شود. یا روغن به عنوان حفظ کننده است، و استعمال می شود تا یا خصم را گیج کند، یا مبارزه را (به صورت مسابقه کشتی دیده می شود) برای دشمن مشکل تر سازد. حفاظت باعث تجسم اسلحه می شود، و سمبلهای غنی مربوط به آن در دربرکردن و از تن بیرون آوردن نیز به نوبه خود با طرح مهم تعمیدی «ردای جلال» در رابطه است. اما، نه کمتر از سایرین، روغن گاهی با مسح کردن کاهنان و انبیا و پادشاهان در عهد قدیم در رابطه می باشد و موضوعی است که قبلاً بحث کرده ایم و نیازی به تکرار آن نیست.

### ۱) نشانه مالکیت

در سنت سریانی *rushma*، ایده ای کاملاً بنیادی وجود دارد که نشان مالکیت را فراهم می سازد، و تجسم بسیار رایج تر این است که شخص تازه تعمید یافته به عنوان گوسفند «داغ گذارده» می شود. در مراسم مارونیت تمام تدهینها با دستورالعمل «N» علامت گذاری می شود به عنوان بره ای از گله مسیح»<sup>۱۹</sup> همراه می باشد.

دیدگاه شبانی در تمام مراسم تکرار می گردد. یعقوب مارونی درخواست می کند که روغن تقدیس شده علامت هویت (*rushma*) باشد برای بره های گله مسیح، و نیایشی آغازین در سوروس بدین مضمون وجود دارد: «باشد که او لایق تولدی نوین گردد که توسط آب و روح از بالا می آید، تا او گوسفندی شود برای آن شبان حقیقی». نشان گذاری شده با علامت (*tabo*) روح القدس». به همین گونه نیز در مراسم سریانی شرقی می یابیم که «ما را به دور خود جمع کن، و به درون آغل خود ببر، با علامت خود ما را بپذیر»، پس از تعمید در حالت اول. جالب توجه آن که بازیل ملکیت نیز چنین دیدگاه شبانی را در

همان نقطه دارد، گرچه در این مراسم هیچ روغنی برای این سرسپردگی مصرف نمی شود. نقش روغن در rushma در کتاب اعمال توماس نیز بارز است و ظاهراً به قدیمی ترین سطوح سنت سریانی به عقب بازمی گردد. یهودا توماس برای پادشاه و برادرش با این کلمات نیایش می کند: «آنها را در آغل خود متحد ساخته و مسح گردان». آنها نیز در عوض از رسول استدعا می کنند که rushma را دریافت دارند: «زیرا ما شنیده ایم که تمام گوسفندان خدا که تو بر آنها موعظه می کنی توسط rushma برای او شناخته شده هستند».

نقد نارسای درباره مراسم تعمید توضیح دهنده این دیدگاه است. «شاه ارتفاعات» (دست روح القدس) را به سوی کاهن دراز می کند تا علامت (tab,a) نام خود را به او بدهد تا با آن گوسفندان خود را علامت گذاری کند. این نشانه یا داغ توسط روغن به وجود می آید، که به آن نیایش طلب نزول روح القدس یک «تیزی» می بخشد، به طوری که «قدرت برنده نام وارد نفس گردد».

در نارسای، «نام» ابتدا در روغن علامت گذاری می شود، و سپس توسط روغن، بر متقاضی تعمید. این ایده به نشان دادن نیایش مارونیت بر روغن، همان گونه که نقل شد: «... باشد که قدرت توجاری شود... و بر این روغن قرار گیرد، و باشد که نشانه مسیح تو بر آن نقش بندد، تا این که به rushma تبدیل شود برای بره های گله تو» کمک می کند. آثاری از همین طرز فکر در مراسم ارتدکس سریانی و ملکیت در نیایشی با منشأ یونانی، «دهنده نور و منور کننده جانها» حفظ شده، که در آن کلماتی را می یابیم همانند «... باشد که نور حضور تو بر او علامت گذاری شود، و باشد که صلیب مسیح تو در قلب او نقش بندد». به همین گونه در نیایشی دیگر، قبل از تدهین در حالت دوم داریم: «... نشان مسیح خود را بر آنانی که اینک تولد تازه می یابند بگذار».

در سومین سرودهای تجلی خداوند منسوب به اپرم، خود مسیح، نه روح القدس، دیده می شود که توسط روغن نشان مالکیت می گذارد:

مسیح و روغن در مشارکت با یکدیگر:

آن مخفی شده همراه با این آشکار:

روغن به طور دیدنی مسح می کند،

مسیح مخفیانه نشان می گذارد،

گوسفند نوین روحانی را

-گله اعجاز آمیز مضاعف را،



زیرا که در روغن باردار گردید

و در آب متولد گشت. (سرودهای ظهور ۳: ۱۰)

در جان کریسوستوم، تئودور و نارسای تمایلی مشاهده می شود که منظره «داغ نهادن بر گوسفندان» را به حاشیه برانند، و در عوض به فراهم کردن نشانه هویت برای سرباز تازه ثبت نام شده برای مسیح اهمیت دهند (این نیز به عنوان علامت داغ مجسم شده است). در این جا نیز ایده تعمید به عنوان مبارزه ای با شیطان، بسیار در مد نظر است. نارسای می گوید: «کشیش علامت پرچم پادشاه را بر پیشانی آنها رسم می کند» و «با نام پادشاه علامت می گذارد تا باشد که او به عنوان سرباز خدمت کند.»

اپرم عمل روغن را در این تدهینها با اثر انگشتی مهر بر موم مقایسه می کند:

روح القدس علامت خود را بر این گوسفند می شکافت

او نشان خود را همانند علامتی بر موم، حک می کند:

مهر مخفی روح القدس توسط روغن، بر این پیکرها

که در تعمید تدهین یافته اند حک گردیده است. (سرودهای بکارت ۷: ۶)

از این جا تا به این ایده که مسیحیان سکه ای هستند که با علامت یا شکل، یا «تصویر» مسیح ضرب شده اند گام بزرگی نیست. بنابراین اپرم از مسیحیان به عنوان moneta، یا سکه ای که بر روی آنها تصویر پادشاه (مسیح) نقش بسته است صحبت می کند، و با این اعلام خاتمه می دهد که «متبارک باد آن که ما را با نام خود ضرب کرده است». (H. Haer, 22:9)

این طرز فکر که روغن علامتی به شکل نشانه داغ بر جای می گذارد در ارتباط بسیار نزدیک با این ایده است که روغن موجب ختنه روحانی می گردد. ختنه، رسم ورود به عهد عتیق است که بعدها تحت گسترش مسیحیت با «ختنه ای که با دستها صورت نمی گیرد» (کول ۲: ۱۱) جایگزین شد، و در نواحی انطاکیه، این شرط ورود به یهودیت برای یک نوایمان بود که شامل ختنه و به دنبال آن تعمید می شد، و مدلی را برای رسم جدید مسیحان فراهم می ساخت، که در آن تدهین جای ختنه را می گرفت. به احتمال بسیار قوی تشابه مابین ختنه و تدهین بود که باعث به وجود آمدن تجسم «تیزی» روغن گردید. در خود مراسم تعمید نیز رابطه روغن با ختنه فقط در مراسم سریانی شرقی حفظ شده، که در آن جا در نیایش بر روغن یافت می شود:

توسط آن (منظور روغن است) ختنه شده ای با «ختنه ای که توسط دست انجام

نشده»، گوشت گناه توسط ختنه مسیح جدا گردیده....

اما این ایده در میان نویسندگان اولیه سربانی شناخته شده بود. اپرم از «ختنه مخفی شده» صحبت می کند که جایگزین «آشکار شده» می گردد (سرودهای بکارت ۱:۹) و در سرودهای تجلی خداوند ختنه یهودیان به طرز خاصی به عنوان «سمبل» نشانه تو، توصیف شده، درحالی که قبل از او نویسنده ای گمنام در سرود خود می نویسد:

او ملت یهود را از سایر امتهای جدا کرد

با نشانه ختنه،

با علامت تدهین

او ملتی را از ملت دیگر جدا ساخت. (سرودهای تجلی ۴:۳)

در طی این سرود بازی پیچیده ای با واژه ها مابین gzar (ختنه) و gzara (گله) در جریان است.

توصیف نارسای از عملکرد روغن نیز همین زمینه را دارد، با وجودی که او فقط فعل gzar («بریدن»، «ختنه کردن») را به کار می برد و نه یک اسم: شکر بر عمل درونی روح القدس که کشیش «شرارت جسم و روح را با سخنش دور ساخت». قدری پایین تر نقش روغن در این جا بسیار صریح تر می شود:

کشیش آهن روغن را در نوک انگشتش نگاه می دارد و جسم و احساسات نفس را، با تیزی آن علامت می گذارد. کشیش فناپذیر روغن را با سخنان دهان خود (منظور در نیایش طلب نزول روح القدس است) تیز می کند. آن را همانند آهن تیز می نماید تا شرارت را منقطع سازد.

نویسندگان بعدی اغلب هنگامی که اهمیت رابطه با یهودیت عهدعتیق کم رنگ تر شده و به حاشیه کشیده می شود تجسم ختنه را رها می کنند.

قبل از ترک موضوع ختنه می باید عبارتی را در قصاید سلیمان در نظر بگیریم که معمولاً به همین معنی تفسیر شده است. این عبارت در قصیده ۱۱ دیده می شود، و امروزه هم به زبان یونانی و هم سربانی شناخته شده است، و فعل gzar (به یونانی Peritemno) که دوبار مورد استفاده قرار گرفته، بغرنج است. من هر دو تفسیر ممکنه آن را ارائه می دهم:

قلب من هرس / ختنه شده است

و شکوفه های آن نمایان گردیده اند،

و فیض در درون آن جوانه زده،

میوه برای خداوند می آورد:

آن متعال مرا با روح القدس خود هرس / ختنه کرده است.

با وجودی که واژه «ختنه» ترجمه‌ای است که به طرز سنتی بسیاری از مفسرین ترجیح می‌داده‌اند، به نظر می‌رسد که تجسم درخت، «هرس» را به عنوان واژه مناسب طلب کند- یا شاید بتوان گفت که عالی‌ترین معنی برای بازتاب واژه «ختنه» نیز به همین خوبی یافت می‌شود. در هر صورت این عبارت از این جهت قابل توجه است که رابطه‌ای مابین روح القدس و ایده قطع کردن در نظر مجسم می‌سازد.

تجسم مترادف در کشاورزی در این رابطه، عمل پیوند زدن است و در متون چایی سوروس در ارتدکس سریانی دستورالعمل تدهین در حالت دوم، در واقع این طور خوانده می‌شود:

**N** با روغن شادمانی علامت گذاری می‌شود تا در برابر هر عمل رقیب مسلح گردد، و پیوندی باشد بر زیتون خوب کلیسای مقدس جامع و رسولی.

این موضوع که از رومیان ۱۱ گرفته شده در میان نوشته‌های نویسندگان اولیه سریانی بسیار به ندرت یافت می‌شود و همان طور که دیده‌ایم احتمال دارد که در نتیجه تأثیر سنت تعالیم مذهبی اورشلیم به سوروس رسیده باشد، که در تعالیم اسرار الهی و مذهبی منسوب به سیریل اهل اورشلیم بسیار شاخص می‌باشد و در این جا نیز با تدهین قبل از تعمید در رابطه است. عبارات ذیل ارزش نقل قول دارد.

سپس، هنگامی که عربان شدی، از موی سر تا پاهایت با روغن دفع شریر تدهین گشته، و در درخت زیتون نیکو، عیسی مسیح، شریک شدی. زیرا که از درخت زیتون وحشی بریده شده و در برکت زیتون حقیقی سهیم گشتی.

چندین مفسر ارتدکس سریانی تدهین را در حالت دوم به صورتی مشابه توصیف نموده‌اند. بنابراین دیونیسوس بارصلیبی توضیح می‌دهد که معنی تدهین در واقع چیست (ظاهراً او دستورالعملی را که هم اینک نقل شد در نظر دارد):

او با روغن تدهین شد- ابتدا به این دلیل که او وارد مسابقه و مبارزه با شیطان می‌شود، زیرا انسانی را که وارد مسابقه یا مبارزه می‌شود با روغن تدهین می‌کنند تا دستهای حریف به هنگام مبارزه با او بلغزد. بنابراین متقاضی تعمید نیز تدهین می‌شود تا اهریمنان نتوانند او را به چنگ آورند. ثانیاً او با تدهین شدن اقرار می‌کند که زیتون وحشی بوده است، بیگانه نسبت به خدا، اما اینک با روغن تدهین گردیده تا با زیتون ایمان به پدر، پسر و روح القدس پیوند یابد، که در نام آنها او اینک تعمید خواهد یافت. باشد که همانند درختی شود که در کنار چشمه آب نشانده شده است

(مز ۱:۳)، باشد که او در ملأعام اعلام نماید که «من، همانند یک درخت زیتون، در خانه خدا باشکوه هستم» (مز ۵۲:۸). همچنان که یک کشاورز، هنگامی که درختی میوه به بار نمی‌آورد، در قسمتی از آنشکافی ایجاد می‌نماید و قطعه‌ای از درختی بار آور را داخل آن شکاف قرار می‌دهد و بدین گونه به آن پیوند می‌زند، کشیش نیز متقاضی تعمید را که در واقع زیتون وحشی بوده که میوه عدالت را به بار نیاورده است با روغن تدهین می‌کند تا او پیوند یافته، بتواند به تثلیث اقدس پدر، پسر و روح القدس اقرار نماید و بدین گونه میوه‌های عدالت به بار آورد، سی بار، شصت بار یا یکصد بار.

کلمات آخر از آخر نیایش در سوروس گرفته شده که تدهین در حالت دوم را معرفی می‌کند. یک Epiphany qolo زیبا نیز در Fenqitho، خود مسیح را به عنوان آن درخت مزمور اول توصیف می‌کند که «در کنار نه‌های آب» کاشته شده است.

بیابید، ای برادران من، برویم و ببینیم  
 آن درختی را که در کنار نه‌های آب نشانده شده است  
 که برگهای آن هرگز فرو نمی‌ریزد.  
 در تاج آن شاهین آسمانی (منظور پدر است)  
 و در میان شاخه‌های آن کبوتر، روح القدس لانه دارد،  
 درحالی که از ریشه هایش  
 آب تعمید جاری است  
 که در آن گناهکاران فرو می‌روند تا تعمید یافته  
 منزه و پاک بالا آیند.

## (II) حفاظت

این ایده که روغن محافظت می‌کند در بعضی از متون اولیه درباره‌ی تعمید نیز یافت می‌شود، و تبدیل تدریجی این به ایده‌ی rushma به عنوان علامت مالکیت که بر گوسفندان نهاده می‌شود، در عباراتی همانند آنچه از کتاب اعمال توماس در ذیل آمده یافت می‌شود:

آنها را در آغل خود متحد بگردان و تدهین نما، و از ناپاکیهایشان تطهیر بفرما، و آنها را از گرگها محافظت کن...

در نیایشی که از مراسم باستانی ارتدکس سریانی در به جا مانده، این موضوع کاملاً

آشکار است. (درست بلافاصله قبل از تدهین در حالت دوم):

ای شبان نیکو و یابنده گمشدگان، ای که با علامت تثلیث اقدس، گوسفندان خود را نشان می‌گذاری تا از گرگهای درنده محفوظ مانند، باشد که آنها توسط نام پرجلال، ای پدر، پسر و روح القدس، به عنوان بره‌های گله تو نشان یابند، تا بتوانند جزو گله مقدس تو شمرده شوند و با گوسفندان تو مخلوط گردند، به آغل گوسفندان تو وارد شده متعلق به تو باشند. آنها را توسط علامت خود از هر چیز شریر محافظت فرما، با روغن خوشبوی خود به آنها آرامش عطا کن، و با علامت تثلیث اقدس آنها را تقدیس فرما، باشد که تولدی نوین یابند، و تا ابدآباد تثلیث اقدس تو، پدر، پسر و روح القدس را بسرایند. آمین.

حفاظتی که توسط روغن فراهم می‌شود در متون تعمیدی به سه شکل مختلف توصیف شده است، این نشانه دفع شریر است بر پیشانی، که ارواح شیطانی از آن ترسیده می‌گیرند، این زره روحانی است در مسابقه بر علیه قدرت شریر، که قابل قیاس است با تدهین ورزشکار قبل از مسابقه کشتی<sup>۲۰</sup>. اولین مورد از این موارد آشکارا سرمنشأ خود را در عهدعتیق دارد (خروج ۲۳:۱۲؛ حزق ۴:۹) و به تدهینی فقط بر پیشانی متعلق می‌باشد. دومین و سومین مورد اساس کتاب مقدسی خود را در تجسمی که پولس از آن استفاده کرده (روم ۱۳:۱۲؛ ۱-قرن ۹:۲۴-۲۷) دارد، اما آنها الزاماً به یونانی-رومی تعلق دارند تا به محیطی یهودی. برای هر دوی آنها، تدهین کامل اندام مناسب می‌باشد. شاید قدری بیشتر در حاشیه، در پشت این جنبه‌های حفاظت کننده روغن، همان نبرد روحانی قرار دارد که در تثنیه باب ۲۰ آمده، و آفراهاات در متن تعمیدی در استدلال هفتم خود آورده است.

بنابراین روشمای روغن بر پیشانی معرف دو دسته مراجع کاملاً متفاوت است که هر دو انجیلی می‌باشند. این از یک طرف نشان می‌دهد، که همان طور که در فصل گذشته دیدیم، مسح پادشاهان، کاهنان و انبیا بر حسب تلمود با گذاردن علامت Chi انجام می‌شد (به کلامی دیگر، حرف  $\chi$  صلیبی شکل (تائو) در رسم الخط عبری باستان). از طرفی دیگر به شرح گذر در خروج باب ۱۲ مربوط است، و به نشانه گذاری بر سر در منازل با خون، همراه با علامت گذاری پیشانی مؤمنین اسرائیل با حرف  $\chi$  (حزقیال باب ۹). در تمام این عبارات علامت در عین این که حفاظت کننده است نشانه ای از هویت یا مالکیت نیز می‌باشد

این زمینه در خروج ۱۲ و حزقیال ۹ هرگز در هیچ یک از مراسم تعمیدی عنوان نشده، اما عبارات آن به طور وضوح در مخیله چندین مفسر بوده است. نارسای به طور خاص، در مورد جنبه حفاظتی روشما تأمل می کند.

کشیش سه نام (تثلیث اقدس) همانند زره ای بر چهره او رسم می کند تا آن جبار تصویر الهی را بر سر او رؤیت نماید. دلیل این نشانه بر پیشانی این است که موجب سردرگمی شیاطین شود: وقتی که آنها این نشانه را بر سر او ببینند از پای درخواهند آمد... آنها بر روی پیشانی مهر روحانی را که در برابر فرشتگان و آدمیان درخشان هستند دریافت می کنند... شیاطین علامت نام خدا را بر پیشانی انسان می بینند و از برابر او عقب می نشینند، نام الوهیت از نشانی که بر پیشانی اوست بیرون می زند، و چشمان آن حيله گر از نگریستن بر آن شرم دارد.

رفرانس صریح به کتاب خروج باب ۱۲ به طور منظم در تفسیرهای مفسرین سریانی ارتدکس بعدها یافت می شود، چنان که جورج، اسقف اعراب، می گوید: این حقیقت که او بر پیشانی اش علامت دارد نشان می دهد که او در ظاهر برای همه شیاطین در تمام اوقات، وحشت آور جلوه خواهد کرد، همان گونه که در مصر بود، که هلاک کننده از نزدیک شدن به آن درهایی که علامت صلیب بر آنها کشیده شده بود وحشت داشت.

تعدادی از این مفسرین بعدی اظهار می دارند که یکی از دلایل تدهین بعد از تعمید با بیرون این بوده که «تعمید یا بنده در نظر شیاطین ترسناک باشد و به کمک آنها متکی نگردد» - نمونه خوب دیگری از این که چگونه تدهین بعد از تعمید صفات ویژه ای را به خود جذب می کند که در اصل به روشمای قبل از تعمید تعلق داشته اند.

جایگاه بسیار شاخص تر در مراسم تعمید، برای روغن در نظر گرفته می شود که به عنوان «زره» در نبرد با شیطان تلقی می گردد. دستورالعمل دو تدهین قبل از تعمید در سوروس با این گفته شروع می شود که «N علامت گذاری/تدهین می شود با روغن شادمانی تا با آن مسلح گردد بر علیه هرگونه عمل دشمن». در یعقوب مارونی، قبل از تدهین در حالت سوم به این نیایش برخورد می کنیم:

ضعفهای ما را ای خداوند، در مبارزه بر علیه شیطان قوت ببخش و به ما در برابر وسوسه های او پیروزی عطا کن. ما را به زره خود ملبس گردان تا کاذب را پس برانیم، و شیطان در برابر ما خجل شود.

و در تدهین/دستگذاری در حالت چهارم در مراسم سریانی شرقی کشیش می گوید:

باشد که تضمین روح القدس که تو دریافت کرده‌ای، رازهای مسیح که تو در آنها شراکت جسته‌ای و نشانه زنده که تو دریافت نموده‌ای، حیات تازه‌ای که به دست آورده‌ای و زره عدالت که به تن کرده‌ای تو را در برابر شیطان و قدرتهای او محافظت نمایند.

نهایتاً از خود مراسم تعمید می‌توانیم نیایشی را از بازیل ملکیت نقل کنیم، که بر روغن گفته شده است:

... باشد که روغن زرهی گردد که هر عمل تهمت زننده را با وحشت دفع کند، برای اخراج تمام قدرتهای خصم، و برای تنبیه، سوزاندن و محو نمودن همه ارواح شریر... (متن کامل این نیایش در بالا در قسمت ۲، الف آمده).

در ابتدا تعجب آور است که آفراهای اظهار می‌دارد که «زره» آب را دربر کنیم، به جای «زره» روغن: «باشد که آن کسی که زره آب را دربر کرده، دیگر از آن بیرون نیاید، باشد که در مبارزه شکست نخورد». به نظر می‌رسد دلیل این تبدیل در محبوبیت منظره حوضچه آب تعمید یا کوره آتش باشد. «من به سرچشمه رود اردن نرفتم تا زرهی برای خود بردارم، بلکه تا در کوره آهنگری، زرهی مهیب برای جنگجویان بسازم» این مطلبی است که یعقوب، مسیح را وادار به گفتن آن می‌نماید.

نارسای بر رابطه ما بین روغن و زره تأملی طولانی می‌کند:

روغن زرهی است که متولدین دنیوی با آن تدهین می‌یابند، تا در آن نبرد پنهانی به دام ارواح شریر نیفتند.

چنان که تا به حال دیده‌ایم، برای نارسای روغن، تأمین کننده نشانه هویت سربازان در سپاه شاه شاهان است.

نارسای همچنین از تعمید یافتگان به عنوان ورزشکارانی صحبت می‌کند که به زمین مسابقه می‌روند، اما تجسم مسابقات ورزشی را تکمیل نمی‌کند. این در Moshe bar Ke-pha به عنوان اولین دلیل برای تدهین آورده شده:

او به مسابقه ای وارد می‌شود و در یک مبارزه کشتی با شیطان درگیر می‌شود. زیرا او که به مبارزه کشتی می‌رود با روغن تدهین می‌گردد تا دستهای کسی که با او کشتی می‌گیرد از بدن او بلغزند، به همین شکل نیز تعمید یافته با روغن تدهین می‌شود تا شیاطین نتوانند او را محکم نگاه دارند.

چنین روایتی که در اصل ماهیت فرهنگی دنیای یونانی-رومی دارند برای محیط فرهنگی کلیسای اولیه سریانی یونانی نشده بیگانه بود، اما آنها یک طرف مقابلی در

تصویری از غواص مروارید که بدن خود را با روغن آلوده می کند داشتند که برای زمینه بازگانی حداقل بعضی از رشته های مسیحیت سریانی مناسب تر بود. برای اپرم تعمید یافتگان، غواصان مرواریدی هستند که قبل از فرو رفتن به اعماق به منظور جستجوی مسیح، آن مروارید، بر پیکر خود روغن می مالند:

در سمبل و در حقیقت ردپای نهنگ است که توسط انسان فناپذیر پایین آورده می شود: غواص عریان می شود و روغن به خود می مالد. به عنوان سمبلی از مسیح آنها تو را ربوده به بالا آمدند. آنها عریان شدند، و روح را از دهان تلخ او ربودند. (سرودهای ایمان ۸۲:۱۰)

معنی مضاعف "amude" «غواص» است اما همچنین به معنی «مقتضای تعمید»، که در این جا، بار دیگر در یکی از سرودهای تجلی خداوند یافت می شود: غواص هم از دریا مروارید بالا می آورد.

(در تعمید) فرو می رود و

آن پاکی را که در آن جا پنهان است از آب می گیرد-

مرواریدی را که با تاج الوهیت وفق داده شده. (سرودهای تجلی ۷:۱۸)

اپرم در سرودی دیگر که در آن جا غواص مروارید در حاشیه قرار دارد، نقش مترادف روغن (meshha) و مسیح (mshiha) را روشن می کند:

روغن در محبت خود، تعمید یافته را در نیازش همراهی می کند، هنگامی که، حیاتش را خوار می شمارد، او به عمق آبها فرو می رود و خود را مدفون می سازد: روغن به دلیل طبیعتش نمی تواند بمیرد، باوجود این خود را بر اندامی فناپذیر می پوشاند، او تعمید یافته و همانند گنجی از حیات از آب برخاسته است، برای نژاد آدم. (سرودهای بکارت ۷:۱۰)

### (III) شفا دادن و تطهیر

این دو دیدگاه با یکدیگر و با روغن تدهین قبل از تعمید مربوط می باشند. در هر دو صورت هدفی که شفا می یابد یا تطهیر می گردد گناه است.

در کتاب اعمال توماس هنگامی که یهودا روغن را بر سر Mygdonia می ریزد این طور نیایش می کند:

او را از زخمهای کهنه اش شفا ده، تلخی را از او بشوی و ضعفهایش را به قدرت تبدیل گردان.



در سنتی متداول، به هر حال، ممکن است شفا گاهی اوقات فیزیکی و گاهی روحانی باشد. یعقوب سروق در موعظه ای مشهور در مورد تعمید کنستانتین، شرح می دهد که چگونه کنستانتین با لکه ای جذامی در چهره اش متولد شد که هیچ پزشکی نمی توانست آن را معالجه کند. کشیشی که او را برای تعمید آماده می کند به او می گوید:

«قبل از این که تعمید یابی، تو را با روغن تطهیر خواهم کرد.»<sup>۲۱</sup>

و بنابراین کشیش دستور می دهد که روغن تدهین را بیاورند.

او دهان خود را باز کرده با او سخن گفت:

«تو توسط این روغن که با آن تو را تدهین می کنم، تطهیر خواهی شد

و این جذام ناپاک را به درون حوضچه تعمید نخواهی برد.»

کشیش شروع به تدهین پادشاه می کند، که پراز ناپاکی است،

و جذام از او دور می شود، اعجابی عظیم برای دیدگان او.

در سنت سریانی که یکی از عناوین رایج برای مسیح «طیب نیکو» بوده است، تعجب آور نیست که بینیم گناه مکرراً به صورت مرض توصیف شده. در کتاب «استدلال هفتم» آفرهات و سرود ۳۴ ابرم، در مجموعه نصیبین نمونه های قابل توجهی از راههایی که در آنها می توان این تجسم را بسط داد وجود دارد. زیرا در نظر نارسای این کشیش است که به عنوان «طیب» در تعمید عمل می کند هنگامی که متقاضی را تدهین می نماید. این عبارات دلپسند سزاوار نقل قول کامل هستند:

کشیش همانند یک پزشک، نسبت به اجزاء جسم عمل می کند سطح بیرونی را لمس می نماید و موجب می شود که احساس به قسمت های مخفی نفوذ کند. داروی هنر خود را در مورد جسم و روح او به کار می گیرد، «بیماری های آشکار و هم پنهان را با قدرت الهی شفا می بخشد. او دارو را که به دستهای او داده شده به شیوه ای الهی مخلوط می کند، و با قدرت هر نوع بیماری را بدون درماندگی شفا می بخشد. او درب کلیسای مقدس را به مانند یک داروخانه باز می کند. و بر زخم های خدمتگزاران همدوش خود مرهم می نهد. با نشانه بیرونی امراض نهفته را لمس می کند و داروی روح القدس را با سمبلی از آب بر آنها می نهد.

در مراسم سریانی شرقی مسیح با عنوان «شفا دهنده جانهای ما...» که توسط داروی کلامش زخم های ما را درمان می نماید و امراض ما را شفا می بخشد» خطاب شده است. به همین گونه در مراسم سریانی غربی نیز برخی تجسم پزشکی وجود دارد، که گاه در ارتباط مستقیم با روغن می باشند. در مناجات گروهی مارونیت برای روغن نیز می یابیم:

باشد که خدا نور پرشکوه، عالی و پنهان خود را در این روغن ساکن گرداند و از آنها امراض و بیماریهای آشکار و پنهان را دور سازد.  
در تیموتی ارتدکس سریانی کشیش خدا را این گونه خطاب می کند:

ای پدر ما، و پدر ابراهیم، اسحاق و یعقوب، ای خدای پدران ما، پسر خود عیسی مسیح را جلال ده با معجزات و اعمال عجیب، و با قدرت شفای هرگونه بیماری، هم آشکار و هم مخفی، بیماری روح و بیماری جسم، توسط نزول روح قدوس و زنده خود به درون این آب...

توانایی روغن برای چرب و تطهیر نمودن به کیفیت شفا بخش آن وابسته است.  
روغن، چشمه سودمند، جسم را که چشمه امراض است، همراهی می کند زیرا روغن گناهان را پاک می سازد، همان گونه که سیل ناپاکیها را از بین می برد، زیرا سیل که به عدالت رفتار نمود تمام شیرین را محو کرد. آنها را که بر هوسهای خود غلبه ننموده سیل را به وجود آورده بودند غرق نمود. اما روغن، که در نیکویی عمل می کند، گناهان را در تعمید پاک می سازد. زیرا گناه در آب غرق شده و دیگر نمی تواند با تمام امیالش زیست کند.

در خاتمه نیایشی در مراسم سریانی شرقی که قبلاً نیز نقل شد، خاصیت پاک کنندگی و شفا بخشی روغن مربوط شده است به:

ستایش بر تو که با نهادن روغن و آب بر زخمهای ما جسم ما را شفا دادی، توسط روح القدس چرک گناه را با یک اسفنج از روح ما زدودی.  
این عبارت آشکارا به آنچه در نارسای می باشد مربوط است، گرچه مشخص نیست که کدام یک مشتق از دیگری است:

او تمایل داشت چرک<sup>۲۲</sup> شرارت را از انسان فانی بزدايد، و فیض الهی او اسفنج روح القدس را به دست جسم ما داد.

در عبارتی دیگر نارسای مجدداً از چرک (یا زنگار) صحبت می کند، ولی این بار ایده رنگ را نیز به میان می کشد:

زنگار امیال، زیبایی عالی ما را بدنما ساخته، او بار دیگر آمد و ما را با رنگهای روحانی که هرگز زدوده نمی شود ملون ساخت. او با تردستی برای تازگی مجدد نژاد ما رنگها را با روغن و آب و با قدرت نامرئی روح القدس در هم آمیخت.

اپرم در سرود زیبای تعمید، شماره ۷، در مجموعه بکارت، روشمای قبل از تعمید را به عنوان رنگ آمیزی با روغنها، روغنی که چهره مسیح را آشکار می سازد، توصیف می کند

و با این کار «چهره خدا» را که آدم مخدوش نموده بود، احیا می سازد.  
 چهره ای شاهانه با رنگهای مرئی،  
 و چهره مخفی پادشاه پنهان ما با روغنی مرئی نقاشی شده،  
 برای آنهایی که علامتگذاری شده اند: در آنها تعمید،  
 که در رحم با آنها در درد زه است،  
 چهره ای جدید را نمایش می دهد، تا تصویر آدم قبلی را که فاسد  
 شده بود جایگزین سازد، به آنها با دردهای سه گانه تولد می بخشد  
 همراه با سه نام پرشکوه، پدر، پسر و روح القدس.

همکاری مابین روغن و آب در این روند دوباره سازی «چهره» در توصیف اپرم بسیار  
 نزدیک دیده می شود. نارسای نیز از همین طرح در موردی دیگر استفاده می کند اما بدون  
 اشاره به روغن که در سطح آب همانند پرده نقاشی عمل می کند:  
 خدا به کشیشان، هنری روحانی آموخت  
 و آنها به نشان دهنده صورت حیات در لوح آب تبدیل شدند.  
 این تجسم با وجودی که در متون آیین نیایشی استفاده نشده، اما توسط برخی از مفسرین  
 برداشته شده که به تقدیس در مرحله اول اشاره دارند، بدون روغن. آنها در این جا لحنی  
 نسبتاً متفاوت دارند:

او قبل از هر چیز او را مهر می زند، بدون روغن. این درست هنگامی است که نقاش به  
 چهره ای کهنه و مخدوش شده می رسد. در ابتدا آن را جلا داده و علائم مرور زمان را  
 از آن می زداید، سپس آن را رنگ می زند و تزیین می کند. زیرا اگر قبل از شستن و  
 پاک کردن آن را رنگ بزند، آن نقاشی خراب خواهد شد. به همین گونه هنگامی که  
 کشیش به سوی تعمید گیرنده می آید، که پیر و به گناه آلوده شده، ابتدا او را با  
 صلیب بدون روغن مهر می زند، و بدین گونه علائم مرور زمان را از او می زداید و  
 سپس با روغن بر او نشان می نهد و او را به زیبایی سابق باز می گرداند.

### ج) میرون

همان گونه که در فصل سوم دیدیم واژه میرون را در اصل حتی برای روغن در تدهین  
 قبل از تعمید به کار می بردند، اما از حدود قرن پنجم به بعد این واژه مخصوص روغنی  
 گردید که در تدهین بعد از تعمید مورد استفاده قرار می گرفت (و البته در برخی مراسم  
 دیگر) و برای ریختن بر روی آب به هنگام تقدیس آب تعمید. بدین ترتیب، استفاده از

آن محدود به سنت سریانی غربی بود.

استفاده از واژه میرون در غزل غزلها (۳:۱) در ترجمه هفتاد تنان ولی نه در پیشینا) به این تدهین رنگ تعمید به عنوان جشن نامزدی، در چشمان بعضی نویسندگان، می دهد، اما بیشتر مواقع این تدهین پاهای مسیح با میرون است (یو ۳:۱۲) که در بالاترین سطح آگاهی نویسندگان و مفسرین قرار دارد. در واقع طبق یک خطابه تعمید که به آناناسیوس نسبت داده شده، میرون موجب می شود که یک تعمید یافته، در تدهینی که مسیح بر جسم خود دریافت کرد «سهیم» گردد، و در نتیجه به «شریکی در جسم مسیح» تبدیل شود (تفسیر افس ۶:۳)، و «سهیم در خون او». یعقوب سروق در موعظه اش درباره تدهین پای مسیح از این رویداد ضمنی به عنوان نمونه ای از تعمید مسیحیان صحبت می نماید و شرح می دهد که چگونه مسیح خود روغن را با بوی خوش مهیا آغشته می سازد.

طبیعت پیچیده میرون، که از روغن زیتون همراه با ادویه جات خوشبو است نقش مهمی در طرز فکر مفسرین اولیه، منجمله یعقوب اهل ادسا، و جورج (اسقف اعراب) ایفا می نموده. اینها تأکید داشتند که «ترکیب» میرون از روغن زیتون و ادویه جات خوشبو به طور سمبلیک نشان دهنده مسیح تن گرفته است که خود اتحادی است از «ترکیب» طبیعت انسانی و طبیعت الهی (به پیروی از واژه نگاری تکمیل یافته ارتدکس سریانی توسط سوروس، بر پایه آثار سیریل اهل اسکندریه). این تفسیر را مفسرین تا حدود اواخر قرن سیزدهم مرتباً تکرار می کردند تا زمانی که رسم قبطیها در استفاده از انواع ادویه جات در آن مرسوم گشت.

برطبق نامه ای که سوروس به یوحنا سرباز نوشته، میرون «به کمال رساننده عطایای روح القدس» است و این درک اصولی نیز در متن دستورالعمل اصلی در تدهین بعد از تعمید بازتاب یافته («با میرون مقدس، بوی خوش مسیح، نشانه ایمان حقیقی و کامل کننده عطایای روح القدس، N نشان دار گشته است...») و در تفسیرهای بعدی نیز منعکس گردیده است. در این نامه سوروس در واقع از میرون به عنوان سمبل روح القدس یاد می کند، اما اکثر نویسندگان آن را ترجیحاً به عنوان یاد آورنده و سمبل مسیح می نگرند.

در متون آیین نیایشی و نیز در تفسیرها میرون به عنوان عطا کننده «نشانه» (tab'a) یا «مهر» (hatma) توصیف شده است. در رساله های اولیه درباره میرون، به هر حال در آثار John of the Sedre، یعقوب اهل ادسا و جورج (اسقف اعراب) از «نشانه» میرون به طرز حیرت آوری به عنوان rushma نیز یاد شده، و آنها آن را بخشنده بسیاری از چیزهایی

می بینند که تدهین قبل از تعمید انطاکیه باستان بخشیده است - فرزندخواندگی، نشانه مالکیت در گله مسیح، حفاظت و غیره. بنابراین پاتریارک جان می نویسد:

با نشانه گذاری توسط این روغن مقدس، ما به عنوان پسران پدر آسمانی ثبت می شویم، توسط این نشانه یا علامت این روغن آسمانی ما به گوسفندان مسیح تبدیل می گردیم، به کهانتی ملوکانه (۱ - پطرس ۲: ۹) ... ما در برابر تهمت زنده و دشمن تقویت شده ... از بردگی گناه آزاد می گردیم.

همین طور یعقوب اهل ادسا اظهار نظر می کند که:

این روغن مقدس آغازگر طریق آسمانی، و نردبانی است که ما را به آسمان می رساند، زرهی بر علیه قدرتهای خصم، علامت (tab'a) غیرقابل محو پادشاه، علامت (ata) که از آتش نجات می دهد، حافظ ایمان، مسبب فرار شیاطین، و موجب شادی برای فرشتگان. ما باید از مسیح استدعا نماییم که آن را به عنوان اسلحه ای قدرتمند تعیین کند، شکست ناپذیر بر علیه اعمال شیاطین و انسانهای شرور. و همه کسانی که با آن علامتگذاری می شوند از اسارت گناه آزاد شده جزء گله الهی محسوب می گردند.

این موضوع کاملاً آشکار می سازد که تدهین بعد از تعمید همان اهمیت روشمائی قدیمی قبل از تعمید را داشته است، آن را تکرار و هم جایگزین می نموده. علاوه بر این از نیایشهایی سرچشمه گرفته که در رابطه با میرون در سه مراسم سریانی غربی می باشند، که در آنها حضور موضوعاتی مانند کهانت و حفاظت را می یابیم که در اصل به rushma تعلق داشته اند. به نظر می رسد چندین عنصر جدید منجمله ایده های به کمال رساندن، رایحه و عطر خوشبو، و اتحاد (افس ۳: ۴) بعداً اضافه شده باشند.

### ۳- نیایش استدعا برای کاندیداهای تعمید

یک نیایش طلب نزول روح القدس که مشخصاً برای نزول روح القدس بر متقاضیان تعمید درخواست می شود در تمام مراسم سریانی غربی یافت می شود، اما در مراسم سریانی شرقی حضور ندارد. به طور معمول این نیایشها در رابطه نزدیکی با تدهین در حالت دوم می باشند. بنابراین یعقوب مارونی نیایشی بر کاندیداهای، بلافاصله پس از دادن rushma، به ما ارائه می دهد:

باشد که روح زنده و قدوس تو بیاید، ای خداوند، و بر بالای سر این خادم تو قرار گرفته و در او ساکن گردد، و باشد که با نام تو، ای پدر زنده، و در نام تنها پسر مولودت، روح قدوست، و Paraclete (شفیع) که بخشودگی گناهان را به همراه

می آورد، نشان یابد.

نیایش طلب نزول روح القدس بر کاندیدها در تیموتی، در نیایشی می آید که بلافاصله بعد از rushma انجام می شود و مضمون آن چنین است:

ای خدای قادر مطلق، پادشاه قدرتها، که تنها تو در تمام ادوار نیکو هستی، و نجات دهنده تمامی بشریت می باشی، ما به تو نیایش می کنیم، ای خداوند، روح القدس بخشاینده خود را بر سر این خادمینت که برای تعمیم مقدس آماده شده اند بفرست، و به آنها قدرت و درایت ببخش، دانش و درک عطا کن، تا بر علیه اراده شریر بایستند، باشد که کاملاً از جفاهای خصم آزاد شوند. در ایمان خود آنها را استوار ساز، و در امید خود محافظت فرما، در محبت خود آنها را مهر کن، نشان خود را بر آنها بگذار. آنها را با روح القدس خود به شباهت مسیح خود درآور، آنها را لایق تولد جدید و فسادناپذیر بگردان. و روح قدوست. باشد که ما ستایش خود را تقدیم داریم، اینک و همیشه تا ابدالآباد.

درحالی که یعقوب از نمونه قدیمی متن برای نیایش طلب نزول روح القدس استفاده می کند (باشد که روح قدوس تو بیاید)، تیموتی از متن جدیدتری (بفرست) را به کار می گیرد. همان گونه که در نمونه سوروس به طرزی نسبتاً تعجب آور در سه نیایش بر کاندیدها که اولین اینها در نیایش شکرگزاری، به دنبال Syntaxis «سلام و درود» به مسیح، تکرار شده می یابیم.

ما تو را سپاس می گوئیم، ای خداوند، که این خادم خود را لایق گردانیدی که به تعمیم مقدس بیاید و شریر را انکار نماید، با جسم و خون همراه نشود! بلکه با فیض و محبت تنها پسر مولودت، خداوند ما و خدای ما، عیسی مسیح. خوشنود باش، ای خداوند، روح قدوس خود را بر او بفرست، بر او سایه بگستران و تمام اجزاء بدن او را جستجو نما، او را قبل از هر چیز تطهیر ساخته تقدیس نما، باشد که او لایق تدهین مقدس و ایمان کامل به خداوند ما عیسی مسیح گردد، که همراه با او و روح قدوس و نیکوی تو، متبارک باشی، اکنون و تا ابدالآباد.

عبارت «قبل از هر چیز تطهیر ساخته و تقدیس نما» قدری پیچیده است زیرا به نظر می رسد که در رابطه با تفسیر مشخصه ارتدکس سریانی از پیام جبرئیل به مریم باشد که در لو ۱: ۳۵ آمده، و در فصل اول تا اندازه ای آن را لمس کردیم. همان گونه که یعقوب سروق می گوید:

روح القدس او را تقدیس کرد و سپس پسر خدا بر او سایه افکند.

نیایش کنونی به نظر می‌رسد که طالب همین تقدیس آغازین است تا مسیح بتواند بر کاندیدای تعمید به هنگام تدهین «سایه افکند»، همان‌گونه که بر مریم به هنگام دریافت نطفه «سایه افکنده» بود.

نیایش دوم طلب نزول روح القدس بر کاندیداها در سوروس یافت می‌شود، در نیایشی که *rushma* را معرفی می‌کند، با وجودی که در اصل متعلق به مراسم دستگذاری بوده است (همان طوری که در فصل چهارم (۱) به آن اشاره شد).

ای پدر قدوس، که روح القدس خود را توسط دستهای رسولان قدیست به آنانی که تعمید یافتند دادی، اینک نیز، با به کارگیری سایه دستهای من، روح القدس خود را بر آنهایی که در شرف تعمید هستند بفرست، تا با او و عطایای الهی او پر شوند، سپس میوه بیاورند، سی بار، شصت بار و یکصد بار.

تنها نیایش طلب نزول روح القدس بر کاندیداها در بازیل ملکیت همان نیایشی را به کار می‌گیرد که در سوروس آمده (در دیباچه *rushma*)، با وجودی که این مراسم، دستگذاری را در این مرحله نیز به همان خوبی حفظ می‌نماید.

سومین نیایش طلب نزول روح القدس در سوروس درست در آخر نیایش طولانی تقدیس آب در مرحله ای می‌آید که قسمت مترادف آن در نیایش بازیل ملکیت نیایش طلب نزول روح القدس بر آب است روند متن نیایش بر کاندیداها، در سوروس چنین است:

تو ترتیب برقراری تعمید را روی زمین دادی، و روح القدس خود را به شکل کبوتری بر تنها پسر مولودت فرستادی، تو ای خدای کلمه، آبهای رود اردن را تقدیس نمودی. اینک نیز خداوندا، خوشنود باش تا سبب سایه گستردن روح القدس خود بر این خادمین خود که اینک در شرف تعمید یافتن هستند باشی. آنها را کامل بگردان و به عنوان همکاران مسیح خود منصوب فرما، با شستشویت که به آنها نجات می‌دهد آنها را مطهر بگردان تا بتوانند به طرز شکوهمندانه ای تازه شده با قدرت و فیض تو پر شوند، باشد که ودیعه نجات تو را حفظ نموده برای فسادناپذیری و حیاتی پر برکت آماده گردند، باشد که آنها در چیزهای نیکوی آسمان که تو به آنها می‌دهی که از آنان خشنود هستی وعده داده ای شراکت داشته باشند. در فیض و محبت صمیمانه مسیح تو، همراه با او جلال سزاوار توست، همراه با روح القدس که عالی مرتبه و دهنده حیات و هم ذات با توست، اکنون و تا ابدالآباد.

باز هم متوجه خواهید بود که فعل «سایه گستردن» به کار گرفته شده، بنابراین اشاره ای

مترادف است با اعلام خبر خوش (به فصل هفتم در ذیل مراجعه کنید).

درحالی که آیین نیایش راز نان و جام به طور معمول درخواست آمدن و یا نزول روح القدس «بر ما» و نیز بر نان و شراب است، در مراسم تعمید چنین الحاقی در نیایشهای مختلفه در تبرک آب تعمید مشاهده نمی شوند. به هر حال یک استثنای آشکار در این جا وجود دارد و آن در نیایشی است که در بعضی از متون سوروس یافت می شود:

ای خدا، پدر قادر مطلق بر ما ترحم فرما، بر ما و بر این آب که اینک تقدیس می گردد، از مسکن خود که آماده شده، از بطن بی نهایت خود Paraclete، روح قدوس خود، بنا کننده، خداوند، و دهنده حیات را بفرست، که در شریعت و در انبیا و در رسولان صحبت نمود و همه جا در دسترس است، که همه چیز را پر می سازد. مقتدرانه عمل می کند، و نه همانند یک روحانی - فقط با آنهایی که تمایل دارد - توسط اراده نیکوی تو. که در ذات ساده و در عمل متنوع است، سر منشأ عطایای الهی، که هم ذات است با تو، که از تو صادر می شود، که با تو در تخت ملکوت که به تو و تنها پسر مولودت، خداوند ما و خدای ما و نجات دهنده ما عیسی مسیح تعلق دارد برابر است.

بررسی روایت نوشته شده نشان می دهد که این نیایش به هیچ وجه به نیایش طولانی تقدیس تعلق ندارد اما به عنوان قسمتی از روند ازدیاد نیایشها که ما در بالا بررسی نموده ایم، در آن گنجانیده شده است. در واقع این نیایش از آنافورا یا نیایش بزرگداشت مرقس قدیس است و بنابراین اصالت نیایشی راز نان و جام آن توضیح دهنده حضور عجیب کلمات «بر ما» می باشد.

نهایتاً در این قسمت می باید به یکی دیگر از نیایشهای طلب نزول روح القدس که در سوروس یافت می شود اشاره نمود، که در آن کشیش طلب نزول روح القدس بر خودش می کند. این در نیایشی روی می دهد که برای خود کشیش و بلافاصله پس از تقدیس در حالت اول صورت می گیرد:

ای خداوند خدای قادر مطلق، که افکار انسانها را می دانی و قلب و عنان ما را بررسی می کنی، گرچه من بیچاره و نالایق هستم، معهداً تو با شفقت مرا به این خدمت روحانی فراخوانده ای، بنابراین، ای خداوند، از من بیزار مباش و روی خود را از من مگردان، خطایای مرا محو ساز، آرایش جسم مرا بشوی، روح مرا از ناپاکیها پاک ساز و مرا مقدس بگردان، باشد که دیگر برده گناه نباشم زیرا در نام گله باوفای تو صحبت کرده درخواست بخشایش بر گناهان آنان دارم، باشد که خادم حقیر تو با شرمندگی برگردانده نشود، خداوند، روح القدس خود را بر من بفرست تا مرا تقویت فرماید که



بتوانم این تقدیس آسمانی عظیم را به انجام رسانم.

## یادداشت‌های فصل ۵

- ۱- یا «تقدیس کردن»، واژه سریانی qaddesh هر دو واژه انگلیسی را دربر می‌گیرد.
- ۲- نیایش طلب نزول روح القدس هنوز هم خطاب به مسیح است در مراسم کوتاه و باستانی ملکیت.
- ۳- به فصل دوم یعقوب سروق مراجعه شود. جالب توجه در این رابطه «آتش تقدیس کننده است که از بالا می‌آید و مابین او قربانی تقدیمی تفاوت قایل می‌شود که کدام یک بهتر است... که آتش بر فراز قربانی سوختنی که هابیل تقدیم کرده بود باقی می‌ماند.
- ۴- برای زمینه واژه «معلق ماندن» و «جنبش خوردن» به قسمت ۵، VII مراجعه شود.
- ۵- در واقع همان گونه که نویسنده‌ای محترم مثل افراعات می‌تواند بگوید «در سن سی سالگی مسیح برای تعمید به کنار رود اردن آمد و روح القدس را دریافت نمود و برای موعظه بیرون رفت». افراعات در واقع تعمید او را شروعی بر تعالیم روحانی علنی عیسی می‌بیند.
- ۶- نویسندگان متأخر سریانی یعقوب سروق به طور مثال تعمید را به عنوان «آب‌های راحت» خطاب می‌کند.
- ۷- آیه مهم دیگری از انجیل مت ۲۵:۳۳ می‌باشد.
- ۸- قدری دیرتر در جمله‌ای می‌گوید «توسط برخاستن از آب، من اندیشیدم که به عنوان نمونه از مرگ برخاسته‌ام».
- ۹- این تفسیر را چند نویسنده سریانی غربی جذب کرده بودند (مخصوصاً یعقوب سروق در موعظه‌هایش درباره پیدایش. (یعقوب در مدرسه ایرانی تعلیم یافته بود).
- ۱۰- به اعماق در دعای دفع شریر در سوروس هم اشاره شده.
- ۱۱- در جایی یعقوب می‌گوید که بطن تعمید قبلاً توسط تعمید خود مسیح تقدیس شده بود) «آب‌های رود اردن) او را در بر گرفتند تا بطن آنها توسط او تقدیس شود.
- ۱۲- زیرا که توالی «بیا، سکونت کرده، آرام بگیر» مقایسه می‌شود با «بیا، آرام بگیر، و ساکن شو» در کتاب اعمال جان. متن این سه نیایش را در کتاب «مراسم کوتاه تعمید ملکیت در سریانی» به تحریر آورده‌ام.

- ۱۳- نمونه واضحی از این تفسیر را می‌توان از فیلوکسنوس از کتاب «نامه‌ای به راهبان Senun» برداشت نمود. نوشته شده که از پهلوی مسیح «خون و آب بیرون آمد». تعمید و خون نجات بخش. با «آب» اشاره به تعمید می‌شود و با «خون» به رازهای مقدس که ما را از گناه پاک می‌سازد وقتی که مرتباً در آنها شریک شویم.
- ۱۴- نیزه‌ای که بهشت را دوباره گشود: نوشته‌ای اسرارآمیز از پدران اولیه سربانی.
- ۱۵- سربانی قدیمی متأسفانه ناپدید شده برای یو ۱۹:۳۴، پشیتا از Lukita برای واژه اسلحه «نیزه» dopna «پهلوی» و mha «زدن» استفاده می‌کند. احتمال دارد که سربانی قدیمی از واژه rumha «شمشیر» و Setra «پهلوی» استفاده می‌نمودند.
- ۱۶- جسد آدم در محل معبد دفن شده و از روایات یهودیان کاملاً آشکاراست. روایات مسیحیان از اوریشن به بعد این محل را به تپه جلیجتا منتقل کرده‌اند.
- ۱۷- سرودهای تجلی ۱۳:۱۳. به طور گذرا به فقدان اشاره ضمنی به یوحنا ۱۹:۳۴ در تئودور و نارسای جالب است.
- ۱۸- همچنین در رابطه با راز نان و جام، جمله «تضمین رستاخیز» توسط افرم استفاده شده در رابطه با برگ زیتون که کبوتر در سیل به منقار گرفت.
- ۱۹- «N» نشانه گذاری می‌شود به عنوان بره‌ای جدید در گله مسیح، این دستورالعمل در تدهین (با روغن) در حالت دوم هیچ نشانه‌ای از شبانی ندارد.
- ۲۰- به ورزشکاران، اما بدون اشاره به روغن و کشتی گرفتن.
- ۲۱- روغن در این جا به منزله آرام کننده بلکه برنده آمده.
- ۲۲- واژه ترجمه شده به عنوان «چرک» می‌تواند «زنگار» نیز ترجمه شود. اما این به نظر غیر محتمل می‌رسد در این رابطه به احتمال بسیار زیاد اشاره ضمنی است به سامری نیکو.

## روح القدس و راز نان و جام

همان گونه که در فصل چهارم دیدیم پدران کلیسا منظمآً جامهٔ عروسی در مت ۱۲:۲۲ را به عنوان نشانه‌ای از «ردای جلال» که در تعمید دربر کرده می‌شود و جشن عروسی را که بلافاصله از پی می‌آمد به عنوان ضیافت شام خداوند، که می‌باید جامهٔ عروسی را بدون لکه برای آن حفظ نمود، تفسیر می‌کردند.

نخست زاده خود را با جسمی پوشانید، به عنوان پرده‌ای، تا جلالش را مخفی کند.

عروس فناپذیر نیز در آن ردا می‌درخشد.

بگذارید میهمانان در ردهای خود شبیه به او شوند.

بگذارید بدنهای شما، که پوشش شما هستند، بدرخشند،

زیرا آنها به زنجیر انسانی پای بند هستند که جسمش لکه دار است،

اوه، در جشن خود لکه‌های مرا با درخشش سفید بگردان!

از یک نقطه نظر جدید غربی، که نه تنها به تعمید کودکان بلکه به یک فاصلهٔ زمانی نسبتاً طولانی مابین تعمید شایسته و تأیید و اولین مشارکت عادت دارند، ممکن است به نظر عجیب بیاید که فصلی هم دربارهٔ راز نان و جام در نوشته‌ای در نظر گرفته شود که به طور اصولی دربارهٔ نقش روح القدس در راز تعمید گردآوری شده است. به نظر شرقیها این روند کاملاً منطقی است زیرا مشارکت تازه تعمید یافته نقطهٔ اوج مراسم تعمید سریانی (یا سایر مراسم شرقی) می‌باشد، و ما بارها و بارها نویسندگانی را می‌یابیم که بر ارتباط بسیار نزدیک مابین تعمید و مشارکت در راز نان و جام تأکید کرده‌اند.

سنت نیایشی سریانی به طرز انحصاری در نیایشهای بعد از شام خداوند غنی می‌باشد، و در مراسم سریانی شرقی فقط سه نیایش حفظ شده درحالی که در اصل می‌بایستی چندین نیایش دیگر مورد استفاده بوده باشند. قطعاتی از یکی از این نیایشها در نوشته‌ای متعلق به قرن ششم به جای مانده، و توصیف دو نیایش دیگر نیز در موعظه‌های ۲۱ و ۳۲ نارسای یافت می‌شود. اما در سنت سریانی غربی، جایی که ما گشاده دستی واقعی را مشاهده می‌کنیم، بیش از هفتاد نیایش پس از شام خداوند به جای مانده، که از آنها قدری بیش از یک دوجین مورد استفاده مارونیتها و همچنین ارتدکس سریانی قرار گرفته یا می‌گیرند.

کانون تمرکز نقش روح القدس در نیایش راز نان و جام، و البته در تقدیس نان و شراب، در نیایش طلب نزول روح القدس می‌باشد. قبل از نگریستن به متون بعضی از

اینها، سودمند خواهد بود اگر مختصراً به برخی از مفاهیم گسترده عمل روح القدس، چنان که در سنت سریانی درک می شوند، توجه نماییم.

در نیایش طلب نزول روح القدس، روح القدس رابطه ای شایسته ما بین دنیای مخلوق و آفریدگار به وجود می آورد، نان و شراب به عنوان «میوه زمین و عمل دست بشر» به بدن و خون نجات بخش مسیح تبدیل می شود. آنچه ما در این جا می بینیم الگوی قدرت تبدیلی روح القدس است که اشاره می کند به این که چگونه، از یک طرف، دنیای مادی می تواند تقدیس شود، و از طرف دیگر، مسیحی نیز می تواند توسط این همکاری با روح القدس تبدیل شود. در راز نان و جام مسیحیان اطمینان دارند که روح القدس بر این روابط دگرگون شده در عناصر شام خداوند تأثیر می گذارد، اما این روند تقدیس چنانچه اجازه پیشروی به درون بقیه جهان و به درون زندگی بشری بیابد، نیازمند همکاری انسان خواهد بود، همان گونه که تجسم خداوند در جسم انسانی نیز مستلزم همکاری مریم با روح القدس بود. گذشته از این، این که آیا جسم و خون می تواند به منظور تقدیس باشد یا داوری بستگی به دیدگاه فردی دارد که آن را دریافت می نماید (۱- قرن ۱۱: ۲۷-۲۹).<sup>۱</sup> اپرم می گوید «بباید در اعجاب و محبت به داوری حیات نزدیک شویم، نشان دهیم که درک می کنیم»، و پولس قدیس نیز تکرار می کند. در دهمین مجموعه سرودهای ایمان<sup>۲</sup> اپرم می کوشد نقش مضاعف نان و شراب را نشان دهد که، از بین برنده گناه ولی تقدیس کننده توبه کار است که از گناه جدا گشته است:

نان تو شخص طمعکار را که ما را خوراک خود گردانید معدوم می کند،

جام تو مرگ را که ما را می بلعد نابود می سازد.

ما تو را، ای خداوند، خورده ایم، ما تو را نوشیده ایم-

نه این که ما تو را مصرف نماییم، بلکه از طریق تو نجات خواهیم یافت.

طبیعت این داوری پیچیده در شام خداوند مترادف است با آنچه که در یو ۱۶: ۳-۲۱ توصیف شده، در آن جا این شخص مسیح نیست که داوری می کند، بلکه مردم هستند که با امتناع از ایمان آوردن به او محکومیت خود را فراهم می سازند، با توجه به این که تمام هدف از حضور او در این جهان-مقدم بر هر چیز در راز نان و جام ادامه دارد- این است که جهان نجات داده شود. همان طوری که خواهیم دید نابودی گناه به صورت بخشایش، یکی از مطالبی است که در نیایشهای شام خداوند مرتباً تکرار می شود.

آنچه از فرد طلب می شود در اصل چشم ایمان است، که می تواند واقعیتهای پنهان را در پس روغن و آب تقدیس شده در تعمید و در پس نان و جام متبرک شده در شام

خداوند، تشخیص دهد. همان گونه که Moshe bar Kepha در صحبت از راز نان و جام و نیز از میرون اعلام می کند:

تقدیمی نان و جام و میرون منفعتی می آورد برای آنهایی که دیگر با چشم فیزیکی به چیزهایی که دیده می شوند نمی نگرند، که منظور نان و شراب است، به عبارت دیگر، کسانی که از چشمان روح استفاده می کنند، خدای کلمه را در اتحاد با نان و شراب و با روغن میرون درک نموده و مشاهده می کنند.

توسط ایمان شخص می تواند به روند تقدیس کردن اجازه دهد که لبریز گشته بیرون بریزد، گویی در ورای رسوم مذهبی است، تا دنیا نیز خود برای او یک رسم مذهبی گردد. همچنان که فیلوکسنوس می گوید: «بدون ایمان همه چیز معمولی است، اما هنگامی که ایمان می آید، حتی بی ارزشترین چیزها نیز به نظر باشکوه می آیند». می توانیم از نوشته زیبایی که اسحاق اهل نینوا به تحریر درآورده نظری کوتاه به این مطلب بیندازیم که چگونه راز نان و جام می تواند زندگی بشر را متبدل سازد:

وقتی که محبت را یافتیم، نان آسمانی را می خوریم و بدون زحمت و عاری از فرسودگی نگاه داری می شویم. نان آسمانی از آسمان نزول نموده و به جهان حیات می بخشد، این غذای فرشتگان است. کسی که محبت را یافته، در تمام اوقات مسیح را می خورد و از آن زمان به بعد جاودانی می گردد، زیرا هر کسی که از این نان بخورد تا به ابد طعم مرگ را نخواهد چشید. متبارک باد کسی که از این نان محبت که عیسی می باشد خورده است! کسی که با محبت تغذیه شده با مسیح تغذیه شده، که خدای مسلط بر هر چیز است. یوحنا شاهد است که می گوید: «خدا محبت است» (۱- یو ۴:۱۶). آن که در محبت زیست می کند در این جهان در حیات، از خدا تنفس می کند، او در این جا هوای رستاخیز را که در آن عادلان در رستاخیز شادی خواهند کرد استشمام می نماید. محبت ملکوتی است که خداوند ما از آن صحبت کرد هنگامی که به طور سمبلیک به رسولانش وعده داد که در ملکوت او خواهند خورد: «شما بر سر میز در ملکوت من خواهید خورد و خواهید نوشید» (لو ۲۲:۳۰). آنها چه خواهند خورد، به جز محبت؟ محبت کافی است که به جای غذا و نوشابه انسان را تغذیه نماید. این شرابی است که قلب انسان را شاد می کند (مز ۱۰۴:۱۵). متبارک باد آن که از این شراب نوشیده است. این همان شرابی است که شهوت پرستان از آن نوشیده و پاکدامن شده اند، گناهکاران نوشیده و راههای خطا را فراموش کرده اند، می پرستان نوشیده و پرهیزکار گشته اند، اغنیا به مشتاقان فقر تبدیل شده اند، فقرا در

امید غنی شده اند، متزلزلان قوی گشته و احمقان به خردمندان تبدیل شده اند. با این مقدمه کوتاه اینک رو به سوی شکل واقعی نیایش راز نان و جام در برخی از انواع نیایشهای بعد از شام خداوند می آوریم. ما در فصل گذشته این فرصت را داشته ایم که نیایش طلب نزول روح القدس را به صورت نقطه نظر کاملاً رسمی بررسی کنیم، و دیده ایم که آن نیایشها را می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد، آنهایی که به صورت «بیا» معرفی شدند و آنها که به صورت «بفرست». در دسته نخست روح القدس همیشه فاعل فعل (یا فعلها) تقدیس است، درحالی که در دسته بعدی فاعل می تواند پدر و یا روح القدس باشد، برحسب این که از چه نوع ساختاری استفاده شده است.

وضعیت در آیینهای نیایشی راز نان و جام چگونه است؟ بررسی فرمهای مختلف نیایشهای آنها این امکان را برای ما فراهم می آورد که به دقت ببینیم که از روح چه درخواستی شده و با چه پایانی<sup>۳</sup>.

در نیایش بزرگداشت در سریانی شرقی نیایش طلب نزول روح القدس با کلمات «باشد که روح القدس بیاید» شروع می شود:

آدای و ماری (Addai and Mari) باشد که روح القدس تو بیاید و بر این تقدیمی خادمین تو قرار گیرد، آن را متبارک ساخته و مقدس گرداند تا خداوندا، از بهر ما، مایه بخشایش خطاها و زدودن گناهان، امید عظیم رستاخیز مردگان و حیات نوین در ملکوت آسمانی گردد، به همراه همه آنانی که تو را خوشنود داشته اند.

تئودور (Theodore): باشد که فیض روح القدس بیاید و ساکن گردد و بر این نان و این جام سایه گستراند، متبارک سازد، تقدیس نماید و آنها را در نام پدر، پسر و روح القدس مَهر کند. باشد که این نان از طریق قدرت نام تو، به جسم قدوس خداوند ما عیسی مسیح تبدیل گردد، و این جام خون گرانبهای خداوند ما عیسی مسیح شود، و برای تمام آنهایی که از این نان می خورند و از این جام، درحقیقت ایمان، می نوشند ای خداوند، مایه بخشایش خطاها و زدودن گناهان و امید بزرگ رستاخیز مردگان گردد، به جهت نجات جسم و روح، و حیات و جلال ابدی. و همه ما را توسط فیض خداوند ما عیسی مسیح لایق شادی در ملکوت آسمان و چیزهای نیکو که می آیند و در نخواهند گذشت گردان. به همراه همه آنانی که تو را خوشنود داشته و برحسب فرامین تو زیست نموده اند.

نستوریوس (Nestorius): باشد که فیض روح القدس بیاید، ای خداوند، ساکن شده بر این قربانی که به تو تقدیم می داریم قرار گیرد و آن را برکت داده تقدیس نماید، و این

نان و این جام را به جسم و خون خداوند ما عیسی مسیح تبدیل گردانند، آنها را توسط عمل روح القدس عوض کرده تقدیس نماید، تا دریافت این رازهای پرشکوه و مقدس برای همه کسانی باشد که در این رازها به جهت دریافت حیات و رستخیز از مرگ شرکت جسته اند، به جهت بخشایش جسم و روح، برای منورگشتن ذهن، برای اعتماد در برابر تو، و برای آن نجات ابدی که تو به وسیله خداوندمان عیسی مسیح به ما وعده داده ای، تا ما در یک جمع، در یک پیوند محبت و صلح به یکدیگر پیوسته و یک جسم و یک روح باشیم، همان گونه که دعوت شده ایم در آن یک امید خوانده شدن، باشد که هیچ کس در محکومیت جسم و روح خود نخورد و نیاشامد، باشد که به دلتنگی و بیماری به لحاظ گناهان، خوردن از این نان و نوشیدن از این جام به طریقی ناشایسته، منتج نشود. باشد که در همه چیز که تو را خوشنود می سازد تقویت و استوار گردیم، با توجه به این که ما لایق شمرده شده ایم تا در بدن و خون مسیح تو با وجدانی پاک شریک گردیم.

به دو نکته گذرا اشاره می شود: اولاً همانند مراسم تعمید سریانی شرقی، در این جا نیز تأکید زیادی بر رستخیز نهاده شده است، ثانیاً این نیایشها در مقایسه با حالت معمول در نیایشهای راز نان و جام در سریانی غربی فاقد کلمات (باشد که روح القدس تو بیاید) بر ما (همان گونه که بر نان و شراب)، می باشند.

همین طرح که از فعل «بیا» (در نیایش پس از شام خداوند یونانی که فقط در باسیل یافت می شود) استفاده می کند در بعضی از نیایشهای پس از شام خداوند سریانی غربی نیز به چشم می خورد، مخصوصاً در "sharrar" مارونیت (که ارتباط زیادی با نیایشهای پس از شام خداوند سریانی شرقی دارد) و در نیایشهای سریانی شرقی پس از مراسم نان و جام که به یعقوب سروق (۱)، بازیل، یوستاریوس و گریگوری یوحنا، Dioscorus Gzarta و سایرین منسوب است. برای نمونه:

Sharrar: مرا بشنوای خداوند، و به من جواب بده. خداوندا، به من جواب بده. خداوندا، باشد که روح قدوس و زنده تو بیاید، ساکن شده بر این تقدیمی خادمین تو قرار گیرد، باشد که بر آنهایی که در آن شریک می شوند برای بخشوده شدن خطاها و بخشایش گناهان، برای رستخیزی متبارک از مرگ و برای حیات نوین در ملکوت آسمان باشد.

یعقوب سروق ۱: بله، ای خداوند خدای قادر مطلق، ما به تو التماس می کنیم، بر ما ترحم فرما، باشد که دروازه های رفیع گشوده شوند، باشد که روح القدس تو بیاید، او

که با تو و با تنها پسر مولودت هم ذات است. باشد که او سایه گستراند و بر فراز ما قرار گیرد، در ما و نیز بر این هدایا که تقدیم شده بماند و آنها را عوض کند، نان را به عنوان بدن گرانبهای خداوند ما عیسی مسیح و این جان را به عنوان خون زنده خداوند ما عیسی مسیح مقرر دارد، آمین. باشد که او آنها را یک جسم و خون بگرداند، یک چیز منفرد، مقدس و لایق، متعلق به خداوند ما، تا هنگامی که با روحها و بدنهای ما مخلوط می شود برای ما باشد و برای آنانی که آن را دریافت می دارند، به جهت رشد در ایمان به تو، برای زدودن لکه ها. باشد که توسط آن گناهکاران بخشوده شوند و توبه کاران تقدیس گردند، خطا کاران به راستی گرایند و پراکنده شدگان برگردانیده شوند. باشد که آنهایی که پراز خشم نسبت به دیگران هستند توسط آن آشتی داده شوند و آنها که سرشار از دلتنگی اند آرام گیرند. باشد که آنهایی که خشن هستند توسط آن صلح جو شوند، باشد که عزاداران شادی دریافت کنند، و ماتمیان آرامش یابند. باشد که توسط آن آنهایی که تحت فشارند تسکین یابند و بیماران شفا، تا این که از همه، در همه و برای همه، ما بتوانیم به تو، و به تنها پسر مولودت و روح قدوس و نیکوی تو ستایش و شکرگزاری خود را تقدیم کنیم.

کلمه «بیا» حتی در بعضی نیایشهای جدیدتر پس از شام خداوند نیز یافت می شود، چنان که در *Diascorus Gzarta* (آخر قرن سیزدهم)، که نیایش طلب روح القدس طولانی او این گونه شروع می شود:

باشد که روح القدس بیاید، او که از طریقی مخفی از تو ای پدر صادر می شود، که از طریق انبیا صحبت کرده، و درباره فرزند تو سخن گفته است، که بر رود اردن نزول کرد و بر ما ظاهر شد به صورت کبوتری همراه با صدایی بدون جسم، که همراه با پسر محبوبت که از تو صادر شد برای ما درخشید و در درخشش تو شریک است، که به رسولان حکمت عطا کرد و به شهدا تاج بخشید، به آنها تاج جلال داد، او که بدون زمان است، که بدون انقطاع صادر می شود، که کامل کننده است، که زمان مانع او نیست، که به طریقی الهی به کمال می رساند. باشد که او با اراده پر شفقت تو بیاید و بر این رازها سایه گستراند و آنها را به کمال برساند. توسط ذات مقدس آنها، تمام افکار ناپاک روح مرا اخراج کند مرا در برابر تو پاک و بدون لکه گرداند. ای خدای پدر، باشد که او مرا و این جماعت حاضر را پاک و تطهیر نماید، ما را شایسته این رازهای مسیح خدای ما بگرداند، باشد که بدون لکه ای از گناه ظاهر شویم. در فیض و رحمانیت عظیم خود مرا بشنو، باشد که او بیاید، سایه بگستراند، بر این رازها قرار



گیرد و این نان را تبدیل نماید...

یک مشخصه قابل توجه در بعضی نیایشهای پس از شام خداوند در هم آمیختن دو نوع مختلف از کلمات است، که به وجود آورنده «روح القدس خود را بفرست... و باشد که او بیاید» می شود (یا به ترتیب معکوس). این به طور مثال در نیایشهای دیاسکوروس، ایگناتیوس باروهیبی، یعقوب اهل ادسا، یوحنا سبا<sup>۱</sup> و دیگران یافت می شود. به عنوان نمونه در این جا آنچه که به پاتریارک دیاسکوروس نسبت داده شده را ذکر می کنم:

بله، خداوندا، باشد که روح القدس تو بیاید و با فیض خود سایه افکنده، تقدیس و کامل گرداند، این هدیه را که در برابر ما قرار گرفته، و باشد که موجب پاکی برای ما شود. مؤمنین باوفای خود را از هدیه آسمانی ات محروم مساز، بلکه در فراوانی فیض خود، روح القدس خود را بر ما بفرست، باشد که او ما را با عطایای الهی خود پر سازد، همان گونه که در رود اردن بر تنها پسر مولود تو قرار گرفت، به شکل یک کبوتر، و بر رسولان قدیس به شکل زبانه های آتش. باشد که او بر ما و بر این تقدیمی ها نیز قرار گرفته ساکن گردد، تا با فیض خود، این نان را به بدن مسیح خدای ما، و مخلوط درون این جام را به خون مسیح خدای ما تبدیل گرداند، تا درحالی که از این رازهای حیات بخش شادی می کنیم، روحهای ما و جسمهای ما تقدیس شوند، باشد که آنها ما را در روز آخر به سردرگمی رهنمون نباشند، بلکه برای نجات و دفاع از ما، تا بتوانیم در برابر تو ظاهر شده و لایق فیوضات تو شناخته شویم، همراه با قدیسین پرچالالت در نور روحانی تو، در فیض، بخشش، و محبت مهربان تنها پسر مولودت، که از طریق او تو را جلال، و قدرت باد، همراه با روح قدوس و نیکوی تو.

درحالی که در نیایشهای تعمید در سریانی غربی که با فعل «فرستادن» معرفی شده اند، وجه امری اول به طور منظم توسط دومی دنبال می شود و پدر را فاعل فعل تقدیس می گرداند، این امر در نیایشهای پس از شام خداوند سریانی به ندرت و به طور خاص در آنهایی یافت می شود که منسوب به تیموتی اهل اسکندریه و سوروس هستند (در میان نیایشهای یونانی این طرح نیایش طلب نزول روح القدس در جان کریسوستوم است):

تیموتی: ای خداوند، برگرد و از آسمانهای مقدس، از جایگاه تخت ملکوت پرچالالت، از آغوش غیرقابل نفوذت، روح القدس خود را بر ما بفرست، روح القدس تغییرناپذیر، هم ذات با تو، که از تو صادر می شود، که برای الوهیت تو بیگانه نیست و نیز برای تنها پسر مولودت، خداوند خدا و نجات دهنده ما عیسی مسیح. (او را بفرست) بر ما و بر این هدایای تقدیمی، آنها را تقدیس کن تا باشد که این نان تبدیل به جسم حیات

دهنده شود، جسم آسمانی، پیکری که جسمها و روچهای ما را نجات می دهد، جسم خداوند خدا و نجات دهنده ما عیسی مسیح، برای بخشایش گناهان و حیات ابدی، همچنین محتوی این جام (باشد که تبدیل شود) به خون پیمان نوین، خون بخشنده حیات، خون آسمانی که برای روچهها و جسمهای ما نجات می آورد، خون خداوند خدا و نجات دهنده ما عیسی مسیح، برای بخشایش گناهان و حیات ابدی، عمل کن تا برای ما داوری یا محکومیت نباشد، بلکه برای تیرئه زندگی ما پس از سقوطهای مکرر، برای ازدیاد ایمان، برای دفع هر نوع عمل شریر، برای دریافت بی فساد، برای شراکت در روح القدس تو، اکنون و تا ابدآباد.

طرح معمولی در نیایش پس از شام خداوند سریانی غربی پیرو فعل امری اولیه است با یک شرط نهایی، که روح را فاعل فعل تقدیس می گرداند. محبوبیت این طرح حیرت آور نیست، زیرا این همانی است که در یونانی و در آنافورا یا نیایش بزرگداشت یعقوب قدیس نیز یافت می شود، که تأثیر فوق العاده ای بر سایر نیایشهای بزرگداشت سریانی اعمال می کرده است:

ای خدای پدر قادر مطلق بر ما ترحم فرما، بر ما و بر این تقدیمیها روح القدس خود را بفرست، خداوند و بخشنده حیات را که در تخت تو ای خدای پدر، و در ملکوت با پسر تو شریک است، که با تو هم ذات و هم ابدیت است، که در شریعت سخن گفت و در انبیا و در عهد جدید تو، که در رود اردن به شباهت کبوتر بر خداوند ما عیسی مسیح نزول کرد، و به شکل زبانه های آتش بر رسولان قدیس قرار گرفت. مرا بشنو، ای خداوند، مرا بشنو، ای خداوند، مرا بشنو، ای خداوند، و بر ما ترحم فرما تا روح القدس نزول فرموده این نان را به جسم حیات بخش تبدیل کند، جسم رهایی بخش، جسم آسمانی، جسمی که روچهها و جسمهای ما را آزاد می کند، جسم خداوند خدای ما و نجات دهنده ما عیسی مسیح، به جهت آمرزش گناهان و به جهت حیات جاودانی برای آنهایی که دریافت می کنند، (باشد که بکنند) مخلوطی که در این جام است به خون عهد جدید، خون رهایی بخش، خون دهنده حیات، خون آسمانی، که روچهها و جسمهای ما را آزاد می کند، خون خداوند خدای ما و نجات دهنده ما عیسی مسیح تبدیل گردان، به جهت آمرزش گناهان و حیات جاودان برای آنهایی که آن را دریافت می دارند، برای تقدیس روچهها و جسمها، برای میوه آوردن در اعمال نیکو، برای تقویت کلیسای قدوس تو که آن را بر صخره ایمان بنا کرده ای که درهای هاویه نمی توانند بر آن غالب آیند. تمام آنهایی را که در گمراهی هستند از کفر و از

سنگ لغزش برهان، تا به آخر جهان.

این جای مناسب تعمق بر جزئیات این نیایشها نیست، و رای جلب توجه به کنایه های خاص در بعضی از آنها به تعمید مسیح و به پنطیکاست. در عوض ما برخی از جنبه های نقش روح القدس را که در مراسم شام خداوند توسط برخی از پدران اولیه سریانی آشکار گشته و مشخصه سنت نیایشی سریانی هستند را بررسی خواهیم کرد.

کلمات این نیایشهای باستانی «باشد که روح قدوس تو بیاید و بر... این قرار گرفته ساکن گردد...»، به روشن شدن جنبه ای مهم از درک راز نان و جام در این سنت کمک می کند. روح القدس نه تنها باعث تبدیل نان و شراب به بدن و جسم مسیح می شود، بلکه خود نیز در آنها حضور دارد. چنان که اپرم در یک سرود که قبلاً نیز نقل گردید می گوید:

در نان تو، روح القدس مخفی است که خورده نمی شود،

در شراب، آتش ساکن است که نوشیده نمی شود:

روح القدس در نان تو است، و آتش در شراب تو،

اعجابی مکرر، که لبهای ما دریافت کرده است.

هنگامی که خداوند به زمین فرود آمد، به میان انسانهای فانی

او آنها را از نو آفرید در آفرینشی نوین، همانند فرشتگان،

آتش و روح را در درون آنها آمیخت،

تا به صورتی مخفی آنها از آتش و روح باشند.

توسط خاصیت «مخلوط شدن» روح القدس در آب تعمید و در نان و شراب در شام خداوند، این نمایندگان دنیای مادی نه تنها نحوه جدیدی از بقا را به خود می گیرند، بلکه به آنها توانایی داده می شود که این نحوه جدید هستی را به کسانی که در رسوم و آیین تعمید و در مراسم شام خداوند شرکت می کنند انتقال دهند. آتش روح القدس در تعمید یافتگان مخلوط شده آنها را تبدیل به موجوداتی فرشته مانند می کند، مقیمان بهشت.

ما بارها دیده ایم که چگونه تعمید را مکرراً به عنوان ورود دوباره به بهشت توصیف نموده اند، به همین گونه مراسم شام خداوند به شخص مسیحی آگاهی می دهد که از طریق عمل روح القدس، او از هم اکنون در واقع به بهشت داخل شده، در زمان تقدیس شده. بنابراین اپرم راز نان و جام را به عنوان «نان روحانی که برای همه به عقاب تبدیل می شود که به بهشت می رساند» توصیف می نماید. به علاوه اپرم از تنشهای مابین زمان آیین نیایشی و زمان معمولی آگاهی دارد، مابین آنچه هم اکنون در زمان تقدیس شده به دست

آمده، و آگاهی از این دست آورد در زمان تاریخی:

ما جسم مسیح را به عنوان میوه آن درخت بهشتی خورده ایم، و قربانگاه و جای باغ عدن را برای ما گرفته است، لعنت توسط خون معصوم او شسته شده و ما در امید رستاخیز هم اکنون در این حیات تازه قدم برمی داریم، که در آن ما از هم اکنون تضمین آن را داریم. (تفسیر دیاتسرون ۲۵:۲۱)

هدف شعرهای نیایشی بیدار کردن این آگاهی در تعمید یافتگان است که مراسم شام خداوند وسیله ای دائمی برای به وجود آوردن اتحاد دوباره آن دو زمان می باشد، که حیات در روح القدس دوباره یافتن بهشت است، که شرکت در مراسم راز نان و جام به معنی حضور در جشن عروسی مسیحایی است. بنابراین یک qolo از سرودهای روحانی در دوازدهمین یکشنبه بعد از پنطیکاست نیز همین منظره عروسی را معرفی می کند که ما در رابطه با تعمید به آن برخورد می کنیم:

شاد باش ای کلیسای مقدس و باوفا، زیرا خداوند تو در محبتش، مرتعی عالی و آسمانی پیش روی تو قرار داده، در جشن عروسی تو نوشابه ای تهیه کرده که هر که از آن بنوشد دیگر هرگز تشنه نخواهد شد. برخیز و آتش موجود در نان را بخور، روح را که در شراب است بنوش تا تو نیز با آتش و روح القدس آراسته گردی و همراه با خداوندت به حجله عروسی داخل شوی.

ایرم این جشن عروسی را با آنچه در قانا بود مقایسه می کند، در این جا روح، خود آن عروس است و نه فقط یک میهمان که به جشن آمده باشد.

من تو را دعوت کرده ام، خداوندا، به جشن عروسی سرود،

اما شراب، نداکننده ستایش، در جشن ما قاصر شده است.

تو آن میهمانی هستی که خمره ها را با شراب خوب پر ساختی،

دهان مرا با حمد و ستایش خود پر کن.

آن شرابی که در خمره ها بود وابسته و منسوب به آن شراب

فصیح است که به ستایش تولد می دهد،

با توجه به این که آن شراب نو ستایش کسانی که آن را نوشیدند و شگفتی آن را

دیدند برمی انگیزد.

تو، که آن قدر عادل هستی، که در جشن عروسی که متعلق به تو نیست

شش خمره را با شراب خوب پر می کنی،

آیا در این جشن عروسی نیز خمره ها را پر نخواهی کرد؟

و ده هزار گوش را با شیرینباهش؟  
 عیسی، تو به جشن عروسی دیگران دعوت شدی،  
 در این جا جشن عروسی پاک و زیبای خود توست: قوم  
 جوان گشته ات را دوباره شادمان بساز،  
 زیرا میهمانان تو هم، ای خداوند، به سرودهای تو نیاز دارند.  
 بگذار چنگ تو ندا سر دهد.  
 روح عروس تو است، و جسم حجله عروسی تو،  
 احساسات و افکار میهمانان تو هستند.  
 و اگر یک جسم برای تو جشن عروسی است،  
 چقدر عظیم تر جشن تو برای تمام کلیساست! (سرودهای ایمان ۱۴: ۱-۵)  
 کشیش یعقوب قدیس در نیایش بزرگداشت خود هنگام پاره کردن نان به طور خاص  
 به یو ۱۹: ۳۴ رجوع می کند، و یعقوب سروق از این عبارت استفاده کرده به عنوان نقطه  
 شروع به آن تناقض گویی در جشن عروسی اشاره می نماید که در آن داماد کشته شده  
 است.<sup>۴</sup>

از آب تعمید، پاکدامنی و اتحاد مقدس سرچشمه می گیرد  
 مابین عروس و داماد، متحد در روح در تعمید،  
 زنان با این شیوه ای با شوهران خود نمی پیوندند  
 که کلیسا با پسر خدا می پیوندد.  
 کدامین داماد برای عروس خود می میرد، به جز خداوند ما؟  
 کدامین عروس به دنبال مردی کشته شده می گردد تا شوهر او شود؟  
 چه کسی از ابتدای جهان، هرگز خون خود را به عنوان هدیه عروسی داده  
 به جز آن مصلوب شده، که عروسی را با زخمهای خود مهر کرد؟  
 چه کسی هرگز جسدی را دیده که در وسط جشن عروسی قرار داده شده باشد،  
 که عروس آن را در آغوش کشیده و انتظار تسلی از آن دارد؟  
 در کدامین جشن عروسی، به جز این، آنها جسم داماد را پاره کردند،  
 برای میهمانان به جای غذاهای دیگر؟  
 زنان از شوهرانشان توسط مرگ جدا می شوند،  
 اما این عروس به محبوب خود، توسط مرگ، ملحق شد!  
 او بر روی صلیب جان داد و جسم خود را به عروس پر جلالش بخشید،

تا هر روزه از آن بکند و بر سر سفره خود از آن بخورد.  
 او پهلوی خود را باز کرد و جام خود را با خون مقدسش آمیخت،  
 به او داد تا بنوشد و عروس بتهای فراوانش را از یاد ببرد.  
 عروس او را با روغن تدهین ساخت، او را در آب دربر کرد.  
 و او را در نان مصرف نمود.  
 او را در شراب نوشید، تا جهان بداند که آن دو  
 اینک یکی هستند.

او بر روی صلیب مرد، اما عروس او را با شخصی دیگر جایگزین نکرد  
 عروس پر از محبت برای مرگ اوست، زیرا می داند که از آن،  
 او حیات دارد.

در بند برگردانی که قبلاً نقل کرده ایم، اِپرم می گوید:  
 بین که آتش و روح القدس در بطن او هستند که تو را زایید...

در نان و جام آتش و روح القدس است. (سرودهای ایمان ۱۰: ۱۷)

گرچه در بعضی از نیاشهای راز نان و جام که در بالا نقل شد به تعمید مسیح و پنتیکاست  
 به طور خاص اشاره شده، به اعلام مژده (Annuciation) و تولد مسیح (Nativity) اشاره  
 نگردیده. با این وجود نویسندگان سریانی نسبت به رابطه آمدن روح القدس بر مریم و  
 آمدن روح القدس بر نان و شراب بسیار آگاه هستند. همان گونه که دیونیسوس بارصلیبی  
 در «نقدی بر راز آیین نیایش» می نویسد:

جسم و خون را «رازها» نامیده اند، زیرا آنها آن چیزهایی نیستند که به چشم فیزیکی  
 می آیند، زیرا آنها در ظاهر فقط نان و شراب هستند، اما در درک صحیح، آنها جسم و  
 خون خدا می باشند. همان گونه که عیسی به چشم فیزیکی انسان شد اما خداست،  
 همین گونه آنها نیز در ظاهر نان و شرابند در صورتی که در واقع جسم و خون می باشند.  
 گرچه این روح القدس است که بر این رازها تأثیر می گذارد، و از آنها خون می سازد،  
 باوجود این آنها جسم و خون پسر خدا هستند، همان گونه که در رابطه با باکره مقدس  
 اتفاق افتاد: گرچه این روح القدس بود که جسمی برای پسر مهیا کرد، این پسر بود که  
 جسم گرفت. به همین گونه وقتی که فرشته گفت «آنچه در تو است مقدس می باشد و  
 از روح القدس می آید»، باوجودی که روح القدس مسبب شکل گرفتن جسم بود، اما  
 شخصی که (او را) باردار شد و زاییده شد، پسر بود. به همین گونه هم با قربانگاه  
 است، که نمونه ای هم از رحم مریم و هم از قبر می باشد. روح القدس بر آن سایه

می افکنند و نان و شراب را تبدیل می کند، آنها را جسم و خون آن کلمه ای می سازد که یک بار در رحم تن گرفت. با وجودی که این جسم پسر است، اما از طریق روح القدس از پدر به ما داده شده.

قدری دیرتر او می گوید «استدعای کشیش از روح القدس نشان دهنده اعلام مژده توسط جبرئیل به باکره مقدس درباره بارداری اوست:

اینک نزول روح القدس به عنوان آتش به «بطن آبی» مریم، بارداری مسیح، آن مروارید، را می دهد:

درود بر تو، ای مریم، که از تو آن مروارید پرشکوه ظاهر شد.

مروارید (marganita) همچنین یک واژه تکنیکی است برای نان تقدیس شده (یا نان و شراب با هم)، چنان که اپرم می گوید:

مسیح به ما مرواریدها را می دهد- جسم و خون مقدسش را.

چنان که دیده ایم منشأ این عادت در داستانهای اساطیری که در زمان باستان در مورد طرز پیدایش مروارید رایج بوده نهفته است. «تولد» مروارید هنگامی روی می دهد که برق آسمان به صدف مروارید در دریا اصابت کند. از برخورد این دو عنصر ناسازگار، آتش و آب، صدف باز می گردد و مروارید زاییده می شود- چنان که یک متن یونانی منسوب به اپرم می گوید «سنگی قیمتی که از جسم زاییده شده» (منظور صدف است). بنا بر این مروارید سمبلی فوق العاده مناسب برای مسیح است، تولد معجزه وار مروارید از دو عنصر غیرمتجانس، مترادف با ولادت مسیح از مریم و از روح القدس است. مروارید در اعماق دریا پرورش می یابد تا بتواند جایگاه پرافتخار خود را در تاج سلطنتی بیابد و این تشبیه مضاعفی است بر صعود از آب رود اردن و صعود از هاویه. یعقوب سروق<sup>۵</sup> با استفاده از گفتاری که تعمداً یادآور اعلام مژده به مریم است از پیدایش مشابه «مرواریدهای» شام خداوند صحبت می کند:

روح القدس از پدر صادر می شود،

نازل می شود، بر نان سایه می گستراند، و آن را به جسم تبدیل می نماید،

و نان را مرواریدهایی گرانبها می سازد.

دیده ایم که منظره غواصی مروارید در رابطه با تعمید مورد استفاده قرار گرفته، که در آن تعمید یابنده برای یافتن مسیح مروارید فرو می رود. با وجود این جنبه های دیگر مروارید را نیز می توان در سرودهای پنجگانه مشهور اپرم «درباره مروارید» در انتهای مجموعه «درباره ایمان» یافت. در کنار سمبلی برای مسیح بودن، مروارید نیز سمبلی

برای ایمان و بکارت<sup>۶</sup> است. درحالی که در آثار نویسندگان بعدی مخصوصاً در یعقوب سروق، مروارید می تواند آدم در هاویه باشد و مسیح غواص مروارید:  
 مسیح در حفره (مرگ) تعمید یافت، آدم را از هاویه بیرون کشید و در لجنزار مرگ مروارید را جستجو کرد.  
 یا:

او همانند غواصی به دریاچه مرگ، شیرجه رفت،  
 و مروارید را که نمایانگر صورت خودش بود از آن بیرون آورد.  
 در بعضی عبارات دیگر در Fenqitho، مروارید در واقع چهره گمشده آدم است:  
 تمام چیزهایی که آفریده شده به فناپذیران تعلق دارد،  
 تو با چیزهایی که متعلق به الوهیت است جلال یافتی،  
 تو از قبر، بدون فساد برخاستی،  
 پیروزمندانه آن غارتگر را که در طول زمانها در آن جالانه کرده بود، بیرون کشیدی،  
 بار دیگر آن تبعیدیان را که مرگ آنها را  
 در تاریکی محصور کرده بود با خود به حیطة حیات آوردی.  
 مروارید گرانها را، صورت آدم را، از بطن مرگ برخیزاندی.  
 یعقوب در دومین عبارت نقل شده، اعلام می دارد که آن مروارید را ازدها دزدیده بود.  
 یعقوب در این جا ممکن است آن «سرود درباره مروارید» مشهور را که در کتاب اعمال  
 توماس یافت می شود<sup>۷</sup> مد نظر داشته که در آن پسر پادشاه به مصر می رود تا مروارید را  
 که توسط ازدها حفاظت می شده باز گرداند.

به یمن مغز متفکر و شاعرانه اپرم، مروارید همچنین قادر است که پهلوی شکافته شده  
 مسیح را که از آن رازهای دوگانه تعمید و راز نان و جام جاری می شود، به کانون توجه  
 نمونه گذاری سریانی باز آورد و بنابراین برای ما موقعیتی مناسب به وجود می آید که این  
 فصل را خاتمه دهیم: (اپرم خطاب به مروارید می گوید)

طبیعت تو به بره خاموش شباهت دارد  
 با لطافتش: گرچه انسانی آن را سوراخ کرد،  
 آن را برداشته و به گوش خود آویخت،  
 گویی که در جلجتا بود، که می تواند  
 انوار نورانی خود را بر آنهایی که آن را مشاهده کردند بیافشانند!  
 در زیبایی تو جلال پسر هویدا گشت:



- پسری که خود را با رنج ملبس ساخت، میخها از بدن او گذشتند،  
 درفش از میان تو عبور کرد، تو را هم آنها سوراخ کردند  
 همان گونه که دستهای او را. اما چون درد و رنج کشید حکومت می کند،  
 همان گونه که زیبایی تو توسط رنجت تشدید شده. (سرودهای ایمان ۸۲: ۱۱-۱۲)

## یادداشتهای فصل ۶

- 1- به طور خاص در برخی از نیایش ها که در ذیل آمده به آن اشاره شده.
- 2- همچنین به بندگردان هایی که در بالا در فصل ۲، الف اشاره شده توجه کنید.  
 «برای هر کسی که آن را با شایستگی دریافت ندارد گویی که آن را دریافت نداشته»  
 و  
 «آن که آن را با شایستگی دریافت ندارد، داوری او را بر جان خواهد خرید»  
 همین ایده داوری و محکومیت به عنوان برخورد تحمیل کرده دوباره در نامه افرم به  
 پوبلیوس تکرار شده.
- 3- برای نیایش های بعد از شام خداوند در سریانی شرقی من از چاپ ارومیه استفاده  
 کرده ام، برای سریانی غربی از Anaphorae Syriacae (روم ۱۹۳۹) که توسط کمبریج  
 تکمیل شده.
- «مقایسه شود با Philoxenus با عنوان Three Tractates on Trinity and Incarnation (در  
 اینجا مطلب درباره تعمید و نه در مورد شام خداوند است).
- 4- این به افرم در Fenqitho منتسب است.
- 5- همین گونه (به همین درازا) در نامه ۱۶ یعقوب سروق
- 6- در Sahdona، مروارید بکارت روحانی است
- 7- چون سرود در جزوه روایت به زحمت گواهی شده، آگاهی جاکوب از آن جالب توجه  
 است.

## روح القدس و مریم

همان گونه که راز نان و جام مدلی برای ما به منظور داشتن رابطه ای شایسته مابین دنیای مادی و آسمانی فراهم می کند، مریم نیز مدلی است برای همکاری مابین انسان و روح القدس. این موضوع در سنت سریانی به خوبی روشن شده و جایی را که روح القدس بر مریم نازل می شود تا مژده را به او اعلام نماید، همانند همان شرایطی می بیند که به هنگام نزول روح القدس بر آب تعمید و بر نان و شراب حاکم است<sup>۱</sup>. در فصل گذشته نمونه های زیادی از روشهایی را که در آن واژه پردازی و تجسم متناسب در مورد مریم به مفاهیم راز تعمید و نان و جام منتقل شده است را دیدیم، همین طور عکس آن را. در این جا ما به سادگی این مفاهیم را جمع آوری می کنیم.

### روح القدس «سایه می افکند»

در فصل اول دیدیم که چگونه «سایه افکندن» (agen) تبدیل به واژه ای تکنیکی برای فعالیت روح القدس گردید و بدین صورت راه خود را به واژه پردازی در نیایشهای راز تعمید و نان و جام سریانی باز کرد. منشأ این مجموعه اصطلاحات را می توان با اطمینان در درود فرشته جبرئیل بر مریم شناسایی نمود، «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند» (لو ۱: ۳۵)<sup>۲</sup>.

واژه «سایه افکندن» در عهدجدید در شرح راز تعمید و نان و جام وجود ندارد، اما در متون نیایشی نویسندگان سریانی بسیار رایج است. در مراسم تعمید مارونیت کشیش اعلام می دارد:

آب تعمید توسط روح القدس تقدیس یافته و با سایه افکندن روح القدس به کمال رسیده است.

به همین گونه نیز در نیایشهای بزرگداشت سریانی شرقی تئودور برای نیایش طلب نزول روح القدس می خوانیم:

باشد که فیض روح القدس بر ما و بر این هدایا نازل شود،

باشد که بر فراز این نان قرار گرفته بر آن سایه افکند...

درواقع «سایه افکندن» در کلمات نیایش طلب نزول روح القدس تقریباً در نیمی از نیایشهای پس از شام خداوند که در سریانی غربی به فراوانی وجود داشته و

باقی مانده اند، یافت می شود. جالب توجه این که در حداقل دو نیایش از سه نیایش که بر کاندیداهای تعمید گفته می شود- در ارتدکس سریانی سوروس و در فصل پنجم نقل شده- از همین فعل استفاده شده است. بنابراین آمادگی مریم برای پذیرش مژده آشکارا به عنوان مدلی برای تمام مسیحیان جهت تقلید از او عمل می کند.

### سه «بطن»

یعقوب سروق جشن میلاد، راز تعمید و نزول روح القدس را به عنوان یک سری سه گانه از «تیره‌های چوب بست» در حین تن گیری خدا می دید. و در جایی دیگر، همراه با سایر نویسندگان سریانی، اینها را به عنوان «بطنها» توصیف می کند، که اولی واقعی اما دومی و سومی استعاری و مجازی هستند. رابطه مابین این سه «بطن» در نیایش زیبایی که در مراسم مارونیت و ارتدکس سریانی قدیمی رایج بوده، به خوبی نشان داده شده است.

خداوندا، عظمت تو را مقبول افتاد تا ما را در محبت بی دریغت نجات دهد و تو برای نجات ما، تنها پسر مولود و فرزند جاودانی ات را فرستادی که از تو تولد یافت بدون سرآغازی، که مسکن پنهان خود را ترک نموده نزول کرد و در رحم باکره قرار گرفت تا در تولد مرئی جسمانی ظاهر گردد. درحالی که کاملاً با تو مانده بود، کاملاً به سوی ما آمد، و با وجودی که طالب و محتاج چیزی نبود، در رود اردن تعمید یافت و برای ما رحم آب را تقدیس کرد، تا بطنی باشد پر از سلامتی و قدرت. خداوندا، او توسط اراده خود و اراده تو در جهان ساکن گردید برای خاطر ما در سه مسکن مختلف، در بطنی ساخته شده از گوشت، در بطن تعمید، و در مسکن هاویه تاریک.

تشابه مابین بطن مریم و بطن رود اردن موجب می شود که اپرم حضور مسیح را در بطن مریم به عنوان تعمید خود مریم ببیند، و بنابراین در انتظار تعمید در هنگام تعمید و خودش می باشد.<sup>۳</sup>

نور بر مریم قرار گرفت همان گونه که بر یک چشم،

ذهن او را پاک ساخت، و درک او را تطهیر نمود،

افکار او را شستشو داد، بکارت او را درخشان نمود،

رودخانه ای که مسیح در آن تعمید یافت بار دیگر به طرز سمبلیک او را باردار گردید.

بطن مرطوب آب، او را در پاکی آستن شد

و به او در تقدیس تولد داد، و موجب برخاستن او در جلال شد.  
 تو باید در بطن پاک رودخانه دختر انسان را بشناسی که بدون کمک مردی باردار  
 گردید و به عنوان باکره وضع حمل نمود،  
 و توسط یک هدیه، طفلی به بار آورد، خداوند آن هدیه را.  
 (سرودهای کلیسایی ۳۶:۲-۴)

و صریح تر:

اوه مسیح، تو به مادر خود تولد دادی  
 در تولدی ثانویه که از آب می آید. (سرودهای تولد ۹:۱۶)  
 با وجودی که آن سه «چوبهای داربست» یا «بطنها» بر طبق زمان عادی از هم جدا  
 هستند، اما به هر حال در زمان تقدیس شده به یکدیگر می پیوندند و یک واحد را تشکیل  
 می دهند، زیرا که مفهوم نجات بخش آنها به طور اساسی یکی است. ابرم به شکرانه این  
 بینش، با جسارت می تواند توالی ظاهری رویدادها را در زمان عادی دگرگون سازد.  
 رابطه مابین بطن مریم و بطن تعمید بار دیگر در یک نیایش شاخص که منسوب به  
 فیلوکسنوس به نمایش درآمده، که در آن او کلمات ذیل را به هنگام تعمید مسیح در دهان  
 وی می گذارد:

تو، ای پدر، آسمان را در نیایش من باز کرده روح القدس خود را بر این بطن تعمید  
 بفرست، همان گونه که روح القدس بر آن رحم باکره نزول کرد و مرا از او به وجود  
 آورد، باشد که او همچنین بر بطن آب تعمید نیز نزول نموده آن را تقدیس نماید، تا  
 انسانها را قالب گیرد و از آن تولدی به کودکان جدید دهد، و آنها را پسران تو و  
 برادران من و هم ارثان در ملکوت بسازد... هرگاه که کاهنان عهدجدید تعمید داده و  
 تو را بخوانند، روح القدس خود را بر آب تعمید که با آن انسانها را تعمید می دهند  
 بفرست. باشد که این واقعیت که روح القدس به شکل کبوتری ظاهر گشته، در این  
 لحظه حاضر علامتی باشد از این که او هرگاه که آنها تعمید می یابند به صورتی نامرئی  
 نزول خواهد کرد...

لحن نسبتاً متفاوتی نسبت به تشابه مابین مریم، مادر مسیح و تعمید، «مادر» مسیحیان در  
 عباراتی از یعقوب سروق وجود دارد:

مریم جسمی داد تا کلمه جسم گیرد،

درحالی که تعمید روح قدوس را به انسانها می دهد تا مجدداً تازه شوند.

ما در این جا طرحی متفاوت به صورت دستورالعمل می بینیم:

توسط مریم الوهیت تبدیل به انسانیت می شود  
توسط تعمید انسانیت به الوهیت تبدیل می گردد.

### حوای جدید

مقایسه نمونه ای مابین حوا و مریم رابطه های بیشتری مابین مریم و تعمید فراهم می سازد. شاعران سریانی پیچیدگیها و تفاوتهای مختصر در نمونه گذاری حوا- مریم را با مهارتی به کمال رسیده بسط داده اند، و تشخیص تأکیدهای گوناگون که در هر لحظه در حد بالاترین است اهمیت دارد. در عبارات ذیل، از یعقوب سروق، توجه بر مسئله ولادت معجزه آسا متمرکز می باشد:

همان گونه که پدر ما آدم، مادر ما را بدون عمل جنسی تولید کرد،  
مریم باکره نیز همین گونه کرد، همانند آدم قبل از ارتکاب گناه.  
روح القدس بر چهره آدم دمید،  
و او حوا را مولود کرد، همین روح قدوس بر مریم دمید، و او  
باردار شد و پسری را مولود ساخت.

آدم به «مادر تمام چیزهای زنده» بدون عمل جنسی تولد داد،  
بنابراین ولادت خداوند ما، که سرچشمه تمام حیات است مجسم شد.  
در نتیجه به این طرح را می رسم:

آدم: حوا: : مریم: مسیح.

روابط متفاوت مابین آدم اولیه و آدم ثانویه، و حوای قدیم و حوای نوین نه چندان دورتر از  
سطح، نهفته است، با این طرح:

آدم: مسیح: : حوا: مریم.

به شکرانه آن کانون تمرکز در نمونه گذاری در تعمق سریانی، یو ۱۹: ۳۴، تعمید  
همان قدر در این مضمون منزل دارد که در نقش مشابه به عنوان مریم:

زمین باکره به گونه ای مقدس به آدم تولد داد،  
گویی آشکارا به مولود شدن از مریم اشاره دارد.  
آدم به نوبه خود خوابید، و پهلوی او شکافته گردید:  
از آن حوا بیرون آمد تا مادر تمام جهان باشد،  
به عنوان منظره آن خواب مرگ بر روی صلیب  
و آن پهلویی که به تعمید ولادت داد.

آدم خوابید، و مادری به تمام جهان عطا کرد،  
 نجات دهنده مرد، و از او آب تعمید جاری گشت.  
 اگر پهلوی به حوا ولادت داد، همان گونه که نوشته شده، پس باکره نیز به پسر ولادت  
 داده، همان طوری که اشاره شده.

این عبارت دو دسته از تولد - دادنهای معجزه آسا را دربر دارد:

زمین: آدم: : مریم: مسیح

آدم: حوا: : مسیح: تعمید

بنابراین هم مریم و هم تعمید نقش حوای نوین را اجرا می کنند، مریم به مسیح تولد  
 می دهد، تعمید به مسیحیان. در نیایش تقدیس معمول مارونیت و مراسم قدیمی تر  
 ارتدکس سربانی، کشیش نیایش می کند که «به جای رحم حوا، که فرزندان به وجود  
 آورد که فناپذیر و قابل فساد بودند، باشد که این بطن آب فرزندان به وجود آورد که  
 آسمانی، روحانی و جاودانی باشند».

در نتیجه این موازات، مریم عناوین زیادی را با حوضچه آب تعمید سهیم است. اما در  
 عین حال او یک موجود عادی فناپذیر است و به همین سبب با سایر فناپذیران به تساوی  
 شریک می باشد. او در واقع نمونه ای است از آنچه که سایر مسیحیان نیز باید در نتیجه  
 عطیه روح القدس در تعمید بشوند، نمونه انسانی که تمام و کمال با روح القدس همکاری  
 می کند. با این دیدگاه می توانیم از عمق افکار در بینش اپرم درک کنیم که بارداری مریم  
 در اعلام مژده در واقع تعمید او نیز بود.

تقدیسی که مریم به دلیل حضور مسیح در بطن خود، دریافت می دارد بدین سبب بسیار  
 مشابه حضور «آتش» روح القدس هم در آب تعمید و هم در عناصر شام خداوند است. در  
 این بند برگردان اپرم این مطلب به خوبی آشکار شده:  
 ببین، آتش و روح را در رحم او که به تو تولد داد،  
 آتش و روح را در رودی که در آن تعمید یافتی.  
 آتش و روح در تعمید ما حضور دارند،

و در نان و جام نیز آتش و روح القدس هستند. (سرودهای ایمان ۱۰:۱۷)

در مورد آب تعمید و نان و شراب در مراسم شام خداوند، ما اطمینان داریم که  
 روح القدس خواهد آمد و تقدیس یا تبرک را کارساز خواهد نمود. به همین طور نیز در  
 تعمید مسیحیان اطمینان داریم که روح القدس خواهد آمد و در تازه تعمید یافته ساکن  
 خواهد گردید، اما در این دو مورد تفاوتی وجود دارد، زیرا همکاری فرد لازم است تا

روح القدس بتواند روند تقدیس را جاری کند. مسیحیان این استعداد نهایی را برای تقدیس دریافت می‌کنند ولی این به آنها بستگی دارد که واکنش نشان داده به این تقدیس اجازه دهند که روی دهد، همان‌گونه که مریم به طرز شایسته‌ای انجام داد.

## یادداشتهای فصل ۷

- 1- در این مورد آخر به عبارات قبلاً نقل شده در فصل قبل مراجعه شود.
- 2- این مورد استفاده می‌باید در محیطی به وجود آمده باشد که «قدرت» را با روح القدس هم‌هویت می‌دانسته، و نه با این جهان (که اغلب نویسندگان ارتدکس سریانی درک می‌کرده‌اند. فصل اول مراجعه شود)
- 3- به همین‌گونه حضور مسیح در رحم مریم موجب تعمید یحیی تعمید دهنده در رحم الیزابت می‌گردد (بر حسب لو ۲: ۱۴)، کودک در رحم او تکان خورد).

## تعمید به عنوان پنطیکاست

۸

یحیی تعمید دهنده به شنوندگانش می گفت که آن که قرار است بیاید «شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد» (مت ۳: ۱۱)، و عیسی قدری قبل از صعودش به آسمان شخصاً به رسولانش وعده داد «قبل از طی شدن روزهای زیاد شما با روح القدس تعمید خواهید یافت» (اع ۱: ۵). یعقوب سروق در اشاره به بالاخانه، جایی که شاگردان در روز پنطیکاست گرد آمده بودند، گفت<sup>۱</sup>:

در شما وعده انجام تعمید به تحقق پیوست

زیرا در شما تمام شاگردان با روح القدس و آتش تعمید یافتند.

باتوجه به تمایل آنها برای تجسم آتش در رابطه با روح القدس، پدران سریانی هیچ مشکلی در هم هویت دانستن تعمید مسیحی با «تعمید در روح القدس و در آتش» نداشتند، و حیرتی که آنها در حضور روح القدس و آتش احساس می کردند به خوبی در کلماتی از گفته های یعقوب، خادم مارونی، که در ذیل می آید به خوبی بیان شده:

چقدر مهیب و پراعجاب است این لحظه که موجودات فوق طبیعی بر فراز این آب تعمید در سکوت می ایستند - هزاران هزار فرشته، ده هزار سرافین بر فراز این مادر نوین، تعمید مقدس، قرار می گیرند. مادر روحانی که به فرزندان روحانی که وارد حجله عروسی زندگی می شوند تولد می بخشد که پر از شادی است. فرشتگان در صفوف خود، کروبیان با بالهای خود، موجودات آتشین با طبیعت مقدس خود، ناظران باشکوه و پاک، تمام اینها که از آتش زاده شده و در آتش ساکن هستند، اینک آتش را با این آب مخلوط نموده اند تا باشد که فرزندان آدم زاده دنیا بتوانند بخشایش را در این جا بیابند، آنها پرده هایی از آتش را حمل کرده در کنار رود اردن می ایستند تا پسر خدا را که برای به کمال رساندن تعمید می آید پذیرا باشند. روح القدس از اعلی علیین بر او نازل می شود، نه برای آن که او را تقدیس کند بلکه تا بر او شهادت دهد. زیرا ندا دهنده راستین، یحیی، ندا در داده: «این است بره خدا که گناهان جهان را برمی دارد». بیایید به زانو در افتاده او را پرستش کنیم، ای تمام امتهای ملتها و زبانها، بیایید پرستش کنیم او را که با کلامش آسمانها و زمین، دریاها و رودخانه ها و هر آنچه که در آنهاست آفریده شد.

بنابراین تعمید نیز نوعی پنطیکاست است، رویدادی مربوط به عطیه الهی. این بینشی



است که سراینندگان متون نیایشی مفصلاً کشف کرده اند. این بالاخانه است که به عنوان محل فوران روح القدس شناسایی شده، که نقطه شروعی برای ما فراهم می‌کند، برای تشابهی که ما بین پنطیکاست و تعمید دیده شده. ما این موقعیت را داشته ایم که ببینیم آب تعمید به عنوان کوره آتش یک تجسم محبوب بوده، در نماز پنطیکاست در سریانی غربی نیز بالاخانه به همین گونه به عنوان کوره آتش توصیف شده:

در این روز رسولان همچون طلا در کوره آتش روح القدس ریخته شدند،  
و شکوه آنها در چهار گوشه جهان تابیدن گرفت، و آنها نام  
عیسی را در تمام جهان موعظه کردند.

و قدری پایین تر می‌خوانیم:

روح القدس آنها را مانند طلا در کوره آتش زبانها ریخت.

این به استعاره نارسای بسیار شبیه است:

همانند در کوره آتش، چهره ما را در تعمید قالب گرفت،

به جای تفاله در ما، از ما طلای روحانی ساخت.

تجسم کوره آتش ما را به سوی چیز دیگری رهنمون است که از متون تعمیدی برای ما آشنا می‌باشد: ساختن اسلحه در کوره آهنگری توسط روح القدس. بنابراین در جمله ای که در Fenqitho جای داده شده، یعقوب سروق از روح القدس و آتش صحبت می‌کند به عنوان:

مسیح رسولانش را با اسلحه روح القدس ملبس ساخت

و شاگردان با اسلحه روح القدس مسلح هستند.

و مسیح ناچار شد که بگوید

آگاه باش، من کارگرانم را با اسلحه و قدرت الهی ملبس می‌سازم.

جالب توجه است که در این رابطه به مقایسه موعظه های یعقوب سروق درباره تعمید مسیح با خطابه های او درباره پنطیکاست بپردازیم، زیرا او از واژه پردازیه های مشابهی در رابطه با هر دو رویداد استفاده می‌کند. بنابراین در جمله ای از موعظه او درباره پنطیکاست که قبلاً نیز نقل شد روح القدس و آتش «سازنده زره و اسلحه برای رسولان» خوانده می‌شوند، درحالی که در تعمید خود مسیح، مسیح اعلام می‌دارد که هدف او از فرو رفتن به «سرچشمه» این نبود که:

زرهی برای خودم بردارم، بلکه زرهی مهیب برای جنگجویانم بسازم.

و چند سطر پایین تر در همان خطابه مسیح می‌گوید:

من تعمید را به صورت زرهی درمی‌آورم،

در حالی که در خطابه درباره پنطیکاست، بالاخانه مخاطب قرار می‌گیرد:  
 تو همانند زرهی برای رسولان شده‌ای  
 و از تو آنها قدرت روح القدس را به کار گرفته‌اند تا وحش را مغلوب سازند.  
 ما نقشی را که تجسم زره در متون تعمیدی ایفا می‌کند قبلاً دیده‌ایم.  
 تعمید در مراسم شام خداوند به اوج می‌رسد و متون نیایشی برای پنطیکاست نیز در  
 سنت شرق و هم غرب سریانی ریختن روح القدس را در روز پنطیکاست با شراب مربوط  
 می‌دانند. منشأ این شراب نیز مشخصاً پهلوی سوراخ شده مسیح است (یو ۱۹: ۳۴)، و  
 همان گونه که دیده‌ایم منشأ آب تعمید نیز بر طبق بسیاری از متون تعمیدی می‌باشد،  
 درحالی که در کتاب اعمال رسولان، پطرس بر این ادعا که شاگردان مست می‌باشند با  
 خشم پاسخ می‌دهد، متون نیایشی برای پنطیکاست لحن متفاوتی به این تهمت از خود  
 نشان می‌دهند: آنها در واقع مست هستند - اما نه از شراب معمولی، بنابراین در Fenqitho  
 صلیب زنده، با شراب خود، آنها را مست کرد تا این که سخن گفتند.  
 و از آن با حیرت، کتاب مقدس جدیدی را که احتیاج به یادگیری نداشت دریافت  
 کردند.

آن مشروب قوی که نیزه پیموده بود به آنها هر زبانی را آموخت.  
 کتاب نماز سریانی شرقی نیز اصطلاحات مشابهی را به کار می‌گیرد:  
 آنها مست آن شراب بودند که توسط نیزه پیموده شده بود،  
 که چیزی نیست مگر آن خون گرانبها.  
 واژه پردازی در این جا یک سنت است، و ما با مطالعه سرودها و موعظه‌های اولیه  
 درمی‌یابیم که یعقوب سروق در موعظه‌اش در مورد روز پنطیکاست چنین می‌نویسد:  
 کدامین شراب می‌تواند حروف را بدین شیوه تعلیم دهد؟  
 این صلیب است، با شرابش، که آنها را به التهاب آورد تا صحبت کنند...  
 شراب قوی که امت در جلجتا پیمود،  
 شراب تازه که پهلوی پسر خدا آن را جاری ساخت.

نویسنده‌ای ناشناخته، احتمالاً قدری قبل از یعقوب، این مطلب را این گونه بیان کرده:  
 یهودیان همیشه مقاوم در برابر روح القدس، گفتند: «آنها شراب نوشیده‌اند و مست  
 شده‌اند» تو حقیقت را گفتی - اما این کاملاً آن طور که فکر کردی نبود. آنها شراب  
 تاک را نوشیده بودند، بلکه شرابی نوین که از آسمان برای آنها جاری شده بود، این  
 همان شرابی است که جدیداً در جلجتا تهیه شده. رسولان از آن نوشیدند، و به عوض

خود، با این کار خلقت را مست کرده اند. جاهای دیگر در متون آیین نیایشی در رابطه با پنطیکاست، نیز در سنت شرقی و غربی سریانی، زبان مشابه معمول است، کتاب نماز کلدانی از «نوشابه روح القدس» صحبت می کند، درحالی که Fenqitho از «ما را با نوشابه فیض خود مست کن»، و «شراب آسمانی که از عطیه روح القدس است» صحبت می کند.

منسوب به این تجسم، همان بالاخانه است به عنوان چشمه: جاکوب می گوید بالاخانه تبدیل به چشمه ای شد که از آن رودخانه ها جاری گشتند<sup>۲</sup> و «چشمه» البته مکرراً برای توصیف آب تعمید مورد استفاده قرار گرفته، و تعمید یافته از آن «می نوشد»، همان گونه که خود را در آن شستشو می دهد<sup>۳</sup>:

عروس پادشاه برای تمام جهان جشن عروسی بر پا داشته است:  
ای ملتها و دنیاها، به جشن باکره پُرجلال بیایید.  
او برای دنیا آب زنده را از پدر، گشوده است.

همه آنهایی که تشنه هستید، بنوشید، این جرعه امید را از چشمه او.

پدران سریانی کاملاً آگاه هستند که آثار پنطیکاست بر تعمید الزاماً خود را در تعمید برای آنها آشکار نمی کند، بلکه می تواند تا مدتی به تأخیر بیفتند: «تضمین روح القدس»، قابلیتی که، به هر حال از هم اکنون به عنوان نتیجه تعمید آماده است. یکی از صوفیان بزرگ سریانی شرقی به نام عبدیشوع این «اعمال بعدی روح القدسی که تو در تعمید دریافت می داری» را این گونه توصیف می کند:

«اولین نشانه عمل مؤثر روح القدس هنگامی است که محبت خدا همانند آتش در قلب انسان شعله ور می شود. از این آتش است که در قلب او نفرت و رد کامل دنیا به وجود می آید و همچنین علاقه به تنهایی و زهد، که مادر و تعلیم دهنده تمام ویژگیهاست.

نشانه دومی که از طریق آن، ای برادر، احساس خواهی کرد که روح القدسی که در هنگام تعمید دریافت کرده ای در تو در حال کار است، فروتنی کامل است که در روح تو تولد یافته. منظور من تواضع جسمانی نیست، بلکه فروتنی حقیقی روح، که موجب می شود تا یک انسان خود را خاک و خاکستر بشمارد، یک کرم و نه انسان (مز ۲۲: ۶)، با وجود اعمال بزرگ و عالی که روحی که در او ساکن است برایش انجام داده. تمام انسانها به چشم او بزرگ و مقدس هستند، هیچ کس وجود ندارد که در نظر او خوب یا بد باشد، عادل یا ناعادل. از این فروتنی است که صلح، بردباری و تحمل سختیها در روح او متولد

می شود.

نشانه سوم کار روح القدس در تو، آن مهربانی است که در درون تو نماینده تصویر خداست، که از طریق آن، هنگامی که افکارت متوجه تمام انسانها می شود، از چشمانت اشکها همانند چشمه آبی جریان می یابد، گویی تمام انسانها در قلب تو سکونت دارند، و تو آنها را با محبت در آغوش گرفته و می بوسی، درحالی که مهربانی خود را بر همه می افشانی. هرگاه آنها را به یاد می آوری قلب تو با جرقه قدرت روح القدس که در تو کار می کند روشن می شود و نیکی و مهربانی در قلب تو تولید می گردد، آن چنان که دیگر هیچ مطلب ناخوشایندی به هیچ کس ادا نکنی، و افکار تو دیگر درباره کسی شریرانه نیندیشد، بلکه به همه انسانها نیکی کنی، در افکار و در اعمال.

چهارمین نشانه ای که از آن درمی یابی که روح القدس در درون تو کار می کند آن محبت حقیقی است، که در افکار تو هیچ یادی به جز یاد خدا باقی نمی گذارد، که کلید روحانی است که با آن درب درونی قلب که در آن مسیح، خداوند ما مخفی شده گشوده می شود، که سکونتگاه او روحانی و گسترده و رؤیای او نوری غیرقابل توصیف. از این محبت است که ایمانی تولید می شود که چیزهای نهفته را که مغز اجازه انتقال آنها بر روی کاغذ را ندارد، و آنچه را که رسول «اعتماد بر چیزهای امید داشته شده» (عبر ۱۱:۱) نامیده است، می بیند، که بر چشمان جسم مکشوف نشده بلکه فقط به چشمان ذهن، در مسکن درونی قلب.

پنجمین نشانه عمل روح القدس که در تعمید آن را دریافت کرده ای شامل رؤیای نورانی در ذهن توست، که در گنبد آسمانی قلبت همانند آسمان نیلگون دیده می شود. همین رؤیاست که نور سه گانه اقدس را دریافت می کند، و رهنمون تو می باشد به سوی رؤیای طبیعت مادی که از آن تو بار دیگر در شناخت طبیعت قابل درک برمی خیزی. از این آخری است که تو به سوی مکاشفات و رازهای داوری و مشیت الهی بالا خواهی رفت، صعود تدریجی که تو را برمی افرازد و در نور قدوس رؤیای مسیح خداوند ما شریک می سازد. از این رؤیای باشکوه و مقدس است که تو از آن دنیای گسترده به وجد درخواهی آمد، که منافع آن غیرقابل توصیف است. از این وجد است که سخنان روحانی و دانش دو جهان از تو جاری می شود: از آن یک که گذشته است و آن یک که خواهد گذشت، و همچنین یک آگاهی از اسرار چیزهای آینده، همراه با بو و طعم مقدس، نغمه های زیبای فراست روحانی، شادی، وجد و سرور، شمع، ستایش، تجلیل و تکریم، سرودها و نیایشها و مناجاتهای تجلیل، شراکت با اولیای روحانی، رؤیایا از ارواح

قدیسین، منظره بهشت، خوردن از درخت حیات، و گفتگو با قدیسینی که در آن ساکنند، همراه با سایر چیزهای وصف ناپذیر.

آنچه در بالا آمد علائمی هستند که اگر آنها را در خورد بیابی، خواهی دانست که روح القدس که تو هنگام تعمید مقدس دریافت کرده‌ای در درون تو به کار مشغول است. آنچه که عبدی‌شوع توصیف می‌کند به وضوح با آنچه که سرودهای آیین نیایشی، که در بالا ذکر شد، به عنوان آثار مدهوش کننده تعمید نقاشی می‌کند، مطابقت دارد.

در میان مسیحیان همیشه این وسوسه وجود داشته که خود را به این تجلیات بعدی کارهای روح القدس، به قیمت اعمال نهانی در تعمید متمرکز کنند. این موضوع در میان بعضی از نمازنامه‌ها در قدیم، و بعضی گروههای پنطیکاستی در قرن حاضر موجب ترک کامل مراسم مذهبی تعمید شد، درحالی که در میان بعضی گروههای بیشتر ارتدکس گاهی این تمایل وجود داشته که ورود به زندگی رهبانیت را به عنوان آگاهی حقیقی از تعمید در نظر بگیرند و رسم اعتراف را به دقت از روی مراسم تعمید کپی برداری کنند. فیلوکسنوس تنشی را که مابین اعمال پنهان و آشکار روح القدس وجود دارد بدین نحو توصیف می‌کند:

تو دو نوع تعمید داری، یکی برحسب فیض، که در آب تعمید صورت می‌گیرد، و دیگری تعمیدی که به اراده خودت، خارج از این «دنیا» در محبت به خدا دریافت می‌کنی.

و بار دیگر در موعظه ای می‌گوید:

به نظر می‌رسد که انسان از خدا سه تولد را تجربه می‌کند: اولین بار از رحم به درون آفرینش، دومین بار از بردگی به آزادی، از انسان بودن به پسر خدا تبدیل شدن - چیزی که توسط فیض در تعمید صورت می‌پذیرد، در حالی که سومین تولد هنگامی است که شخصی بار دیگر با اراده خود از طریقهای مادی حیات به سوی طریقهای روحانی می‌رود، و خود او به بطنی تبدیل می‌شود که به «خود تهی شدن» کامل تولد می‌دهد.

آنچه فیلوکسنوس در این جا می‌گوید مطلبی است بی‌نهایت با ارزش. او به رابطه مابین تجربه شخصی از پنطیکاست، از نزول روح القدس بر تک تک افراد، و رسم حقیقی تعمید به گونه ای می‌نگرد، که به دلیل عادت بر تعمید دادن نوزادان، این دو تجربه توسط سالها فاصله زمانی از یکدیگر جدا هستند. نکته فیلوکسنوس این است که این رسم به خودی خود عطیه روح القدس را ارزانی می‌دارد، اما چون دادن مشمول گرفتن نیز می‌شود،

که یک عمل آگاهانه و ارادی است، تقبل هدیه از طرف دریافت کننده ضروری است، اگر او بخواهد منافع حاصله از این هدیه را به درستی تجربه کند. این تقبل شامل «خود تهی ساختن» است که مسیح نیز آن را تجربه کرد (فی ۲:۷). فقط هنگامی که خودخواهی از ما جدا شده و به دور انداخته شود ما می توانیم، عطیه روح را به طور کامل تجربه کنیم. بنابراین این «دو تعمید» دو جنبه از یک رسم مذهبی هستند، اولی از دیدگاه دهنده، و دومی از دیدگاه گیرنده.

## یادداشتهای فصل ۸

- ۱- فیلوکسنوس در موعظه اش درباره سکونت روح القدس می گوید «این نزول روح القدس (در روز پنطیکاست) که آن را تعمید می نامد، برای این که تعمید رسولان فقط توسط روح القدس به تنهایی بوده، زیرا آنها قبلاً توسط یحیی در آب تعمید یافته بودند. (جالب توجه این که فیلوکسنوس برخلاف معاصرش یعقوب تدهین بعد از تعمید را قبول دارد).
- ۲- رودهای منشق به دوازده چشمه می شوند، ایده ای که در Fenqitho هم وجود دارد.
- ۳- توجه به استفاده از ماجرای زن سامری بر سر چاه در نماز کلدانی ها در روز پنطیکاست کنید. زن در رابطه با تعمید مسیح هم در نماز کلدانی ها و هم در Fenqitho مطرح می شود.

مخفف اسامی کتاب مقدس

Genèse	Genesis	پیدایش	=	پید
Exode	Exodus	خروج	=	خروج
Lévitique	Leviticus	لاویان	=	لاو
Nombres	Numbers	اعداد	=	اعد
Deutéronome	Deuteronomy	تثنیه	=	تث
Josué	Joshua	یوشع	=	یوشع
Juges	Judges	داوران	=	داور
Ruth	Ruth	روت	=	روت
1 Samuel	1 Samuel	۱-سموئیل	=	۱-سمو
2 Samuel	2 Samuel	۲-سموئیل	=	۲-سمو
1 Rois	1 Kings	۱-پادشاهان	=	۱-پاد
2 Rois	2 Kings	۲-پادشاهان	=	۲-پاد
1 Chroniques	1 Chronicles	۱-تواریخ	=	۱-توا
2 Chroniques	2 Chronicles	۲-تواریخ	=	۲-توا
Esdras	Ezra	عزرا	=	عز
Néhémie	Nehemiah	نحمیا	=	نح
Tobie	Tobit	طوبیاس	=	طو
Judith	Judith	یهودیه بنت مراری	=	یهودیه
Esther	Esther	استر	=	استر
1 Maccabées	1 Maccabees	۱-مکابیان	=	۱-مک
2 Maccabées	2 Maccabees	۲-مکابیان	=	۲-مک
Job	Job	ایوب	=	ایوب
Psaumes	Psalms	مزامیر	=	مز
Proverbes	Proverbs	امثال	=	امث
Ecclésiaste	Ecclesiastes	جامعه	=	جا
Cantique des Cantiques	Song of Songs	غزل غزلها	=	غزل
Sagesse	Wisdom	حکمت	=	حک
Ecclésiastique	Ecclesiasticus	بن سیراخ	=	بنسی
Isaie	Isaiah	اشعیا	=	اش
Jérémie	Jeremiah	ارمیا	=	ار
Lamentations	Lamentations	مراتی	=	مرا
Baruch	Baruch	باروخ	=	بار
Ezéchiel	Ezekiel	حزقیال	=	حزق
Daniel	Daniel	دانیال	=	دان
Osée	Hosea	هوشع	=	هو
Joël	Joel	یوئیل	=	یول
Amos	Amos	عاموس	=	عا

Abdias	Obadiah	=	عوبدیا	عو
Jonas	Jonah	=	یونس	یون
Michée	Mikah	=	میکاه	میک
Nahum	Nahum	=	ناحوم	نا
Habacuc	Habakkuk	=	حبقوق	حب
Sophonie	Zephaniah	=	صفنیا	صف
Aggée	Haggai	=	حجی	حجی
Zacharie	Zechariah	=	زکریا	زک
Malachie	Malachi	=	ملاکی	ملا
Matthieu	Matthew	=	متی	مت
Marc	Mark	=	مرقس	مر
Luc	Luke	=	لوقا	لو
Jean	John	=	یوحنا	یو
Actes	Acts	=	اعمال رسولین	اع
Romains	Romans	=	رومیان	روم
1 Corinthiens	1 Corinthians	=	۱-قرنتیان	۱-قرن
2 Corinthiens	2 Corinthians	=	۲-قرنتیان	۲-قرن
Galates	Galatians	=	غلاطیان	غلا
Ephésiens	Ephesians	=	افسیان	افس
Philippiens	Philippians	=	فیلیپیان	فی
Colossiens	Colossians	=	کولسیان	کول
1 Thessaloniens	1 Thessalonians	=	۱-تسالونیکیان	۱-تسا
2 Thessaloniens	2 Thessalonians	=	۲-تسالونیکیان	۲-تسا
1 Timothée	1 Timothy	=	۱-تیموتاوس	۱-تیمو
2 Timothée	2 Timothy	=	۲-تیموتاوس	۲-تیمو
Tite	Titus	=	تیتوس	تیط
Philémon	Philemon	=	فیلمون	فیل
Hébreux	Hebrews	=	عبرانیان	عبر
Jacques	James	=	یعقوب	یع
1 Pierre	1 Peter	=	۱-پطرس	۱-پطر
2 Pierre	2 Peter	=	۲-پطرس	۲-پطر
1 Jean	1 John	=	۱-یوحنا	۱-یو
2 Jean	2 John	=	۲-یوحنا	۲-یو
3 Jean	3 John	=	۳-یوحنا	۳-یو
Jude	Jude	=	یهودا	یهو
Apocalypse	Revelation	=	مکاشفه	مکا